

مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری

فصلنامه علمی تخصصی، سال اول، شماره ۲، پاییز ۹۷

ISSN: 2645-4424

برنامه‌ریزی و کالته؛ شناسایی ابعاد و ویژگی‌های
آن

راضیه رمضانی، امیررضا فرشچین، احمدرضا
ابراهیمی پور

نگاهی تحلیلی میدانی بر چالش‌های کالبدی
پیاده‌روها در شهر اردبیل
یوسف درویشی

بررسی نقش عناصر تجمع‌پذیر در تعاملات
اجتماعی محله‌های سنتی
فرزاد رحیمی نژاد، محمد تیموریان، محمد پیرمحمدی

نقش دلبستگی به مکان در هویت بخشی به
رودخانه‌های درون شهرها؛ نمونه موردی: رودخانه
کارون
امیرنوری مکرّم

ارائه مدلی یکپارچه از تعریف و ابعاد هویت مکان و
تعیین شاخص‌های سازنده هویت؛ نمونه مورد
مطالعه: ساکنین شهر شیراز
مرجان قنبرپور، علی اکبر حیدری، علی قنبرپور

مطالعات طراحی شهری و پژوهش های شهری ۲

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
میلاد فتاحی

زیر نظر شورای سردبیری
مدیر داخلی: منیژه ملائی

فصلنامه علمی تخصصی مطالعات طراحی شهری و پژوهش های شهری،

سال اول، شماره دو، پاییز ۱۳۹۷

ISSN: 2645-4424

اعضای شورای علمی نشریه:

دکتر مژگان طاهری تفتی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

دکتر میترا عظیمی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر وحیده ابراهیم نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر حسن اسماعیل زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر رحیم حیدری چیا، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

دکتر ابوالفضل قنبری، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

دکتر وحید بیگدلی راد، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷

۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (یاغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱

فراخوان پذیرش مقاله

تحولات دوران جدید، موجب دگرگونی‌هایی بسیاری در میان جلوه‌های زندگی جامعه شده است. در این دوران شهرهای سنتی ما به علت سرعت بسیار زیاد تحولات، فرصت تطابق با فرهنگ جدید را پیدا نکرد. در اثر رشد سریع جمعیت شهری چند دهه گذشته این گسست خود را بیش از پیش نشان داده است و ادعایی گزافه نیست که این گسست امروزه بدل به بزرگترین آسیب معماری و شهرسازی کشور شده و چاره‌جویی صاحب‌نظران و اندیشمندان در این حوزه بسیار ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر آنچه امروز روند پژوهش‌های شهرسازی را در کشور تهدید می‌کند فعالیت جزیره‌ای محققان کشور است. در واقع مطالعات گسسته پژوهشگران و فاصله میان طرح‌های اجرایی و مطالعات دانشگاهی آسیب دیگر این حوزه بدل شده است. از این رو «نشریه مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری» با توجه به نقش موثر دانشگاهیان در یافتن راهکارهایی جهت کاهش معضلات شهرسازی کشور، بستری را برای انتشار مطالعات و پژوهش‌های صاحبان اندیشه، متخصصین، اساتید دانشگاه، مدیران، برنامه‌ریزان شهری، مهندسين و دانشجویان فراهم نموده است.

برای ارسال مقاله به نشریه لازم است تا در وب سایت نشریه به نشانی www.UDSJ.ir ثبت‌نام نموده و با ورود به پتل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید. پس از بررسی اولیه و داوری علمی از طرف تحریریه جهت انتشار مقاله با نویسندگان رابط تماس گرفته خواهد شد.

محورهای نشریه مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری:

- برنامه‌ریزی شهری
- مبانی نظری و تاریخ شهرسازی
- مطالعات طراحی شهری
- مدیریت شهری
- گردشگری شهری
- جامعه‌شناسی شهری
- شهرسازی ایرانی و اسلامی
- شهرسازی و توسعه پایدار
- شهرسازی و اقتصاد شهری
- اخلاق حرفه‌ای، آموزش و پژوهش در شهرسازی
- ارتباط دوسویه معماری و شهرسازی
- آسیب‌های شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی
- شهرسازی و پایداری اجتماعی و فرهنگی
- مرمت و احیای بافت‌های تاریخی شهری
- نقش محیط‌زیست و اقلیم در توسعه شهری
- مدیریت بحران و پدافند غیرعامل در شهرسازی
- مدیریت دانش و مطالعات میان‌رشته‌ای در شهرسازی

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	برنامه‌ریزی وکالتی؛ شناسایی ابعاد و ویژگی‌های آن راضیه رضانی، امیررضا فرشچین، احمدرضا ابراهیمی پور
۱۱	نگاهی تحلیلی میدانی بر چالش‌های کالبدی پیاده‌روها در شهر اردبیل یوسف درویشی
۱۹	بررسی نقش عناصر تجمع‌پذیر در تعاملات اجتماعی محله‌های سنتی فرزاد رحیمی نژاد، محمد تیموریان، محمد پیر محمدی
۲۵	نقش دلبستگی به مکان در هویت بخشی به رودخانه‌های درون شهرها نمونه موردی (رودخانه کارون) امیر نوری مکرم
۳۳	ارائه مدلی یکپارچه از تعریف و ابعاد هویت مکان و تعیین شاخص‌های سازنده هویت: نمونه مورد مطالعه: ساکنین شهر شیراز مرجان قنبرپور، علی اکبر حیدری، علی قنبرپور

برنامه‌ریزی و کالتی؛ شناسایی ابعاد و ویژگی‌های آن

راضیه رمضانی^۱، امیررضا فرشچین^{۲*}، احمدرضا ابراهیمی پور^۲

۱- دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه شهید بهشتی،

۲- عضو هیئت علمی پژوهشی گروه مطالعات شهری جهاددانشگاهی دانشگاه خوارزمی

ra_ramezani@sbu.ac.ir

چکیده

جریان برنامه‌ریزی و کالتی، با هدف مبارزه با تبعیض نژادی در شهرهای آمریکا و دفاع از مردم فقیر و محرومان در سال ۱۹۶۵ توسط پل دیویدف مطرح گردید شکل گرفت. (مهدیزاده، ۱۳۸۵) این نظریه در نیمه دوم دهه شصت مطرح و در دهه هفتاد مورد اقبال و توجه قرار گرفت. دیویدف عنوان می‌نماید که اگر آن طور که نظریه برنامه‌ریزی سنتی ادعا می‌کند، برنامه‌ریزی فرایندی عقلانی و تکنوکراتیک باشد، قاعدتاً همه این برنامه‌ها باید مثل هم باشند. زیرا همگی براساس روش شناسی و مبانی نظری واحدی تهیه شده‌اند. اما در جاهایی که این اتفاق افتاده است برنامه‌ها مثل هم نبوده‌اند و همین نکته نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی موضوعی فنی و تکنوکراتیک نیست بلکه با ارزش‌ها و اولویت‌های مردم رابطه دارد. با پذیرش چندگانه باوری در برنامه‌ریزی، واژه و کالتی معنا پیدا می‌کند، زیرا برنامه‌ریز به عنوان یک متخصص، نقش وکیل اجتماعات شهری یا روستایی، گروه‌های شغلی، قومی و نژادی، شهرها، منطقه‌ها، و یا حتی کشورها را برعهده می‌گیرد. نکته مهم در اینجا است که برنامه‌ریزی که وکیل یک گروه یا اجتماع می‌شود می‌بایست ارزش‌ها، منافع و اولویت‌های آن گروه را باور داشته باشد، با آنها همدردی کند، به نفع اهداف آنها تبلیغ کند و در جهت تحقق اهدافشان بکوشد. به دنبال مطرح شدن رهیافت و کالتی در برنامه‌ریزی و توجه بسیاری از صاحب‌نظران، این رهیافت وارد مقوله برنامه‌ریزی شهری شد. رهیافت برنامه‌ریزی و کالتی، ره‌آورد گفتگوهای طرفداران عدالت اجتماعی درباره مسائل جوامع و به خصوص جوامع شهری است. با توجه به اهمیت مقوله عدالت اجتماعی در مباحث مرتبط با برنامه‌ریزی شهری، هدف از این مقاله ابتدا معرفی و نقد برنامه‌ریزی و کالتی و سپس بررسی مسئله نابرابری و ارتباط آن با برنامه‌ریزی و کالتی است.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی و کالتی، چندگانه باوری، محرومیت، عدالت.

مقدمه

انسان در زندگی همواره با دو پدیده ذاتا متناقض مواجه بوده است این دو پدیده عبارتست از خواسته‌ها و نیازهای نامحدود و منابع و امکانات محدود؛ به همین منظور به ابزاری نیاز بوده تا بتواند بین این دو پدیده آشتی برقرار کند. برنامه‌ریزی ابزاری است که می‌تواند با با اولویت بندی نیازها و استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود بین این دو پدیده تعادل برقرار کند. یکی از نظریه‌های برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی و کالتی^۱ است که از نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه متفکرین قرار گرفت. برنامه‌ریزی و کالتی با تبیین نگرش و نحوه برخورد با بی عدالتی و حمایت از مورد تبعیض واقع شدگان، راهبردها و سیاست‌هایی را تعریف می‌کند تا به صورتی ترجیحی اولویت‌های گروه‌های محروم، مطرح و تعیین گردد و صدای اعتراض محرومین به گوش مسئولین مربوطه برسد. پل دیویدف که به عنوان مؤسس جنبش برنامه‌ریزی و کالتی شناخته می‌شود، به رشته شهرسازی (اعم از برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری) به عنوان رشته پشتیبان و جانبدار مردم نگاه کرده و ابراز می‌دارد که حرفه‌مندان شهرسازی باید نقش اساسی در

1. advocacy planning

ارتقای سطح زندگی مردم بالاخص آنانی که نمی‌توانند خواسته‌ها و نظراتشان را به راحتی یا به درستی بیان کنند، بازی کنند. (Davidoff, 1965)

برنامه‌ریزی وکالتی، تعاریف و ویژگی‌ها

دیدگاه برنامه‌ریزی وکالتی یا Advocacy Planning توسط پل دیویدف در مقاله‌ای تحت عنوان "برنامه‌ریزی وکالتی و چندگانه باور" که در سال ۱۹۶۵ در ژرنال موسسه آمریکایی برنامه‌ریزان چاپ شد، مطرح گردید (Angotti, 2010). در این رهیافت advocacy – که از ریشه کلمه advocate می‌آید – دفاع کردن از برنامه یا برنامه‌هایی است که در مقابل و یا در مخالفت با برنامه‌هایی که از جانب کارگزاران سازمان‌های محلی و یا دولتی تهیه می‌شود. به این نکته بیشتر مطمئن می‌شویم هنگامی که بدانیم دیویدف پیش از آنکه به تحصیل برنامه‌ریزی شهری بپردازد زمینه تحصیلی او حقوق بوده است. (مزینی، ۱۳۷۸)

بنابراین مشخص است که کلمه advocacy ریشه خود را در حقوق می‌یابد و به عنوان فرایند صحبت کردن به جای فرد دیگر بیان می‌شود. امروزه این کلمه گسترش یافته و کارهایی را که توسط موسسات توسعه، افراد و گروه‌های جامعه مدنی برای تغییر انجام می‌شوند، را در بر می‌گیرد. برخی این مفهوم را به عنوان فرایند استفاده استراتژیک از اطلاعات برای تغییر سیاست‌هایی که زندگی مردم غیربهره‌مند را تحت تاثیر قرار می‌دهند، تعریف می‌کنند. برخی دیگر نیز آن را وکالت برای افرادی که صدایی ندارند (قادر نیستند که صدایشان را به گوش مسئولین برسانند) تفسیر کرده اند (Embankment, 2001)

دیویدف معتقد بود که شهرسازی فرایندی است که در سه مقطع انتخاب صورت می‌گیرد: انتخاب اهداف و معیارها، انتخاب گزینه‌های و انتخاب نتایج مورد نظر. بر این اساس، شهرسازی نمی‌تواند از جایگاهی بی‌طرفانه و فارغ از ارزش‌ها به موضوعات نگاه کند زیرا نسخه‌ای که شهرساز می‌پیچد (چه به صورت برنامه‌های کلی و چه به شکل طرح‌های موضعی و موضوعی) بر پایه نتایج مورد نظر و از قبل تعیین شده‌ای قرار دارد.

اگرچه شهرسازی که به رهیافت برنامه‌ریزی وکالتی رو می‌آورند به طور لزوم به دنبال جنجال‌آفرینی و دخالت در امور دستگاه‌های موجود نیستند اما در جایی که منافع شهروند مورد چالش قرار می‌گیرد، به حمایت از شهروند بر می‌خیزند. از طرف دیگر نقش آن شهرسازان بیشتر در آگاهی بخشیدن به شهروندان در نحوه تهیه طرح‌ها و پیامدهای آنها برای محله و شهر و آگاه کردن مسئولین و تصمیم‌گیران از نظرات و پیشنهادات شهروندان می‌باشد. (Hoch 1994)

مادامی که برنامه‌ریزی وکالتی یک ابزار تجویزی برای برنامه‌ریزان شهری باشد، تئوری برای همه حرفه‌ها و نظام‌ها که در مقابل دوره‌های سیاسی و اخلاقی گره خورده در تجارب آنها- کارهای اجتماعی، بهداشت عمومی، حکومت عمومی، و تمام دانش‌های اجتماعی که با سیاست شهری سرو کار دارند، به کار می‌رود. (Angotti, 2010) برنامه‌ریزی وکالتی بیان می‌کند که برنامه‌ریزی از موقعیتی ارزش خنثی اتفاق نمی‌افتد. بلکه، برنامه‌ریز وکالتی برای ارزشهای حاشیه‌ای که اغلب متعلق به گروه‌های کم درآمد هستند، وکالت می‌کند. (Harwood, 2003)

بررسی صداهاى مختلف در برنامه‌ریزی آینده یک شهر یک ایده جدید نیست، به ویژه در زمینه برنامه‌ریزی آمریکایی دیویدف (۱۹۶۵)، که بیشتر در ارتباط با شمار رو به رشد مخالفان و تظاهرکنندگان علیه تبعیض‌های نژادی مخالف سیاه‌های آمریکا بود، برنامه‌ریزان را برای درگیر شدن در فرایندهای دموکرات تر و جامع تر تشویق نماید. او همچنین بیان کرده است که برنامه‌ریزان باید در سیاست‌های شهری درگیر شوند و نقش فعال به عنوان وکیل برای طرفداران و رای دهندگان خود مسئول باشند و یا وکیلانی که در مقابل موکلین خود مسئول هستند، پیش‌بینی می‌کرد. مطابق با بروکز (۲۰۰۰)، دو عنصر اصلی که برنامه‌ریزی وکالتی دیویدف را تعریف می‌کنند همیاری تکنیکال و نمایندگی هستند. هنوز برنامه‌ریزی وکالتی فراتر از این دو عنصر حرکت می‌کند.

با بازی کردن نقش وکلا، دیویدف معتقد است که کل ساختار برنامه‌ریزی تغییر خواهد کرد. یک برنامه‌ریز وکالتی که گروه هدف خاصی را پوشش می‌دهد، به عنوان یک وکیل ممکن است طرح مشارکت را متفاوت سازد، از شهروندانی که در مقابل برنامه‌های کارگزاری (نمایندگی) عکس‌العمل نشان میدهند به گروه‌هایی که مفاهیم خود را ارایه می‌دهند تا به عنوان برنامه‌های رسمی بکار برود. همانطوری که دیویدف در اوایل دهه ۱۹۶۰ ارایه کرد A برای بررسی نیازهای چندگانه جمعیت متنوع، برنامه‌ریزان باید از نظر سیاسی فعال باشند B فرایند برنامه‌ریزی باید جامع باشد، جایی که مشارکت شهروندان یک هنجار است C حرفه برنامه‌ریزی

باید شامل موضوعات اجتماعی و اقتصادی شود، نه فقط برنامه‌ریزی کالبدی و D برنامه‌ریزان نباید از طبیعت رقیبانه ای برنامه‌ریزی وکالتی هراس داشته باشند، زیرا همچنان تحقیقات برنامه‌ریزی را منفعت می‌رساند و یک فرایند یادگیری برای تمامی برنامه‌ریزان حرفه ای است. (Gamal, 2010)

در واقع برنامه‌ریز در نقش وکیل مدافع افراد و گروه‌های محروم، به ارائه تخصص لازم به افراد محروم جهت رسانیدن نیازهای آنها به گوش تصمیم گیرندگان می‌پردازد. این نقش برنامه‌ریزان در ایالات متحده آمریکا در بسیاری از "پروگرام های ستیز با فقر" دهه ۱۹۶۰ میلادی چون "پروگرام های عمل در سطح اجتماعات"^۲، شهرهای نمونه^۳ و کارهایی که پس از آن بصورت کوشش هایی در برنامه‌ریزی در سطح اجتماعات (یا به بیانی دیگر نواحی خرد شهری و افراد ساکن در آنها) و فعالیتهای مربوط به محیط زیست صورت گرفت، نمود یافت. (دانشپور، ۱۳۸۷)

مقاله "برنامه‌ریزی وکالتی و چندگانه باور" پل دیویدف در ۱۹۶۵ شامل نکات اصلی زیر بود:

- برنامه‌ریز به تنهایی یک تکنسین ارزش خنثی^۴ نیست، بلکه ارزش ها بخشی از هر فرایند برنامه‌ریزی هستند.
- برنامه‌ریزان شهر نباید تلاش کنند تا یک برنامه تنها را شکل دهند که خواسته های عمومی را نمایش دهد، بلکه "برنامه های گروه های هدف مختلفی را ارائه دهند". در بیان دیگر، برنامه‌ریزی باید چندگانه باور باشد و علایق مختلف را نشان دهد، به ویژه خواسته های گروه های اقلیت.
- برنامه های به اصطلاح "مشارکت اجتماعی" معمولاً به برنامه هاو طرح های رسمی عکس العمل نشان می دهند، به جای اینکه مردم را تشویق کنند تا اهداف، سیاست ها و فعالیت های آتی خودشان را ارائه کنند. گروه های همسایگی و سازمان های ضربتی به هم می پیوندند تا اعتراض کنند که فعالیت های عمومی باید برنامه های آنها را انجام دهند.
- کمیسیون های برنامه‌ریزی که به عنوان بدنه ای خنثی که در جهت خواسته های عمومی عمل می کنند شکل گرفته اند، مسئول و اغلب غیرمرتبط^۵ می باشند. هیچ راه فراری از این حقیقت نیست که سیاست در مرکز برنامه‌ریزی قرار دارد و اینکه کمیسیون های برنامه‌ریزی سیاسی هستند. (Angotti, 2010)
- برنامه‌ریزی شهری تنها به شهر کالبدی محدود شده است: "نگرانی تاریخی حرفه برنامه‌ریزی شهر در مورد محیط کالبدی توانایی آن را برای دیدن ساختارهای کالبدی و زمین به عنوان خادمان کسانی که از آن استفاده میکنند، از بین برده است". دیویدف گفته است که متخصصین باید برنامه‌ریزی کالبدی، اقتصادی و اجتماعی را در نظر بگیرند. در مسیری که مرتبط با پروگرام برنامه‌ریزی تاسیس کالج هانتر بود، او گفته است: "کاربست برنامه‌ریزی چندگانه باور به برنامه‌ریزان تحصیل کرده که قادر به کار کردن به عنوان وکلای حرفه ای باشند، در عمل پیوسته برای شکل دادن به سیاست اجتماعی، دارند." (Davidoff, 1965)
- موضع سنتی، برنامه‌ریزی را فعالیتی فنی می‌داند و نه سیاسی. اما نتایج برنامه‌ریزی که بر این اساس انجام می‌شود به هیچ وجه غیرسیاسی نیست. برعکس پیامدهای این اقدامات که ممکن است به نظر انجام دهندگان شان اقداماتی فنی باشند، برای آنها که برایشان برنامه‌ریزی می‌شود کاملاً سیاسی است. دیویدف برای اثبات ادعای خود به مطالعاتی که درباره طرح های شهری در انگلستان در دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی شده اشاره می کند. برنامه‌ریز حرفه ای بودن یعنی چه؟ گروه‌های هدف طرح ها و برنامه ها چه کسانی هستند؟ تا چه میزان می توان برنامه‌ریزی را از کسانی که از برنامه تأثیر می پذیرند جدا کرد؟ آیا می توان یک برنامه‌ریزی بی طرف و عقلانی داشت؟ پاسخ نظریه وکالتی این است که "برنامه‌ریزان امکان عمل بر اساس نوعی واقعیت فنی و تخصصی را ندارند، در نتیجه برنامه‌ریزی فرایندی است کاملاً سیاسی (Davidoff and reiner, 1963)"

1. war on poverty programs
2. community action programs
3. model cities
4 Value-neutral
5 no constituency

- یک برنامه‌ریزی مناسب و صحیح نمی‌تواند از موضع "بی‌طرفی ارزشی" انجام شود، زیرا توصیه‌های برنامه‌ریزی در جهت رسیدن به مقاصد دلخواه^۱ (اهداف جزئی مطلوب) تنظیم می‌شوند و دلخواه بودن به معنای سازگار با ارزش‌های مطلوب است. نتیجه‌ای که از این گزاره می‌توان گرفت این است که "ارزش‌ها اجزای اجتناب‌ناپذیر فرایند تصمیم‌گیری خردگرایانه هستند". به همین جهت ارزش‌هایی که برنامه‌ریز به آنها باور دارد می‌بایست شفاف و آشکار بیان شود. به نظر دیویدوف برنامه‌ریز نه تنها باید آزادانه ارزش‌هایی را که پشتوانه توصیه‌های عملی پیشنهادی اش هستند را شرح دهد، بلکه می‌بایست مروج و مبلغ آنچه خود درست می‌پندارد نیز باشد.
- در جامعه‌ای که از گروه‌های هم‌منفعت متعددی تشکیل شده است، تعیین اینکه چه چیزی منافع عمومی را تامین می‌کند، همواره موضوعی مناقشه‌آمیز خواهد بود. حرفه برنامه‌ریزی برای اینکه نقش تجویز راه‌های عملی برای تحقق وضع مطلوب آینده را بدرستی ایفا کند می‌بایست به طور کامل، آزادانه و آشکارا در مباحثات مربوط به تصمیم‌گیری سیاسی وارد شود. افزون بر این برنامه‌ریزان باید این توانایی را داشته باشند که به عنوان وکیل دولت، گروه‌ها، سازمان‌ها و یا افرادی که برای آینده جامعه پیشنهاداتی دارند، عمل کنند.
- این پیشنهاد که برنامه‌ریزان به عنوان نمایندگان و یا وکلای گروه‌های هم‌منفعت گوناگون عمل کنند بر مبنای ارزش ضرورت ایجاد یک دموکراسی شهری مؤثر استوار است. دموکراسی‌ایی که در آن شهروندان بتوانند نقشی فعال در فرایند سیاستگذاری عمومی برعهده گیرند. در دموکراسی‌ها، سیاست مناسب از طریق فرایند مباحثه سیاسی تعیین می‌شود. در واقع عمل صحیح همواره مسئله‌ای مربوط به انتخاب است و نه واقعیات. در دورانی که بوروکراسی این سان گسترش یافته و گرایش به تصمیم‌گیری انحصاری دارد، برای اینکه انتخاب سیاست‌ها تحت نظارت عموم باقی بماند و با مشارکت مردم تحقق یابد، کوشش زیادی لازم است.
- اگر قرار باشد فرآیند برنامه‌ریزی تقویت‌کننده حکومت دموکراتیک شهری باشد، می‌بایست به نحوی عمل کند که شهروندان را دربرگیرد و نه اینکه آنها را کنار بگذارد. در برگرفتن شهروندان بدین معناست که نه تنها اجازه دهد که نظر شهروندان شنیده شود، بلکه اجازه دهد که ایشان از دلایل پشت سر پیشنهادهای برنامه‌ریزی اطلاع یابند. پس لازم است زبان فنی برنامه‌ریزان را بفهمند و به آن واکنش نشان دهند. بدین منظور لازم است نسخه‌ای از متن برنامه به زبان ساده و قابل فهم برای عموم تهیه شود.
- چندگانه‌بوری در برنامه‌ریزی به معنای تهیه برنامه‌های متعدد برای یک مکان، یک فعالیت و یا یک هدف است. اما نهایتاً فقط یک برنامه را می‌توان به اجرا درآورد. پس مسئله‌گزینش میان طرح‌ها و برنامه‌ها مطرح می‌شود. اما گزینش به چه شیوه‌ای پاشنه آشیل نظریه وکالتی همین جاست. برنامه‌ریز وکالتی طرفدار سوگیری به نفع اجتماعی است که وکالتش را برعهده گرفته است و با بی‌طرفی میانه‌ای ندارد، پس نمی‌تواند داور باشد. این دیدگاه استفاده از روش تحلیل هزینه و فایده را رد می‌کند (هزینه برای که؟ فایده برای که؟) شیوه‌گزینشی که دیویدف پیشنهاد می‌کند شبیه تکنیک حقوقی بررسی مقایسه‌ای است. متأسفانه وی درباره این شیوه توضیح زیادی نمی‌دهد، ولی ظاهراً منظورش مقایسه و ارزیابی توأمان روش‌ها، ارزش‌ها و منافع است. خود وی اذعان می‌کند که این روش سخت و پرزحمتی برای برنامه‌ریزان است، اما "...در عوض محصول خالص این رویارویی میان مدافعان برنامه‌های رقیب، آزمونی دقیق تر و عمیق تر از هر شیوه دیگری است" (Angotti, 2010).
- یک بعد دیگر مسئله، نوع سازمان‌های درگیر در برنامه‌ریزی وکالتی است. وی از سه نوع سازمان نام می‌برد: احزاب سیاسی، سازمان‌ها و گروه‌های هم‌منفعت مشخص و بالاخره سازمان‌های موقت. احزاب سیاسی در یک ناحیه براساس ارزش‌های خود برنامه توسعه تهیه می‌کنند. گروه‌های هم‌منفعت خاص مثل اطلاق‌های بازرگانی، اتحادیه‌ها و غیره، اگر بر تفرقه و پراکندگی که معمولاً بین آنها هست فائق آیند، می‌توانند برنامه‌های رقیب خود را ارائه دهند و سرانجام گروه‌های موقت که برای مقابله با یک وضعیت خاص مثل کشیدن یک اتوبان، وقوع زلزله، تأسیس یک مرکز تجاری بزرگ و غیره تشکیل می‌شوند، نیز می‌توانند وارد بازی شوند. طرف دیگر، نهاد حکومتی شهری یا منطقه‌ای است که نقش دآوری داشته، انتخاب طرح‌ها را مدیریت می‌کند، اجرای برنامه را برعهده می‌گیرد و هماهنگی با سیاست‌های

ملی و شهری را تضمین می کند. خود نیز می تواند برنامه پیشنهادی داشته باشد و در رقابت شرکت کند. هزینه تهیه طرح ها می تواند از طرف دولت مرکزی، شهر داری، اتحادیه برنامه ریزان و یا خود برنامه ریزان داوطلب و یا سازمان های غیردولتی و مردم محل تامین شود (مزینی، ۱۳۷۸).

زمینه های شکل گیری برنامه ریزی وکالتی

دهه ۱۹۶۰ میلادی در تاریخ معاصر، دهه انتقاد از ارزش ها و روش های موجود و پیشنهاد دیدگاهها و روش های نو در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بود. یکی از این عرصه ها برنامه ریزی شهری بود. از یک سو انتقادهایی که متفکران مارکس گرا و انتقادی در آمریکا، انگلستان و فرانسه و به میزان کمتر در هلند و آلمان و دیگر کشورهای صنعتی از عملکرد برنامه ریزان به عمل آوردند و حرفه برنامه ریزی را در نهایت در خدمت "سرمایه" و منافع سرمایه داران تشخیص دادند و از سوی دیگر شکاف ها و تفاوت هایی که میان محله های مسکونی اقلیت های نژادی و قومی و سکونتگاه های طبقه متوسط و بالای عمدتاً سفیدپوست وجود داشت، بر افکار عمومی و وجدان حرفه ای برنامه ریزان تأثیر قابل توجهی گذاشت.

در همین دهه و همزمان با این خودآگاهی در ایالات متحد مبارزه آمریکایی های آفریقایی تبار (سیاهان) در جهت آزادی و برابری بیشتر ظهور و بروز یافت و گروه های اجتماعی فرودست دیگر نیز شروع به بیان مطالبات خود کردند (زنان، کارگران، سایر اقلیت های قومی و نژادی). در حوزه عمل نیز کوشش های دهه پنجاه میلادی در جهت نوسازی و اعیانی سازی محله های فقیرنشین که معمولاً از بالا و بدون توجه به خواسته ها و نظرات ساکنان این محلات انجام می شد، کم کم بی تأثیری خود را نشان می داد. بسیاری از برنامه ریزان شهری به این نتیجه رسیده بودند که این نوع برنامه ریزی برداشته مشکلات اجتماعی می افزاید و یا دست کم قادر به حل مشکل نیست. یکی از پیامدهای این وضعیت پیدایش دیدگاه هایی بود که می کوشیدند برنامه ریزی از پایین و با مشارکت مردم را جایگزین روش های برنامه ریزی سنتی بکنند که معمولاً گرایش به تمرکز و غیرسیاسی بودن و بی توجهی به مشارکت مردم داشت. این دیدگاه ها هم در برنامه ریزی روستایی و محلی پیدا شدند و هم در برنامه ریزی شهری. حتی کوشش هایی صورت گرفت که برنامه ریزی اقتصادی سطح ملی را نیز تا حد امکان با این شیوه ها پیش ببرند. یکی از این دیدگاهها برنامه ریزی وکالتی بود که در زمینه برنامه ریزی شهری مطرح شد.

ظهور برنامه ریزی وکالتی رابطه ای مستقیم با محیط سیاسی کلی دهه ۱۹۶۰ داشت. در کلام دیگر، ممکن است برنامه ریزی وکالتی را به عنوان گسترشی از جنبش حقوق مدنی به رشته برنامه ریزی در نظر گرفت. با در نظر داشتن این زمینه تاریخی، می توان گفت یک ابداع در نظریه برنامه ریزی نمی تواند حمایتی بدست آورد مگر اینکه شرایط اجتماعی مناسبی وجود داشته باشد. (Zhang, 2006)

با اینکه برنامه ریزی وکالتی ریشه در تئوری اقتصاد لیبرال و روشنگری دارد، برنامه ریزی وکالتی یک بدعت دهه ۱۹۶۰ بود، یک نتیجه مستقیم از درگیر شدن برنامه ریزان شهری در جنبش حقوق مدنی و جدال در برابر جابجا کردن اجباری جوامع کم درآمد بوسیله برنامه نوسازی شهری فدرال بوده است. همچنین از فرصت های ابداع ستیز با فقر پیشنهاد شده توسط فدرال، شامل برنامه شهرهای نمونه، تغذیه و ناشی می گردد. تئوری برنامه ریزی وکالتی نه به سادگی از ذهن پل دیویدف، بلکه از تجارب چندگانه فعالان جامعه و متخصصین برای اصلاح موضوعات تبعیض نژادی و طبقاتی نشأت گرفته است. برنامه ریزی وکالتی در مقابل حرفه برنامه ریزی ای که به طور دقیق بر شهر کالبدی تمرکز می کند، تخریب زاغه ها را با بازسازی شهری عقلانی می کند و منافع بنگاه های قدرتمند را جانبداری می کند، و در واقع کلاب قدرتمندی از مردان سفیدپوست را که ادعای موقعیت خاصی برای خود از تکنوکراتیک و برتری در مقابل جوامع معترض داشتند، قرار دارد. (Angotti, 2010)

چندگانه باوری و برنامه ریزی وکالتی

یکی از شیوه های عملی که تاکنون به عنوان مانع مشارکت همه جانبه شهروندان در تهیه طرح های شهری عمل کرده است، اندیشه برنامه واحد بوده است. یعنی تفکری که می گوید برای هر منطقه، محله یا شهر فقط یک طرح یا برنامه جامع می بایست تهیه شود که متولی تهیه آن هم معمولاً اداره برنامه ریزی دولتی است. سوال این است که چرا هیچ سازمان یا نهاد دیگری نباید طرح و برنامه پیشنهاد کند؟ چرا فقط یک مؤسسه مسئول تعیین اهداف کلی و جزئی و استراتژی برای توسعه یک اجتماع و هزینه تحقق آنها باشد؟ چرا برنامه های متکثر و برنامه ریزی چندگانه باور نداشته باشیم؟ دیویدف در مقاله خود پیشنهاد می کند که گروه های

مختلف اجتماعی اجازه داشته باشند که طرح‌ها و برنامه‌های رقیب برای توسعه شهر، منطقه یا محله پیشنهاد کنند. این طرح‌ها می‌توانند با هم رقابت کنند و از میان آنها بهترین طرح یا برنامه برای توسعه انتخاب شود. وی مطرح می‌کند که اگر آن‌طور که نظریه برنامه‌ریزی سنتی ادعا می‌کند، برنامه‌ریزی فرایندی عقلانی و تکنوکراتیک باشد، قاعدتاً همه این برنامه‌ها باید مثل هم باشند. زیرا همگی براساس روش‌شناسی و مبانی نظری واحدی تهیه شده‌اند. اما در جاهایی که این اتفاق افتاده است برنامه‌ها مثل هم نبوده‌اند و همین نکته نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی موضوعی فنی و تکنوکراتیک نیست، بلکه با ارزش‌ها و اولویت‌های مردم رابطه دارد.

با پذیرش چندگانه باوری در برنامه‌ریزی، واژه وکالتی معنا پیدا می‌کند. در واقع برنامه‌ریزی وکالتی به شکست نگرش یکانه کالاهای عمومی در دهه ۱۹۵۰ که بر اساس این ایده بود که آنچه برای تجارت مناسب است برای همه افراد در جوامع محلی نیز مناسب است، کمک می‌کرده است. این نگرش برنامه‌ریزان را به سمت نگرش‌های جدید که توسعه طرح‌هایی برای گروه‌های مختلف جداگانه را پیشنهاد می‌دهند، هدایت می‌کند. (R. Berke, 2002) برنامه‌ریز به عنوان یک متخصص نقش وکیل اجتماعات شهری یا روستایی، گروه‌های شغلی، قومی و نژادی، شهرها، منطقه‌ها، و یا حتی کشورها را برعهده می‌گیرد. نکته مهم در اینجا است که برنامه‌ریزی، که وکیل یک گروه یا اجتماع می‌شود می‌بایست ارزش‌ها، منافع و اولویت‌های آن گروه را باور داشته باشد، با آنها همدردی کند، به نفع اهداف آنها تبلیغ کند و در جهت تحقق اهدافشان بکوشد. به سخن دیگر، کافی نیست که برنامه‌ریز به هنگام تهیه طرح و برنامه به ارزش‌های مشتریان توجه کند، بلکه می‌بایست به این ارزش‌ها متعهد باشد و از آنها دفاع کند. به این ترتیب گروه‌های مختلف اجتماعی می‌توانند برنامه‌ریزان خود را داشته باشند و هر کدام برنامه‌های خود را تهیه و به مقامات شهری - یا منطقه‌ای و کشوری - پیشنهاد دهند.

دیویدوف سه حسن برای این شیوه تشخیص می‌دهد، اولین فایده این است که مردم از گزینه‌های گوناگونی که برای توسعه محله، شهر و یا منطقه آنها وجود دارد، آگاه می‌شوند، بویژه اینکه پشت سر هر یک از این گزینه‌ها گروهی از مردم وجود دارند که از آنها دفاع می‌کنند. دومین فایده این شیوه، ارتقاء کیفیت برنامه است. زیرا وقتی برنامه‌ریز می‌داند که رقبایی دارد که آنها نیز مثل خود او مشغول تهیه برنامه هستند، تنها راهی که برای موفقیت پیش پای او قرار دارد، بالا بردن کیفیت کارش است، با این امید که برنامه او که در حقیقت برنامه یک گروه اجتماعی است انتخاب شود. فایده سومی که دیویدوف برای تهیه برنامه‌های متکثر قائل می‌شود بسیار جالب است: "کسانی که همیشه از وضع موجود برنامه‌ریزی انتقاد می‌کنند حالا می‌توانند بخت خود را برای تهیه برنامه‌های بهتر بیازمایند و دیگر تنها وظیفه آنها انتقاد از برنامه‌های به نظر ایشان "غلط" نباشد." (Campbell and Fainstein, 1996)

محرومیت، نابرابری و برنامه‌ریزی وکالتی

افراد بشر متفاوت به دنیا می‌آیند و در ابعاد فیزیکی ظاهری و هویت فرهنگی اجتماعی متفاوت هستند. این افراد، همچنین گروه‌ها و جوامع صحیح است. مفهوم تفاوت، که نقطه شروع برنامه‌ریزی وکالتی است، در برنامه‌ریزی، نقطه‌ای مرکزی است. همانطور که بوسلیه پل دیویدف تعریف شده "برنامه‌ریزی وکالتی به دفاع از حقوق آنهایی که نادیده گرفته شده‌اند می‌پردازد" و "مفهوم برنامه‌ریزی تساوی حقوق خواه، شامل شناختی روشن از تضادهای متنوع حقوق اجتماعی، که ممکن است وفق ناپذیر باشند، می‌گردد." (Stieglitz, 1999) در میان مفهوم تفاوت در چند دسته در نظر گرفته شده است. یک دسته از افراد تفاوت‌های فردی (چون توانایی‌های ذاتی، انگیزه و تمایل به سخت کوشی) را پایه اصلی نابرابری دانسته و دسته‌ای دیگر اعتقاد به این دارند که نابرابری در اصل مبتنی بر تفاوت‌هایی است که جامعه در رفتار و برخورد با افراد بین آنها می‌گذارد و از جمله علت‌های این تفاوت، ویژگی‌هایی چون طبقه اقتصادی، نژاد، قومیت، جنسیت و مانند آن است. دسته سوم دولت یا بخش عمومی را نماینده رسمی خواسته‌های مردم و مسئول ایجاد و تعیین سیاست‌ها و قوانینی می‌دانند که می‌توانند باعث کاهش این نابرابری‌ها گردند. (دانشپور، ۱۳۸۷)

مفهوم مشابه متفاوت بودن به شیفی از سیاست فدرال تجزیه و تحلیل - داستان ظرف در حال جوش - به سیاستی که شروع به تشخیص هویت‌های جداگانه تاریخی و فرهنگی گروه‌های مختلف جامعه آمریکایی - داستان ظرف سالاد - می‌کند، به کار گرفته شده است. جوانب مشخصی از تئوری دموکراتیک در برنامه‌ریزی، تفاوت‌ها را شناخته و به آنها احترام می‌گذارد. در هر صورت

بسیاری از نظریه پردازان دموکراتیک "خواست جامعه را با خواست های جامعه، یا حداقل با اکثریت آن" برابر فرض می کنند. درحالی که برنامه ریزان وکالتی بیشتر بر حرمت گروه ها به عنوان وجودی جداگانه تاکید می کنند و تلاش می کنند تا از تصمیم سازی اکثریت خودداری کنند. آزادی گروه های مجزا در جامعه مسئله ساز است: شناخت تفاوت ها، ایده برابری شناخته شده به عنوان فراهم کردن یک نوع برخورد برای همه را تغییر می دهد. در حقیقت، ایده "متفاوت" ذاتا نیازهایی متفاوت، منابع متفاوت و کاربست های برنامه ریزی متفاوتی را دلالت می کند. به حداقل رساندن آزادی افراد (به منظور احترام به تفاوت ها) در بکارگیری آن، در ابتدا به نفع گروه های اجتماعی دارای امتیاز است. بنابراین مادامی که برنامه ریز وکالتی از نظر تئوری برای هر گروه اجتماعی کار می کند، واژه عموماً به معنی وکیل برای فقرا تفسیر می گردد. (Fainstein and Fainstein, 1996)

برنامه ریزی وکالتی بر پایه این درک استوار است که جامعه مورد برنامه ریزی همگون نبوده و از گروه های مختلف با ویژگی های متنوع تشکیل شده است. لذا در این جامعه ی چندگانه تنها قدرت نیست که به شکل نابرابر پخش شده است. بلکه دسترسی به منابع، نیز برای افراد دارا و ندار، افراد با سواد و بی سواد (و جز آن) نیز یکسان توزیع نگردیده است. آنچه برنامه ریزان وکالتی به آن عقیده دارند و در تحلیل جامعه خود به آن توجه دارند، آن است که با وجود افزایش ثروت و فراوانی در جوامع سرمایه داری پیشرفته و یا بیشتر توسعه یافته و در دوران بعد از صنعتی شدن، قسمت اعظمی از جوامع از نقطه نظر تخصیص منابع، مورد تبعیض و محرومیت قرار گرفته اند. این دسته از برنامه ریزان یکی از عوامل و موانع اصلی تخصیص مناسب و دوباره منابع و ایجاد عدالت و برابری بیشتر را عوامل سیاسی جاری در این کشور ها می دانند. بدین صورت که در اینگونه کشورها گروه های محروم توان ایجاد تاثیر کافی بر فرآیند تصمیم گیری را نداشته و به تبع آن امکان توزیع و پخش دوباره منابع و... به نفع آنها وجود ندارد. (دانشپور، ۱۳۸۷)

در اینجا آنچه اهمیت می یابد، تعریف مناسب از نابرابری، محرومیت و تبعیض است. مفهوم "نابرابری" به تفاوت فرصت هایی که یک فرد یا گروه افراد در ارتباط با فرصت های میانگین اعضای جامعه در مفهوم تفاوت های اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی دارند، بر می گردد. (De la Espriella, 2009) پیروان برنامه ریزی وکالتی رهیافتهایی که برنامه ریزی را فرآیندی غیر سیاسی و به دور از سیستم گسترده تصمیم گیری سیاسی رسمی تلقی کرده اند را پاس دارنده منافع قدرتمندان و ثروتمندان می دانند که گروه های محروم جامعه را در فعالیت برنامه ریزی خود نادیده می انگارند. پیروان تفکر برنامه ریزی وکالتی، گروه های محروم جامعه را به دور از سه زمینه رابطه بین سیستم حکومتی و مردم، یعنی رابطه های سیاسی، اداری و حرفه ای نمی دانند. بنابراین از بین بردن فاصله بین تمام گروه های جامعه و به ویژه گروه های محروم حکومت، از مهمترین اهداف این دیدگاه برنامه ریزی است، هر چند ارائه کمک های تخصصی و دفاع از حقوق مردم را بدون اقدامات آشکار و آگاهانه سیاسی موثر نمی دانند. (دانشپور، ۱۳۸۷)

برنامه ریزی وکالتی به برنامه ریزان استراتژی ای برای ارتقای توزیع عادلانه تر منابع عمومی برای گروه های هم منفعت به جای کاربست معمول برنامه ریزی به اسم خواست های عمومی، ارایه می دهد. (Harwood, 2003) از آنجا که شهرهای ما به علت بازسازی اقتصادی و مهاجرت های بین المللی، به سرعت در حال تغییر و دگرگونی هستند، برنامه ریزان دوباره باید به دنبال ابزاری برای کاهش نابرابری های اجتماعی، به ویژه اتصال برنامه ریزی وکالتی به تلاش های حقوق مدنی و جنبش عدالت محیطی در حال رشد باشند. برنامه ریزی وکالتی به دنبال بهبود کیفیت زندگی است و توانا ساختن موسسات در فرایند برنامه ریزی تاریخی رابطه موکلی بالا به پایین، مانند کارهای اجتماعی است. (Harwood, 2003)

انتقاد به برنامه ریزی وکالتی

با وجود اینکه ارایه بوسیله بسیاری از متخصصین برنامه ریزی و آکادمیست ها، از برنامه ریزی وکالتی نیز بشدت انتقاد شده است. متخصصین مدعی هستند که برنامه ریزی وکالتی، به عنوان ابزاری برای کاهش تضادها، به قفل شدن تصمیم سازی می انجامد. در این میان، فعالان جامعه، برنامه ریزی وکالتی را به عنوان یک رفتار مبهم آمرانه کولونیال برنامه ریزان در نظر می گیرند. پیون (۱۹۷۰) بیان می کند که برنامه ریزان وکالتی نسبت به ذی نفعان بیگانه شده اند، زیرا معمولاً آنها به طور مستقیم برنامه ریزان را به کار نمی گیرند. او از اینکه به عنوان یک حرفه، یک وکیل باشد متنفر است. زیرا که حرفه ای بودن دقیقاً چیزی است که ذی نفعان معمول برنامه ریزی وکالتی یا مردم ساکنین نواحی زاغه نشین، دارند. بنابراین افراد دیگر از بیرون این دانش را برای این جمعیت می آورند.

در نهایت، پیون معتقد است برنامه‌ریزان وکالتی حرفه ای به جای برآورده ساختن خواسته های مردمی که حقیقتاً برای آنها کار می‌کنند، خواسته (fund) grantor را برآورده می سازند و این به میزان زیادی نتیجه فرایند برنامه‌ریزی را مشخص می‌کند. روسن (۱۹۷۰) نظر پیون را نقد می‌کند، بحث می‌کند که همکاری حرفه ای در کاربست وکالتی همیشه به تسلط منجر نمی‌گردد. بلکه مهمتر از آن، کاربست ادامه دار برنامه‌ریزی وکالتی بخشی از تلاش بلند مدت برای یکپارچه سازی جمعیتی که از قبل حق رای نداشته اند به بحث و گفتگوی سیاسی تصمیم سازی است. روسن بیان می‌ند که کارهای پیون (و دیگر فعالان جامعه و کارکنان اجتماعی) عموماً قدرتمندانه برای رسیدن به اهداف خود است، وکالت برای تغییر از کانال های ثبت شده بیرونی، که یکپارچگی را ارتقا نمی دهند، می باشد.

پاسخ پیون به نقد روسن، بیان می‌کند که اگر برنامه‌ریزی وکالتی خواسته های ذی نفعان را برآورده نسازد، برنامه‌ریزی وکالتی نفع ذی نفعان را برآورده نخواهد ساخت. در سالهای بعد، دانشمندان سیاسی، مانند یانگ (۲۰۰۰)، به طور دقیق تر بر روی این عقاید کار کرده است و منطق هویت را ارایه داده است. مهم نیست که چه چیزی، هیچ کس نمی‌تواند به جای دیگران صحبت کند همانگونه که برای خودشان صحبت می‌کنند. برای یانگ، مشارکت همیشه برتر از ارایه در سیستم دموکراتیک است. در نتیجه، مهم نیست که برنامه‌ریز تا چه میزان همکاری تکنیکی میدهد، او نمی‌تواند صدای ذی نفعان را به گوش برساند (مگر اینکه او یکی از آنها باشد). دو عقیده در زمینه برنامه‌ریزی وکالتی، از این بحث علمی ناشی می‌شود. اولی با برنامه‌ریزی مانند یک حرفه برخورد می‌کند، و بنابراین برنامه‌ریزی وکالتی را به عنوان فعالیتی که بوسیله برنامه‌ریزان حرفه ای انجام می‌گیرد، چارچوب می‌دهد. جامع بودن در برنامه‌ریزی وکالتی در فرایند برنامه‌ریزی به کار می‌رود، زیرا آن شهروندان را به مشارکت تشویق می‌کند. همچنین در موضوع برنامه‌ریزی بکار می‌رود، زیرا ساختار اقتصادی و اجتماعی برنامه ای را که بیشتر از جنبه های کالبدی اهمیت دارد به چالش می‌کشد. بهر حال، حداقل در چارچوب برنامه‌ریزی وکالتی دیویدف، این جامع بودن در مورد بازیگران برنامه‌ریزی بکار نمی‌رود، زیرا فرض می‌گردد که برنامه‌ریزان حرفه ای اجازه^۱ برنامه‌ریزی دارند. به طور خلاصه، آنهایی که در سنت برنامه‌ریزی آموزش دیده اند خدمات حرفه ای تحویل می‌دهند.

نگرش دوم تاحدی ناواضح تر است. در دهه ۱۹۷۰ گزینه برنامه‌ریزی به عنوان یک حرفه به طور مشخص تعریف نشده بود. اما پیون در میان دیگران، یکی از مهمترین سوالات امروز را در حیطه نظام برنامه‌ریزی مطرح ساخت: چه کسی باید برنامه‌ریزی کند؟ خالص ترین گونه های گزینه برای برنامه‌ریزی حرفه ای برنامه‌ریزی سری، رادیکال و یاغی گران هستند. این سه گزینه برنامه‌ریزی البته، نمی‌توانند همزمان وجود داشته باشند، اما مفاهیم مکملی هستند. هدف برنامه‌ریزی رادیکال هنجارین آزاد سازی بشر از تبعیض جامعه ای و دولت و نابرابری تولید شده توسط بازار است. بازیگران برنامه‌ریزی رادیکال موضوعات اداره شده برنامه‌ریزی دولت، (Gamal, 2010)

به طور کلی انتقاد های مطرح شده از زوایای گوناگون را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

- اولین ایراد این بوده است که برنامه‌ریزان وکالتی در عمل همیشه نماینده واقعی اجتماعات محلی نیستند. بسیار پیش می‌آید که مشارکت مردم جنبه نمایشی پیدا می‌کند و مشاوران کار خود را انجام می‌دهند و فقط نوعی فریب دادن فقر اتفاق می‌افتد. (Piven, 1970)
- ایراد دوم این است که وقتی برنامه‌ریز وکالتی با تضاد میان استانداردهای تخصصی حرفه خود و منافع اجتماع محلی که خود را وکیل آنها کرده روبرو شد، چه باید بکند؟ مشکل اینجاست که برنامه‌ریز نماینده حرفه خودش نیز هست. درحقیقت این نماینده سیاسی اجتماع محلی است که باید خواسته های ایشان را بازتاب دهد. وظیفه متخصص فن این است که این خواسته ها را با معیارهای حرفه ای (یعنی علمی و تجربی) محک بزند، تعدیل کند و یا حتی رد کند. کاملاً امکان دارد که برنامه‌ریز بتواند خواسته مردم را تبدیل به طرح های معقول و مشروع فنی کند. اما مشکل وقتی پدیدار می‌شود که اجتماع محلی چیزی از وکیلش بخواهد که با معیارهای حرفه ای او نخواند و برنامه‌ریز وکالتی میان وظیفه وکالت و داوری فنی دچار سردرگمی شود.

- ایراد سوم آنگاه ممکن است پیش آید که میان منافع درازمدت گروههای بزرگتری از مردم با منافع کوتاه مدت (یا حتی بلندمدت) اجتماع محلی تضاد آشکار دیده شود. نظریهٔ وکالتی به منافع عمومی باور ندارد، اما به هر حال وقتی تضاد با منافع گروههای بزرگی از مردم پیش بیاید (و نه گروه کوچکی از سرمایه داران مستغلاتی) برنامه ریز وکالتی چه باید بکند؟
- ایراد دیگری که گروهی از منتقدان پیش کشیده اند این است که برنامه ریزان وکالتی با حمایت از اجتماعات فقیر مانع بازتوانی خود آنها می شوند و یا از آن بالاتر این اجتماعات را از کوشش برای ایجاد تغییرات اجتماعی اساسی تر باز می دارند. پیون، برنامه ریز مارکس گرا، در ۱۹۷۰ می نویسد: "برنامه ریزانی که می خواهند به نفع فقرا عمل کنند آیا فقط تصویری از تأثیرگذاری ایجاد نمی کنند؟ حتی اگر برنامه ریزان واقعاً به نفع ندارها و فقیران عمل کنند چقدر احتمال دارد که این طرح ها زندگی آنها را بهبود بخشد. آیا برنامه ریزان واقعاً قدرت ایجاد این تغییر را دارند؟ نیروهای اقتصادی قدرتمندی وجود دارند که به سادگی با ملاحظهٔ قوت استدلال برنامه ریزان به نفع فقرا از منافع خود نمی گذرند" (Piven, 1970).
- اشکال پنجمی که مطرح شده، نبود روشی دقیق و عملی برای گزینش از میان طرح هاست. در فقدان روش مناسب وکالتی، در عمل این انتخاب توسط شوراها و یا کمیسیون های برنامه ریزی شوراها شهر و یا سایر نهادهای مسئول به شیوهٔ معمول انجام می شود. در واقع نظریهٔ وکالتی تا مرحلهٔ تهیهٔ طرح حرفی برای گفتن دارد و در مورد سنجش طرح ها پیشنهاد عملی ندارد.
- برخی منتقدان می گویند: تجربه نشان داده برنامه ریزان وکالتی اختیار و قدرت کافی برای اجرای طرح های خود ندارند. زیرا این طرح ها باید توسط مقامات شهری تصویب و هزینه اش نیز توسط آنها و یا مقامات دولت مرکزی یا بخش خصوصی تامین شود. اغلب، برنامه ریزان وکالتی توسط دولت یا مقامات شهری استخدام می شوند تا با بحث و گفتگو با مردم، موافقت آنها با طرح های نوسازی شهری جلب شود. البته در این میان ممکن است در طرح ها اصلاحاتی مطابق با نیازهای مردم انجام شود، اما کمتر اتفاق می افتد که طرح های پیشنهادی این برنامه ریزان صرفاً بازتاب نظرات مردم محلی باشد.
- به عقیده دیویدف اعضای "کمیسیون برنامه ریزی" چون منتخب مستقیم مردم نیستند و تصمیمشان به صورت دسته جمعی ابراز می شود؛ این تصمیمات در برنامه ریزی متضمن منافع عموم نیست. دیویدف پیشنهاد می کند که این تصمیم گیری به نمایندگان مجلس واگذار شود. این اعتقاد دیویدف به کلی غیرواقع بینانه است. زیرا روشن است که نمایندگان مجلس با اشتغالات متعددی که دارند نمی توانند خود به اتخاذ تصمیم درباره برنامه ریزی بپردازند و ناگزیرند آن را به گروه یا کمیسיוنی واگذار کنند که اعضای آن نیز منتخب مستقیم مردم نیستند. به علاوه واگذاری تصمیمات کمیسیون های برنامه ریزی محلی به مجالسی که ماهیت کشوری دارند کار را غیرمستقیم تر و مشکل را بیشتر می سازد. (مزینی، ۱۳۷۸)

جمع بندی

برنامه ریزی وکالتی ابتدا توسط پل دیویدف در سال ۱۹۶۵ در آمریکا مطرح شد. این جریان در آغاز برای مبارزه با تبعیض نژادی در شهرهای آمریکا و دفاع از مردم فقیر و محرومان شکل گرفت و بنابراین نمی توان آن را به عنوان یک الگوی برنامه ریزی به حساب آورد. با این وجود این اندیشه، برنامه ریزی وکالتی هم در درون حکومت و هم در بیرون آن اشاعه پیداد کرد و نظر مدیران و برنامه ریزان شهری را بیشتر از پیش به سمت وظایف اجتماعی و عدالت طلبی در توسعه و عمران جلب نمود. این جریان هم بستگی نزدیکی با برنامه ریزی عدالت خواه^۱ دارد، که به طور همزمان در جامعه آمریکا مطرح شده است.

به بیان دیگر نظریهٔ وکالتی پیشگام نظریه هایی بود که براساس مفهوم مشارکت ساخته شدند و یک دهه پیش از رواج این نظریه ها دست کم در عرصهٔ برنامه ریزی شهری کوشید تا به نقد برنامه ریزی سنتی بسنده نکند و راهکارهایی برای نوعی برنامه ریزی چندگانه باور و مردم محور پیش آورد. مطابق نظر بسیاری از صاحب نظران با وجود نقدهایی گسترده ای که به برنامه ریزی وکالتی

^۱ Equity Planning

وارد شده و در بسیاری موارد نیز صحیح به نظر رسیده اند و حتی اگر نظریه وکالتی نتوانسته باشد دگرگونی ریشه ای در برنامه‌ریزی شهری، منطقه ای و محلی به وجود آورد، دست کم توانسته اهمیت نظرات مردم را بیشتر کند و در واقع اهمیت توجه به گروه های محروم و ناتوان در رساندن عقاید خود به گوش مسئولین را مطرح سازد.

منابع

- ۱- مزینی، منوچهر، ۱۳۷۸، "برنامه‌ریز تکثرگرا، برنامه‌ریزی وکالتی، نقدی بر مقاله "برنامه‌ریزی تکثرگرا و برنامه‌ریزی وکالتی از پل دیویدف"، مجله شهرداری ها، سال اول، شماره ۲
- ۲- عبدی دانشپور، زهره، ۱۳۸۷، "درآمدی بر نظریه های برنامه‌ریزی با تاکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری"، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- 3- Angotti, Tom, 2010, "Advocacy and Community Planning: Past, Present and Future", planners network: the organization of progressive planning
- 4- Campbell S and Fainstein, S. (1996). Reading in Planning Theory, Oxford, Blackwell.
- 5- Davidoff, Paul, 1965, "Advocacy and Pluralism in Planning", Journal of the American Institute of Planners
- 6- Davidoff, P., and T. A. Reiner. 1962. A choice theory of planning. Journal of the American Institute of Planners 28
- 7- De la Espriella, Carlos, 2009, "A Technique for Small-area Poverty Analyses", sage publication, Urban Stud 2009; 46; 2399
- 8- Embankment, Albert, 2001, "Advocacy: What's it all about?", WaterAid, Prince Consort House, London, November 2001
- 9- Fainstein, Susan S. and Norman Fainstein, 1996, "City planning and political values": an updated view in "readings in planning theory. edited by Scott Campbell and Susan Fainstein. Malden, MA: Blackwell.
- 10- Gamal, Ahmad, 2010, "Appropriating Decentralization: How Urban Poverty Project Triggers Advocacy", University Of Illinois At Urbana-Champaign, 2010
- 11- Harwood, Stacy Anne, 2003, "Environmental Justice on the Streets: Advocacy Planning as a Tool to Contest Environmental Racism", sage publication, Journal of Planning Education and Research 2003; 23; 24
- 12- Hoch, Charles, 1994, "What Planners Do", Power, Politics, and Persuasion, IL: American Planning Association, Chicago.
- 13- Piven, F. F. 1970, "Whom Does the Advocate Planners Serve?" Social Policy, May/June
- 14- R. Berke, Philip, 2002, "Does Sustainable Development Offer a New Direction for Planning? Challenges for the Twenty-First Century", sage publication, Journal of Planning Literature 2002; 17; 21
- 15- Stieglitz, Orin, 1999, "advocacy planning and the question of the self and the other", critical planning, spring
- 16- Zhang, Tingwei, 2006, "Planning Theory as an Institutional Innovation: Diverse Approaches and Nonlinear Trajectory of the Evolution of Planning Theory", Published in City Planning Review, 2006, Vol. 30(8) 9-18

نگاهی تحلیلی میدانی بر چالش‌های کالبدی پیاده‌روها در شهر اردبیل

یوسف درویشی

استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه پیام نور تهران - ایران
phddarvishi i@yahoo.com

چکیده

در ایران نیز با سلطه تدریجی حرکت سواره بر فضاها و معابر شهری، برنامه‌ریزی و طراحی شهری روز به روز از مقیاس و نیاز انسان پیاده دور شده و در نتیجه از ارزش‌ها و جاذبه‌های اجتماعی و فرهنگی فضاهای شهری کاسته شده است. لذا هدف تحقیق حاضر تأیید بر بازشناسی، اهمیت معابر پیاده، به عنوان یکی از ابزارهای مهم در طراحی و مدیریت شهری بوده است. مکان‌یابی اجزاء مهمترین چالشی است که فراوری طراحی منظر قرار دارد و می‌تواند به جذابیت و ایمنی طراحی بیفزاید. منظر خیابانی در نهایت طراحی چیدمان مجموعه عناصری است که ساکنان یا عابران با هر سنی، تناسب و جذابیت را در هنگام فراغت و هم‌چنین در استفاده از تجهیزات آمد و شد نیز احساس کنند. روش تحقیق این پژوهش تحلیلی توصیفی و میدانی می‌باشد و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده گردیده است. یافته‌های این مقاله بیانگر آن است که پیاده‌روهای شهر اردبیل با معضلات و مشکلاتی مواجه‌اند و مدیریت شهری باید بینش بسیار وسیع‌تری نسبت به اهمیت پیاده‌رو در زندگی شهروندان داشته باشد.

واژگان کلیدی: معابر پیاده، عابرین پیاده، منظر سازی، اوقات فراغت، شهر اردبیل.

۱- بیان مسئله

انسان مبنا و مرجعی طبیعی برای طراحی شهرهای ما بود ولی متأسفانه در طراحی شهری معاصر شاهد شکل‌گیری فضاهای شهری هستیم. که کمترین توجه به تردد و مسائل عابرین دارد. که این بی‌توجهی منجر به وقوع تصادفات، تداخل عابر پیاده با سواره، عدم راحتی عابرین، نبود امکانات مختلف جهت استفاده عابرین، عدم همخوانی عرص با میزان تردد، کف سازی نامناسب، عدم شیب عرضی نامناسب و... از جمله جوانب موضوع حاضر است. اگر بپذیریم که عابر پیاده مهمترین رکن ترافیک بعد از وسیله نقلیه می‌باشد، برای نظم بخشی به چگونگی عبور عابرین در معابر داخلی شهری و کاهش تأخیرهای زمانی ناشی از عبور و مرور در این افراد و جلوگیری از بروز حوادث ترافیکی و تکرار تشکیل تشدید ترافیک و تداخل مسیرهای عابرین پیاده و وسایل نقلیه لازم است عبور عابرین پیاده در معابر شهری ساماندهی گردیده و معابر پیاده بعنوان یکی از ابزارهای مهم مدیریت شهر و طراحی شهری مورد توجه قرار گیرد. [۱]

در مورد فضاهای عمومی موضوع مشخص شده پیاده‌روها می‌توان گفت: فضای عمومی (پیاده‌رو) فضایی است که در آن با غریبه‌ها سهیم هستیم، مردمی که اقوام، دوستان یا همکاران نیستند. فضایی است برای سیاست، مذهب، دادوستد، تفریح و ورزش، فضایی برای هم زیستی مسالمت آمیز و برخورد های غیر شخصی، فضای عمومی، زندگی جمعی، فرهنگ شهری و مباحث روزمره را بیان می‌کند.

فضای عمومی شهری، نماد کالبدی حضور اندیشه‌های اجتماعی- سیاسی رشد یابنده و بالنده است، فضایی مملو از کثرت و تنوع که زمینه گفتگوهای جمعی را بوجود آورده و یا تأکید بر حقوق و ارزش‌های فردی از حقوق و ارزش‌های جمعی دفاع نموده و نهایتاً تعلق و دلبستگی، خاطرات جمعی و هویت پایدار شهروندان را تجسم می‌بخشد. در قوانین راهنمایی و رانندگی کشورمان عابر پیاده به این صورت تعریف شده است:

شخصی که بدون استفاده از هیچ نوع وسیله نقلیه موتوری یا غیر موتوری حرکت می نماید و یا بنا به تعریف دیگر پیاده رو از نظر راهنمایی و رانندگی ایران، قسمتی از خیابان که در امتداد آن واقع شده و برای عبور و مرور افراد پیاده اختصاص یافته است. پیاده رو هر یک از دو طرف خیابان که مردم پیاده از آنجا رفت و آمد کنند. [۲]

طبق متن بررسی شده در این میان کیفیت فیزیکی چالشی پیاده روی شهر اردبیل بر رفت و آمد شهروندان جهت ایجاد شرایط فرهنگی و محیطی متناسب با نیازهای آنان و همچنین بعدها‌های مختلف شهری مخصوصاً ارتباطی صحیح و مناسب صورت گیرد تا شهروندان با مشکلات مواجه نباشند.

۲- سوالات و فرضیه تحقیق

۱. چالش های پیاده روهای شهر اردبیل چه مواردی می تواند باشد؟
۲. مشارکت شهروندان در نگهداری بهینه پیاده رو چه می تواند باشد؟
- به نظر می رسد عدم تطابق کف پوش های پیاده رو های شهر با اقلیم آب و هوایی مناسب برخوردار نیست و از جمله عدم تطابق اندازه عرض های پیاده روهای شهر با میزان شلوغی پیاده رواها مناسب نیست.
- به نظر می رسد مشارکت شهروندان شهر اردبیل از اصول مناسبی در جهت مدیریت مناسب پیاده روی برخوردار نیست.

۳- پیشینه تحقیق

در مورد پیاده رو ها (پیاده روی) مطالعات بسیاری مورد مطالعه قرار گرفته شده است. نمونه ای از این تحقیقات عبارتند از: پاکزاد در مقاله خود در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان پیاده رو حرکت پیاده طبیعی ترین، قدیمی ترین و ضروری ترین شکل جابجایی انسان در محیط است. پیاده روی هنوز مهم ترین امکان برای مشاهده مکان ها، فعالیت ها و احساس شور و تحریک زندگی و کشف ارزش ها و جاذبه های نهفته در محیط است. پیاده رو دارای اهمیت اساسی در ادراک هویت فضایی، احساس تعلق به محیط و دریافت کیفیت های محیطی است. چهره شهر بیشتر از طریق گام زدن عابر پیاده در فضای شهری احساس می شود. [۱] حیات مدنی تنها با امکان حضور پیاده ی همه مردم و وجود پیاده راه های مناسب و مطلوب در شهر امکان پذیر است، و نتیجتاً با توسعه عرصه های عمومی شهری انسجام اجتماعی محقق می گردد. اما باید دانست که ایجاد انسجام اجتماعی مستلزم، ایجاد فرصت برای همه ی مردم است تا از طریق دسترسی به منابع مالی، فرهنگی و اجتماعی و از طریق مشارکت در روند تصمیم گیری و روابط اجتماعی بتوانند به هویت فردی و اجتماعی دست یابند و متقابلاً فقدان انسجام اجتماعی همواره به ایجاد تمایز و شکلهای جدید محرومیت منجر گردیده، حیات مدنی را دچار اختلال می نماید. لذا امکان حرکت آزادانه و ایمن در سطح فضاهای عمومی شهری زیربنایی ترین شرط کالبدی احیای حیات مدنی در عرصه های زندگی شهری است. [۴] پیاده رواها نیز همچون سطوح خدماتی در خیابان ها و بزرگراه ها، دارای سطوح خدماتی هستند، این طبقه بندی طیفی از حرکت کاملاً روان تا تراکم حداکثر حرکتی را شامل می شود. «محاسبه سطح بندی خدماتی بر پایه عرض متوسط پیاده رو و تعداد کل عابران پیاده در زمان مشخص انجام میگیرد. پیاده رواهای کم عرض دارای عناصر فراوان منظر ساز، موجب ازدهام و شلوغی بصری و کالبری و تراکم بالا در سطوح خدماتی پیاده رواها می شوند. [۵]

۴- روش تحقیق

این تحقیق بر اساس روش های توصیفی، تخصصی می باشد و برای جمع آوری داده ها و اطلاعات از کتابخانه ها و آرشیوهای سرفصل ها و نهاد هایی مرتبط و همچنین بازدید های میدانی از محدوده ی مورد مطالعه بهره گیری شده است همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش توصیفی، تحلیلی و استنباطی استفاده شده است.

۵- مبانی نظری

۵-۱ مفهوم پیاده رو

منظور از پیاده روی شهری معابری با بالاترین حد نقش اجتماعی اند که در آنها تسلط کامل با عابر پیاده بوده و از وسایل نقلیه موتوری تنها به منظر سرویس دهی به زندگی جاری در معبر استفاده می‌شود. پیاده راه ها ابزاری برای بروز فعالیت جمعی می باشند. [۳]

به عقیده پاکزاد، پیاده مدار بودن فضا می‌تواند زندگی و سرزندگی را به مناطق مرکزی شهر آورده و مردم را تشویق به حضور داوطلبانه در شهر کند که این امر باعث ارتقای سطح اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و نیز بهبود کیفیت زیست محیطی منطقه و یا شهر می‌شود.

در پیاده راه ها، آزادی عمل انسان پیاده برای توقف، مکث، تغییر جهت و تماس مستقیم با دیگران بسیار زیاد است. از این شهروندان به تدریج به حضور در شهر و انجام فعالیت های مدنی عادت کرده و زمان بیشتری را در فضاهای شهری می گذرانند.

۵-۲ عملکرد پیاده روهای شهر

پیاده روهای شهر هم از دیدگاه تأمین نیازهای مبللمان محیطی شهرنشینان و هم از نظر تأمین نیازهای فرهنگی، اجتماعی شهرنشینان و هم از نظر تأمین فضاهای فراغت و بستر ارتباط و تعادل اجتماعی آن در جایگاه درخور اهمیت دارد. مهم ترین کارکردهای پیاده روی های شهر اشاره می‌شود. [۴]

۱. پیاده روی به سلامت و نشاط افراد کمک می‌کند و به فضاهای شهری جنب و جوش و حرکت می بخشد.
۲. پیاده روی نقش مهمی در کاهش آثار مخرب زیست محیطی و رسیدن به توسعه پایدار دارد.
۳. پیاده روها منابع انرژی غیرقابل تجدید را مصرف نمی کنند محیط زیست شهر را به هم نمی زند و آلوده نمی کند.
۴. هزینه تأمین شبکه مناسب پیاده روی در مقایسه با سایر وسایل نقلیه ناچیز است.
۵. پیاده روی تنها فرمی از حمل و نقل است که در آن علاوه بر عملکرد حرکت، عملکردهای اجتماعی، فرهنگی به نسبت بالایی اتفاق می افتد.

۵-۳ کارکرد پیاده روها در کیفیت زندگی مردم

زیبایی، آراستگی، پاکیزگی و انسجام بخشی از ویژگی ها و معیارهای مهم ارزیابی شهری سالم و آرام بخش است. زیبایی نقش مهمی در ایجاد علاقه و وابستگی به محل زندگی روزمره دارد و واضح است که وقتی شهروندان به محل زندگی خود علاقه نداشته باشند در نگهداری و زیبایی آن نیز از خود حساسیتی نشان نخواهد داد. به عبارت دیگر، زیبایی شهر علاوه بر تأثیر آرام بخشی که دارد شهروندان را تشویق به حفظ و نگهداری شهر نیز می‌کند. بنابراین این یک رابطه ی دو طرفه در توجه به زیبایی شهر وجود دارد اجزای شهر، عناصر سازنده شهر متنوعند عبارتند از: مبللمان شهری، نمای ساختمان ها، رنگ بندی کف پیاده روها، روشنایی پیاده روها و... که با شناخت آن ها و فراهم بودن آن ها در شهر شهروندی می‌تواند محل زندگی خود را زیبا ساخته و از این طریق نه تنها به زیبایی شهر کمک می‌کند بلکه حقوق شهروندان دیگر را که همسایگی و همشهری او هستند به رسمیت بشناسد. [۶]

پیاده روها نیز همچون سطوح خدماتی در خیابان ها و بزرگراه ها، دارای سطوح خدماتی هستند. این طبقه بندی طیفی از حرکت کاملاً روان تا تراکم حداکثر حرکتی را شامل می‌شود. «محاسبه سطح بندی خدماتی برپایه عرض متوسط پیاده رو و تعداد کل عابران پیاده رو در زمان مشخص انجام می گیرد.

پیاده رو های عریضی که تراکم عابران در آن کم باشد، تهی و کسل کننده و غیر جذاب به نظر می رسند. پیاده روی های کم عرض دارای عناصر فراوان منظر ساز، موجب ازدهام و شلوغی بصری و کالبدی و تراکم بالا در سطوح خدماتی پیاده روها می شوند.

۵-۴ فرهنگ بهره برداری از پیاده روهای شهری

اگر مسیرهای پیاده جذاب باشد تعداد بیشتری از شهروندان از آنها استفاده می کنند. مردم پس از گذراندن امور جاری به قصد رسیدن به منازل حرکت نمی کنند در نتیجه ترافیک شهر در ساعات مختلف روز توزیع می‌شود. همچنین سفرهای طولانی تری به

صورت پیاده انجا می‌گیرد. از آنجائیکه در فضاهای شهری مخصوص پیاده، پیاده رو ها با فضای اطراف در تعامل قرار دارند رعایت یکسری اطوال در طراحی این فضاها به زیبایی بصری و مطلوبیت این مسیرها از دیدگاه شهروندان می‌افزاید و سبب جذب شمار بیشتری از افراد به پیاده روی می‌گردد. [۷]

۵-۵ نقش اقلیم در پایداری پیاده روهای شهری

مصالح کف سازی غالباً ماندگارترین بخش سازنده منظر خیابانی به شمار می‌آیند. انتخاب مصالح کف سازی معمولاً با توجه به مقیاس (عملکردی) پیاده‌رو، مشخصه‌هایی کلی و مقاصد طراحی خیابان و شرایط آب و هوایی محلی انجام می‌شود. در شهر هایی که آب و هوای سردتری دارند استفاده از مصالح مقاوم تر که امکان انبساط و انقباض را در شرایط حاد تغییر دما فراهم سازند و توانایی مقاومت در مقابل نمک و سایر مواد ذوب کننده را نیز داشته باشد توصیه می‌شود. در مکان هایی که بارش برف بیشتری در سال دارند استفاده از مصالحی با بافت سطحی بیشتر و قدرت جذب فزونتر، مفید است. در بسیاری از مناطق سرد (یخبندان) برای ذوب یخ و برف از شبکه های الکتریکی گرماساز در میان کف سازی ها استفاده می‌شود. افزون بر آن، ماندگاری زیاد و سهولت تعویض نیز در فرآیند طراحی در نظر گرفته می‌شوند. [۸]

۵-۶ استاندارد پیاده روها در ایران

به طور معمول در هر جامعه ای بخش های چندگانه ای وجود دارند که موضوعات ویژه ای را در حیطه ی طراحی و اجرای منظر خیابانی کنترل میکنند. این بخش ها عبارتند از: بخش برنامه‌ریزی و طراحی، بخش مرتبط با تسهیلات عمومی، نگهداری راه‌ها و سطوح مورد نیاز، بخش مربوط به پارک و فراغت، بخش جنگلداری مربوط به کاشت درختان و فضای سبز خیابانی، بخش های مرتبط با توسعه اقتصادی در زمینه هماهنگی با مالکان خصوصی و کنترل مکان استقرار مبلمان در خیابان های خصوصی. «در مقیاس محلی ضوابط ویژه معلولین در حیطه منظرسازی، در تمایز مسیر حرکتی در پیاده رو و از جمله امکان عبور راحت دو صندلی چرخ دار از کنار یکدیگر و همچنین میزان شیب و مکان یابی کاشت های ویژه متمرکز است. [۳]

بیشتر جوامع به تدوین استاندارد هایی در مورد فاصله درختان خیابان از تقاطع ها، مدخل کوچه ها و انتهای جدول ها می پردازند تا بدین وسیله مانع قطع دید به ترافیک مقابل و عابران حاضر در چهارراه ها شوند، برای آنکه نیاز های محلی همواره در نظر گرفته می شوند، هماهنگی با بخش مدیریت (معمولاً بخش حمل و نقل)، ضروری است. "در بسیاری از جوامع، فاصله ای در حدود ۹-۷/۵ بین درختان خیابانی در معابر مسکونی یا چند عملکرد در نظر گرفته شده است. [۹]

۶- یافته های تحقیق

۶-۱ موقعیت جغرافیایی شهر اردبیل

شهر اردبیل در شمال غربی ایران قرار گرفته و مرکز استان اردبیل است این شهر در عرض جغرافیایی ۳۸ درجه و ۲۴ دقیقه و طول جغرافیایی ۴۸ درجه و ۲۹ دقیقه قرار دارد، شهر اردبیل در ارتفاع ۱۵۰۰ متری از سطح دریا واقع بوده و در فلات اردبیل بین کوه‌های باغرو و سبلان واقع شده است. اردبیل دارای آب و هوای زمستان سرد و تابستان های ملایم است. جمعیت شهر اردبیل حدود ۵۰۰ هزار نفر می باشد.

۶-۲ وضعیت پیاده روها در شهر اردبیل

بر اساس مطالعات و بررسی های وزارت مسکن، شهرسازی، سرانه مطالعات قابل قبول فضای پیاده روها در شهر ایران بین ۱/۲۰ تا ۲/۵۰ متر بوده که با کسر ۰/۸۰ متر جهت حریم کاربریها عرض مفید بین ۰/۴۰ تا ۱/۷۰ متر خواهد بود. [۵]

در حال حاضر مساحت پیاده روهای شهری موجود در شهر اردبیل به گونه ای است با جمعیت شهری اردبیل مناسب نیست. بنابراین سازمان شهرداری اردبیل در سال ۹۳ به چالش های پیاده روها پرداخته است که از خیابان بازار تا تازه میدان برای خرید شهروندان بدون حمل و نقل و بی ترافیک رسیدگی خواهند کرد.

۳-۶ چالش‌های پیاده روها در شهر اردبیل

۱-۳-۶ کیفیت پایین مصالح پیاده روها

یکسان نبودن مصالح و استفاده از مصالح مختلف به صورت کاملاً سلیقه ای (بتن، آسفالت، موزاییک، کفپوش و...) که این امر باعث بد منظری معابر پیاده و به تبع آن کاهش انگیزه در استفاده از پیاده رو توسط عابرین در خیابان گردیده است. وجود خرابی و شکستگی رویه پیاده رو اغلب قسمت های پیاده روها در محدوده مورد مطالعه دارای شکستگی، نشست و چاله های بی شمار می باشد که این امر علاوه بر ایجاد منظره بد در خیابان ها موجا ایجاد مشکل در تردد عابرین خصوصاً افراد معلول می گردد (برسی میدانی).

۲-۳-۶ ناهموار بودن سطح پیاده روها

هم سطح نبودن کف پیاده روها باعث مشکلات عدیده برای گروه های مختلف عابرین پیاده (معلولان، کودکان، سالمندان، افرادی که چرخ دستی حمل می کنند و...) شده است (برسی میدانی). شکل ۱



شکل ۱ تصویر اختلاف سطح (نگارنده)

۳-۳-۶ شرایط میزان روشنایی پیاده روهای شهر اردبیل

واحد اندازه گیری میزان روشنایی، لوکس است. منابع روشنایی و لامپ های مورد استفاده برای نور رسانی خیابان و محوطه های پارکینگ با توجه به شیوه های نورپردازی آن ها بر روی زمین در طیف یک تا پنج دسته بندی می شوند. در عین حال که بسیاری از جوامع به حداقل میزانی از روشنایی در سواره روها توجه دارند، تنها معدودی از آنها این نور رسانی را پیاده راه ها و محوطه های پیاده رعایت می کنند

بیشتر پیاده روهای شهر اردبیل از شرایط نور کافی در شب برخوردار نبوده و لذا امنیت لازم برای دشهروندان هم از لحاظ جسمی و هم اجتماعی فراهم نیست. (برسی میدانی).

۴-۳-۶ چالش های فنی و طراحی پیاده روها

۱. عدم تناسب عرض معابر (کم بودن عرض) با میزان ترافیک پیاده و کاربری های پیرامون مسیر
۲. کمبود امکانات رفاهی (مبلمان شهری) مناسب نظیر نیمکت، آبخوری، سطل زباله (شکل ۲)
۳. نداشتن شیب مناسب عرضی جهت تخلیه آب های سطحی
۴. عدم مکان یابی مناسب مبلمان شهری در مسیرهای پیاده (باجه های تلفن، صندوق های پست، صندوق صدقات، دکه های روزنامه فروشی و...)
۵. عدم وجود امکانات رفاهی مناسب در محدوده های منتهی به ایستگاه های تاکسی، مینی بوس و...

۶. وجود خط آسمان نامنظم و اختشاشات بصری در حد بالا.

۶-۳-۵- فرهنگ نامناسب بهره برداری از پیاده روها

۱. ایجاد سد معبر توسط فروشندگان و مغازه داران
۲. ریختن زباله در معابر
۳. توقف (پارک) نابجا و سائط نقلیه موتوری (خصوصاً موتورسیکلت ها) در محدوده های معابر پیاده
۴. تردد موتور سواران در معابر پیاده
۵. عدم توجه عابرین پیاده به علائم راهنمایی و رانندگی (چراغ های راهنمایی، خط کشی عابر و...)
۶. پایین بودن و فرهنگ پیاده روی و تمایل به استفاده بیش از حد از وسایل نقلیه موتوری. (شکل ۳)



شکل ۳- تصویر سد معبر دست فروشان در پیاده روها (مددی)



شکل ۲ - جانمایی نامناسب سطح زباله خیابان اصلی شهر اردبیل (نگارنده)

۷- نتیجه گیری و پیشنهاد

در طراحی پیاده روهای شهری، باید به نکات ظریف هنری از جمله جنس مصالح، رنگها و مسائل اقلیمی توجه ویژه داشته بهره لازم را برد، نیمکت ها صندلی های خیابانی که در گذرگاه و محل تردد پیادگان قرار می گیرند، بنابراین مزاحمتی در رفت و آمد مردم ایجاد کنند و پیش از اینکه استفاده کننده، مردم و ترددشان را نظاره کند.

کیفیت و خدمات و وضع ظاهری پیاده روهای شهری شهر اردبیل برای مردم یکنواخت و کسالت بار شده است. یکنواخت نبودن مسیرهای پیاده رو از یک طرف در کمبود سرانه و نیز کیفیت آن و از طرف دیگر موجب نارضایتی اکثریت شهروندان شهر اردبیل شده است. شهر اردبیل با توجه به مطالبی که عنوان شد با کمبود بودجه پایین و عدم مشارکت مردم با مشکلات مواجه است. لذا با توجه به این چالش ها، وظیفه مدیران شهری این است که برنامه ریزی و مدیریت مناسب شرایط استفاده از این فضا و مبلمان شهری را برای شهروندان اردبیل فراهم نمایند.

با توجه به معضلات و چالش هایی که در بخش پیاده روهای شهر اردبیل وجود دارد، مهمترین راهکارهایی که برای برطرف کردن این معضل می توان پیشنهاد کرد عبارتند از:

- استفاده از سایبان (ساباط) با در نظر گرفتن مسائل اقلیمی، محیطی و سنتی در فضای پیاده روهای شهر اردبیل
- در نظر گرفتن امکانات و تجهیزات برای رفاه عابرین (نظیر محل های استراحت موقت، آبخوری، سرویس های بهداشتی و...) در محدوده پیاده رو شهر اردبیل
- اعمال محدودیت برای مغازه داران در جهت پرهیز از گذاشتن وسایل در محدوده پیاده رو شهر اردبیل
- ساماندهی تابلوها (تجاری، اداری، تبلیغاتی و...) در جهت ارتقاء سیمای خیابان و کاهش اغتشاشات بصری در محدوده پیاده رو شهر اردبیل

- از بین بردن اختلاف ارتفاع در مسیرهای پیاده با ایجاد رمپهای استاندارد در جهت تردد راحت عابرین دارای شرایط خاص (معلولان، سالخوردگان، کودکان و...)
- سازمان دهی دست فروشان و متمرکز نمودن آنها در مکانهای مشخص در جهت جلوگیری از اختلال در حرکت پیاده
- اعمال قانون و برخورد با رانندگان و موتورسواران مختلف در صورت تعرض به محدوده عابرین پیاده (پارک و حرکت)
- طراحی و اجرای مسیرهای پیاده مطابق ضوابط پیاده روسازی مراکز پیاده شهری.
- ترمیم و بازسازی خرابی های مسیرهای پیاده (چاله ها، شکستگی ها و...)

منابع

۱. صادقی، ر، آینده شهری قرن ۲۱، ناشر: جامعه ی مشاور ایران، ۱۳۹۲.
۲. سید صدر، ا، «دایره المعارف معماری و شهرسازی»، انتشارات آزاده، ۱۳۸۱.
۳. پاکزاد، م، راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، انتشارات شهیدی ۱۳۸۶.
۴. منصوریان، ماه فرید تهیه طرح و انواع طرح ها، ناشر: دفتر نشر معانی ۱۳۸۶.
۵. سالنامه شهرداری شهر اردبیل، ۱۳۹۲.
۶. فیدی شمیرانی، مجید، بررسی ارتباط متقابل حمل و نقل همگانی و توسعه شهری، نهمین کنفرانس مهندسی حمل و نقل و ترافیک ایران، تهران، سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران، معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران، ۱۳۸۸.
۷. مدی نژاد، احمد؛ بهنام جلالی و فخرالسادات هاشمی نسب،، بررسی علل موثر بر عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی: با تاکید بر عامل انسانی (مورد مطالعه: شهروندان دارای گواهینامه رانندگی شهر زاهدان، اولین همایش ملی ترافیک و ایمنی، کرمان، دفتر تحقیقات کاربردی ناجا کرمان، ۱۳۹۰.
- درویشی ی، معضلات سیستم زیرساخت ترافیک شهری در بعد پیاده روها (مطالعه موردی شهر اردبیل)، دومین کنگره بین المللی سازه، معماری و توسعه شهری، تبریز، ۱۳۹۳.
۸. نظارتی زاده، محمدرضا، بررسی عوامل موثر در بی نظمی های ترافیک شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد هاقان: کارشناسی ارشد جامعه شناسی، ۱۳۷۷.

بررسی نقش عناصر تجمع پذیر در تعاملات اجتماعی محله های سنتی

فرزاد رحیمی نژاد^۱، محمد تیموریان^۱، محمد پیر محمدی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، گروه معماری، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، لرستان، ایران

۲- دکترای معماری و مدرس، گروه معماری، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، لرستان، ایران

rahimifarzad2@gmail.com

چکیده

محله های مسکونی دارای مکانی هستند که تعاملات و روابط اجتماعی در آن امکان وقوع می یابند و زمینه دیدارهای چهره به چهره شهروندان و گفتگو را فراهم می آورد. محله ها دارای یک سری عناصر شاخص هستند که باعث ایجاد تعاملات اجتماعی می شوند. مکانهایی که برای حضور شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعیشان لازم است، با وجود نقش موثر تعاملات اجتماعی در ارتقا کیفیت مکان های شهری و همچنین تجربه غنی فضاهای عمومی شهری در شهرهای تاریخی ایران، در ادبیات طراحی شهری کشورمان، جایگاه ویژه این موضوع در فضاهای عمومی شهری امروزی به خوبی مورد کاوش قرار نگرفته است. هدف از این پژوهش، بررسی نقش عناصر تجمع پذیر در محله های سنتی به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی است. در این راستا در پژوهش حاضر، روش تحقیق بر اساس هدف، از نوع کاربردی و براساس روش و ماهیت، توصیفی - تحلیلی است. نتایج تحقیق حکایت از آن دارد که نقش عناصر تجمع پذیر محله های سنتی در فضاهای عمومی شهری، سبب ایجاد در تعاملات اجتماعی شده است به گونه ای که این عناصر در محله های سنتی، نقش فعالیتی و رویدادهای مکان، خاطرات جمعی و... را به خوبی داشته اند.

واژگان کلیدی: محله، تعاملات اجتماعی، تجمع پذیر، سنتی، مکان های شهری.

۱- مقدمه

محله ها دارای یک سری عناصر شاخص هستند که باعث ایجاد تعاملات اجتماعی می شوند. مکانهایی برای حضور شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعیشان هستند، که پرداختن به کیفیات آنها سرزندگیشان را به حداکثر می رساند. در سالهای اخیر، محیط کالبدی که در برخی شهرها ایجاد شده است، به طور عملی از مناسبات دوستانه شهروندان جلوگیری کرده و مردم را از تعاملات اجتماعی مناسب دلسرد نموده است. راه حل این مسئله از نظر اندیشمندان علوم اجتماعی، بازسازی این روابط با اتخاذ راهکارهایی مانند فراهم آوردن عرصه های تعامل می باشد. هنگامی که در برنامه ریزی و طراحی فضاهای شهری بتوان به گونه ای عمل کرد که مشوق حرکت پیاده در شهر شد، آنگاه حضور پذیری، سرزندگی، دیدن و دیده شدن به شهر برگشته و چنین کیفیت هایی باعث افزایش سطح تعاملات اجتماعی شده و فضای شهری و محله های وابسته به آن به تعریف و جایگاه واقعی خود بر خواهد گشت. اما امروزه مکان های ناامن حضور مردم را در محله ها و شهرها به عنوان شهروندان جامعه مدنی، کمرنگ ساخته اند. بنابر این می بایست در ابتدا امنیت مکان ها فراهم شود تا پیرو آن بتوان مردم را به حضور و مشارکت در فضاهای شهری ویژه آنان فراخواند (سیف الهی فخر و همکاران، ۱۳۹۲). به این ترتیب احساس جمعی اجتماع های محلی و وابستگی های احساسی به یک مکان در حال ناپدید شدن است. (Huffman, 2006) هدف از این پژوهش، بررسی نقش عناصر تجمع پذیر در محله های سنتی بمنظور ارتقاء تعاملات اجتماعی است. در این راستا در پژوهش حاضر، روش تحقیق بر اساس هدف، از نوع کاربردی و براساس روش و ماهیت، توصیفی - تحلیلی است.

۲- محله

فضای شهری، ظرف و مکان بروز زندگی اجتماعی افراد جامعه است که براساس پایه های فکری خرد گرایانه، مشارکت مدنی آحاد جامعه و رفتارهای جمعی شکل گرفته بر پایه ارزشهای انسانی شکل می گیرد. این تعامل اجتماعی و مشارکت مردمی را می توان عنصر اصلی و اساسی محتوای فضای شهری بر شمرد که روابط انسانی و فعالیتهای شهری را تحت تاثیر خود قرار می دهد (پارسی، 1381). به طور کلی، مفهوم و واژه محله می تواند از ابعاد مختلف تعریف شود. هر یک از این ابعاد مختلف، تعریف خاص خود را ارائه می دهند. برای مثال، بر اساس ادبیات جهانی، دو واژه Neighbourhood و Township را می توان به منزله محله ترجمه کرد، در حالی که جمعیت آنها به ترتیب برای ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر و ۱۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ نفر را در بر می گیرد. واژه اول، محله مسکونی است که دارای هویت مشخصی است، اما واژه دوم به محدوده ای اطلاق می شود که علاوه بر بزرگی در اندازه، دارای فرصت های شغلی متنوع است. این محله دارای تجهیزات لازم از جمله مدرسه، سوپر مارکت و مراکز تفریحی است (Barton, et al, 2003). در ایران، محله کالبد سکونت و اشتغال ۱۲۵۰ - ۷۰۰ خانوار (در حدود ۶۲۵۰ - ۳۵۰۰ نفر) با دامنه نوسان شعاع دسترسی پیاده (۴-۵ دقیقه) تعریف می شود (حبیبی و مسائل، ۱۳۷۸).

۳- تعاملات اجتماعی

انسان، موجودی اجتماعی است و در تعامل با دیگر انسان هاست که می تواند به حیات اجتماعی خود ادامه دهد. اما از آن جا که پیچیده ترین کنش ها نیز در همین تعاملات اجتماعی بین انسان ها ایجاد می شود، برقراری و حفظ ارتباط سالم بین افراد یکی از دشوارترین کارها محسوب می شود. انسان در نهاد خود پذیرای تمام انسان های دیگر است اما در گذر زمان و به علت کسب تجربیات مختلف به میزان زیادی این باور را از دست می دهد و در وضعیت نامناسب به برقراری ارتباط با دیگران می پردازد. تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آنها شود و این نوع واکنش برای هردو طرف شناخته شده است. بنابراین روابط بدون معنا در زمره این تعریف قرار نمی گیرند. البته تعارف دیگری نیز برای تعاملات اجتماعی و برقراری ارتباط، می تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت های متناسب و در نتیجه نقش پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه ها و شبکه های اجتماعی است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶).

۴- عناصر تجمع پذیر مؤثر بر تعاملات اجتماعی

افراد بر اساس منافع خود، ارتباطات اجتماعی را شکل داده و بر اساس توقعات، هنجارها و نقشهای معین خود، به آن می پردازند. بنابراین نحوه حضور فرد در مکان به همراه سایرین، عاملی قوی در تصمیم فرد برای ماندن در آن است. در این راستا حتی ممکن است افراد در جستجوی مکان هایی که در آن، افرادی با خصوصیات مشابه آن ها به لحاظ طبقه، قوم، مذهب، گروه اقتصادی، الگوی زندگی، تحصیلات، درآمد، نحوه تربیت کودکان و نژاد مشابه حضور دارند، بشناسند. اما با آنکه همگن بودن افراد، مشوق ملاقات و افزایش تعامل با مکانهای فیزیک و اجتماعی و در نتیجه ارتقای دلبستگی به آن مکان است، درعین حال مکانهای اجتماعی غیر همگن نیز فرصتی است تا افراد باهم بودن و تعاملات اجتماعی غنی و آزاد را تجربه کنند (Marcus & Sarkissian, 1986). در ادامه عناصر تجمع پذیر که بر تعاملات اجتماعی نقش دارند رو به طور مختصر بررسی می نماییم.

۱-۴- پیاده روها (معاور کم عرض)

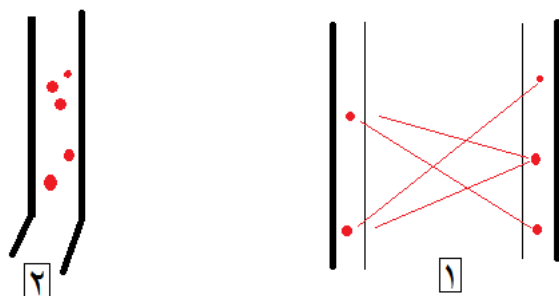
سنت زندگی شهری ما یک سنت زندگی محله ای بوده نه کلان شهری. در کلان شهرهای امروزی عملاً فرصتی برای تعاملات اجتماعی پیدا نمی شود. در برخی مناطق شهرها حتی پیاده رو پیدا نمی شود و این حالی است که پیاده رو در گذشته جایی برای تعامل همسایگان بوده است. فضاهای شهری پیاده مدار، مکانهایی برای حضور شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعیشان هستند که پرداختن به کیفیات آنها سرزندگی شان را به حداکثر می رساند. مکان های ناامن حضور مردم را در شهر به عنوان شهروندان جامعه مدنی، کمرنگ می سازند. پیاده محوری از جمله راه هایی است که می تواند در تجدید حیات مدنی مراکز شهری

مؤثر باشد و از طریق افزایش زمینه حضور شهروندان در مکانهای جمعی، تعاملات و همبستگی اجتماعی را بیشتر می کند (سیف الهی فخر و همکاران، ۱۳۹۲). در واقع، محدوده های پیاده قسمتهایی از فضای شهری هستند که به دلیل دارا بودن برخی ظرفیت های ویژه در تمام یا بعضی ساعات شبانه روز بر حرکت سواره بسته شده و به طور کامل به حرکت عابران پیاده اختصاص داده می شود (Cratan, 2008). در این زمینه، لیدن 1 فرضیه ای را مورد آزمایش قرار داد که محله های پیاده محور با کاربری مختلط می توانند تعاملات اجتماعی را نسبت به محله هایی که فاقد این ویژگیهاست و به اتومبیل وابسته اند، بیشتر ارتقاء دهد. نتایج آزمون وی در جدول ۱ گواه آن است که در مکانهایی که افراد تشویق به حرکت پیاده شده اند، سطح تعاملات اجتماعی افزایش یافته است.

جدول ۱: آزمون لیدن، مقایسه محلات پیاده محور و حومه های وابسته به اتومبیل (منبع: سیف الهی فخر و همکاران، ۱۳۹۲)

محلات پیاده محور با کاربری مختلط در برابر حومه های وابسته به اتومبیل: ایرلند، ۲۰۰۱ (مقایسه میانگین ها با استفاده از آزمون t)		
قابلیت پیاده روی در محله	محله پیاده محور با کاربری مختلط	محله حومه ای وابسته به اتومبیل
۴.۷۲	۷.۳۵	
۲.۳۹	۲.۹۴	
۲.۲۲	۲.۶۷	
۲.۰۹	۲.۳۲	
۰.۱۷	۰.۳۲	
۰.۱۹	۰.۵۱	

یکی دیگر از معیارهای اصلی پیاده راه ها با تاکید بر تعاملات اجتماعی، معیار امنیت می باشد. جان لنگ نیز در مدل نیازهای انسانی که ارائه کرده، امنیت را به عنوان یکی از نیازهای اساسی در مرتبه دوم قرار داده است (Carmona, 2006). بدین ترتیب مساله امنیت فضای شهری پیاده مدار بسیار واجد اهمیت است. نکته دیگر در این رابطه این است که در گذشته معابر و پیاده روها کلاً در قالب کوچه های کم عرض بوده اند که علاوه بر مسائل اقلیمی، فرهنگی و... باعث ایجاد تعامل در بین افرادی می شد که از آن معابر عبور می کردند شکل ۱ به خوبی این مسئله رو نمایش داده است، در قسمت ۲ شکل ۱، ناخودآگاه افراد در برخورد با هم حداقل یک سلام کردن را دارند، اما در قسمت ۱ از شکل ۱، سیاست گزاران امروزه به خاطر یک سری اهداف، سعی می کنند این تعامل را تا حد امکان از بین ببرند، نمونه بارز این سیاست تبدیل معابر و پیاده روها به خیابان و الویت دادن به خودرو هست که به بهانه گسترش شهر و زندگی مدرن و... این طرح اجرا شده است و افراد دیگر در مثل محله های گذشته کمتر در تعامل هستند.



شکل ۱: ۱- از بین بردن تعاملات در محله های مدرن ۲- وجود تعاملات در معابر سنتی (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

۴-۲- واحد همسایگی (مراکز محله ها)

کلارنس پری الگوی در سطح واحد همسایگی را به منزله محیطی اجتماعی - کالبدی برای توسعه مناطق مسکونی شهری پیشنهاد کرد. پری چهار عنصر اصلی را برای چنین محیطی تعریف کرد که شامل یک مدرسه ابتدایی، پارک کوچک یا زمین بازی، فروشگاه های کوچک و ترکیبی از ساختمان ها، خیابان ها و خدمات عمومی با دسترسی ایمن پیاده بود (Perry, 1939). در واقع هر واحد همسایگی جزئی از کلیت یک محله را تشکیل می دهد، که هر کدام از این واحدها باعث ایجاد تعامل در بین ساکنین می شود که در نهایت از طریق سلسله مراتب این تعامل در کل بافت محله بوجود می آید.

۳-۴- نشانه‌های شهری

خلق نشانه‌های و نمادهای شهری در سطح محله، در نقاط مکث، مرکز اصلی، مراکز فرعی، میادین و یا در امتداد محورهای پیاده و سواره به کنش متقابل بین آنها می‌انجامد و به این ترتیب نیروهای سازمان دهنده فضا را در سطح محله به جریان می‌اندازد. این گونه نشانه‌ها غالباً ارتفاعی بلند تر از سایر عناصر پیرامون خود دارند، رابطه‌ای ساختاری بین عناصر کالبدی - فضایی ایجاد می‌کنند که پیش از این استقرار آنها، مستقل و بی‌نظم به نظر می‌رسید (حبیبی، ۱۳۸۱). نمادها با استقرار در محله‌ها سیمای قسمت‌های مختلف محله را متمایز ساخته و با توجه با شاخص بودنشان باعث جذب و تجمع ساکنین محله، و در نهایت برقراری تعامل بین ساکنین می‌شود. مناره‌ها، مساجد، وجود یک درخت شاخص، المان‌های شهری و غیره نمونه‌های از این نشانه‌های شهری می‌باشند.

۴-۴- هویت مکانی

امروزه بحث هویت مکانی شهروندان و حیات اجتماعی شهر از مسائل بسیار مهم زندگی شهری در جهان و ایران است. عوامل و عناصر مختلفی می‌توانند در زمینه هویت و مسائل اجتماعی شهروندان اثر گذار باشند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها منظر شهری است. در واقع، دو مقوله هویت و منظر شهر دارای تعاملات و پیوندهای متقابلی هستند. حضور نداشتن مردم در فضاهای جمعی از علل مهم کاهش حیات اجتماعی و احساس تعلق ساکنان است. به نظر می‌رسد کاهش حضور شهروندان در این فضاها ناشی از نبود محیط مناسب و فقدان کیفیت منظر شهری است. افزایش کیفیت فضاهای شهری و طراحی مناسب منظر شهری شاید بتواند زمینه حضور ساکنان را در سطح شهر فراهم سازد و شهروندان در این فضاها حضور یابند. در نتیجه سرزندگی و نشاط ناشی از حضور شهروندان در رشد اجتماعی و فرهنگی جامعه و احساس هویت شهروندی و مکانی مؤثر خواهد بود. بنابراین منظر شهری می‌تواند به عنوان عاملی مهم در حیات اجتماعی شهرها بررسی شود. (سیاف زاده و همکاران، ۱۳۹۱). اکنون با مشکلات عدیده‌ای در زمینه‌های مختلف از جابه‌جایی جمعیت ساکن و بومی، کاهش احساس تعلق مکانی، عدم ماندگاری جمعیت به مدت طولانی و کاهش حضور شهروندان در فضاهای شهری مواجه است (میره، ۱۳۹۰).

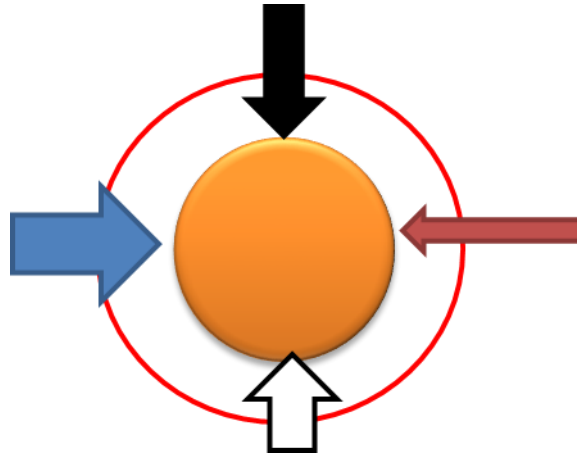
۵-۴- منظر

منظر شهری عینیتی است که مستقل از انسان وجود دارد و توسط او ادراک می‌شود. بستر منظر شهر، هندسه، فضا، کالبد و به عبارت دیگر، فرم کالبدی است. همه این تلقی‌ها با رواج تعریف ارسطویی از شهر صورت می‌گرفت؛ اگرچه نویسندگان آن‌ها تلاش می‌کنند تعبیر قدیمی را با آرایش جدید و ادبیات روز عرضه کنند، حاکمیت تلقی کالبدی از شهر در متن تعبیر آن‌ها نهفته است (منصوری، ۱۳۸۹). اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده منظر شهری مسیرها هستند که به واسطه چگونگی ارتباطشان با یکدیگر، وضوح و خوانایی، شکل ظاهری شان و تجهیزات و علائم ترافیکی موجود در آنها، ویژگی بصری متفاوتی را ارائه می‌دهند (محمودی، ۱۳۸۱). هر فضا با آنکه یک موجود خارجی مستقل است، ولی در فرآیند ادراک تبدیل به یک پدیده ذهنی می‌شود. ما در فرآیند این همانی، از این تصویر ادراکی و ذهنیت خود بهره گرفته و عینیت را با آن می‌سنجیم لذا تشخیص هویت در واقع نوعی ارزش‌گذاری یا تعیین یکفیت است که ارتباط کاملی با اندوخته‌های ذهنی فرد، از تجربیات مستقیم گرفته تا فرهنگ و سنت او، دارد (پاکزاد، ۱۳۷۵). گرچه توجه به منظر شهری اغلب به عنوان پدیده‌ای بصری است، در عین حال خاطرات را بر می‌انگیزاند، تجارب را یادآوری می‌کند و واکنش‌های احساسی را به وجود می‌آورد (Carmona, 2006).

۶-۴- خاطره جمعی و میدان (گره)

آنچه بایستی در رابطه میان مکان و خاطره جمعی مدنظر قرار گیرد آنست که مکان وقوع خاطره بایستی انعطاف پذیر بوده و خود را با تغییرات ناشی از زمان و رویدادهای تازه تطابق دهد. تنها در این صورت است که مکان به مکانی خاطره‌ای برای تمامی نسل‌ها و گروه‌ها تبدیل خواهد شد. بنابراین عناصر مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم خاطره را بایستی در مؤلفه‌هایی جستجو کرد که برقراری روابط اجتماعی، شکل‌گیری گروه‌ها، وقوع رویدادها و شکل‌گیری تصویر ذهنی را سبب می‌شوند. براساس مطالعات

اسنادی این مؤلفه ها عبارتند از: تجمع پذیری، سکون، یکپارچگی، تعین فضایی، انعطاف پذیری، تداوم، شناسایی، جهت یابی و شفافیت، مکث و توقف افراد، شکل گیری روابط اجتماعی و رویدادها و در نتیجه شکل گیری خاطره را فراهم می آورند. تعین فضایی و یکپارچگی، به شکل گیری تصویرذهنی از فضا کمک می کنند. نمونه از این فضاها که دارای قابلیت فوق باشد را در میدانها می توانیم مشاهده کنیم، از مهم ترین ویژگی های فضایی میداین تجمع پذیری می باشد که نقش مهمی در برقراری تعاملات اجتماعی در بین افراد هر محله ای را دارد (شکل ۲).



شکل ۲- نقش رویدادها و شکل گیری گروهها در تعاملات اجتماعی میداین محله ها. منبع (نگارندگان، ۱۳۹۵)

خاطرات جمعی مشترک افراد پس از انقلاب در اکثر میداین کاهش شدیدی را شاهد بود که این امر را می توان در نتیجه کاهش تجمع پذیری میداین ها دانست. بنابراین هر چه تجمع پذیری میدانی بیشتر باشد، زمینه مناسب تری برای شکل گیری خاطره جمعی فراهم شده و خاطرات جمعی به وقوع پیوسته در میداین افراد بیشتری را درگیر نموده و میداین جایگاه ویژه ای در خاطرات جمعی مردم می یابد. بنابراین هر چه تعین فضایی بیشتر باشد، تصویر ذهنی قویتری از فضا در ذهن نقش بسته و یادآوری خاطره بیشتر متکی به مکان خواهد بود. که نتیجه آن ایجاد تعاملات اجتماعی خواهد بود (آزاد و پرتوی، ۱۳۹۲).

۵- بحث و نتیجه گیری

محله ها دارای یک سری عناصر شاخص هستند که باعث ایجاد تعاملات اجتماعی می شوند. مکانهایی برای حضور شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعیشان هستند، که پرداختن به کیفیات آنها سرزندگیشان را به حداکثر می رساند. در سالهای اخیر، محیط کالبدی که در برخی شهرها ایجاد شده است، به طور عملی از مناسبات دوستانه شهروندان جلوگیری کرده و مردم را از تعاملات اجتماعی مناسب دلسرد نموده است. شکل آپارتمانها و منازل مسکونی امروزی هر چند بیشترین قرابت مکانی را به هم دارند، ولی بیشترین فاصله اجتماعی هم بین آنها حاکم است. با توجه به آنچه که در نقش عناصر تجمع پذیر در محله های مسکونی بمنظور ارتقاء تعاملات اجتماعی مورد بحث و ارزیابی قرار گرفت، فضاهای شهری تجمع پذیر، مکانهایی برای حضور شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعیشان هستند که پرداختن به کیفیات آنها سرزندگیشان را به حداکثر می رساند. در این راستا، مبانی نظری محله، تعاملات اجتماعی و عناصر موثر در ایجاد تعاملات اجتماعی بررسی شد. با بررسی این عناصر و تحلیل آنها در محله های سنتی، می توان به این نتیجه رسید که، اکثر این عناصر نقش مهمی در تعاملات اجتماعی، فضاهای همگانی شهری دارند که این امر سبب حضور پر رنگ ساکنین محله ها در فضای زندگیشان شده است که در نهایت باعث پایداری جامعه می شود.

در پایان پیشنهاد می شود روی اصول و ضوابط شهرسازی تجدید نظر شود و به اجتماعات محلی، خانواده ها و کودکان در معماری شهرها و یا حداقل محله ها توجه شود، نه به محلی برای عبور خودروها. شهرهای امروز بر اساس خودرو محور سامان یافته و نیاز به تغییر برای بهبود سبک زندگی دارد. بر اساس شهرسازی و معماری ایران، اجتماعات محلی اولویت داشته اند نه کلان شهرها. شهر باید طوری گسترش یابد که آسیبی به روابط و تعاملات اجتماعی وارد نکند. بنابراین نیاز به یک تجدید نظر اساسی و جدی در

مدیریت معماری شهری، وجود داد. انسان کامل و چندبعدی باید مبنای تصمیم‌گیری‌ها باشد، خانواده، کودکان، کهنسالان و معلولان و جانبازان باید در جامعه اولویت باشند. مناسبات اجتماعی در جایی که انسان‌ها هم سطح هستند رخ می‌دهد نه در جایی که شکاف‌های عمیق طبقاتی وجود دارد.

منابع

- ۱- آزاد، زهرا، پرتوی، پروین، (۱۳۹۲)، بررسی ی‌تطبیقی جایگاه میادین تهران در حفظ و ارتقای خاطر همجعی شهروندان (نمونه موردی: میدان تجریش و میدان بهارستان)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره چهارم.
- ۲- بهزادفر، مصطفی و طهماسبی، ارسلان، (۱۳۹۲)، شناسایی و ارزیابی مولفه‌های تاثیرگذار بر تعاملات اجتماعی، تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه مورد مطالعه سنج، فصلنامه علمی-پژوهشی مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر، شماره ۲۵، صفحه ۲۸-۱۷.
- ۳- پارسی، حمید رضا، (۱۳۸۱)، شناخت محتوای فضای شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۱، صفحه ۴۱ تا ۴۹.
- ۴- پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۷۵)، هویت و این همانی با فضا، مجله صفا، شماره ۲۱ و ۲۲ تابستان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۵- سیاف زاده، علیرضا، میره‌ای، محمد، نوده فراهانی، مرتضی، (۱۳۹۱)، نقش کیفیت منظر شهری در ایجاد حیات اجتماعی و هویت مکانی شهروندان (مطالعه موردی: بزرگراه نواب)، فصل نامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی ص ۲۹-۳۹.
- ۶- سیف الهی فخر، سپیده، لاریمیان، تایماز، معززی مهر طهران، معززی مهر طهران، (۱۳۹۰)، تعیین شاخص‌های موثر در خلق مکانهای امن پیاده‌مدار جهت ارتقاء تعاملات اجتماعی (نمونه موردی: خیابان بهار آزادی محله خاک سفید تهران)، نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۵، بهار و تابستان، صفحات ۸۵-۹۵.
- ۷- حبیبی، سید محسن، (۱۳۸۱)، چگونگی الگوپذیری و تجدد سازمان استخوان بندی محله، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۳، بهار ۸۲، صفحه ۳۹-۳۲.
- ۸- حبیبی، سید محسن، مسائلی، صدیقه، (۱۳۷۸)، سرانه کاربری‌های شهری، سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
- ۹- محمودی، محمد مهدی، (۱۳۸۱)، تاثیر بزرگراه‌های درون شهری در تغییر منظر شهری تهران، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱۲ زمستان، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۰- میره‌ای، محمد، (۱۳۸۹)، گزارش طرح پژوهشی آسیب شناسی سیما و منظر شهری تهران، نمونه موردی: بزرگراه نواب، گروه منظر شهری پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی، تهران.
- ۱۱- منصوری، سید امیر، (۱۳۸۹)، چيستی منظر شهری، ماهنامه منظر، شماره نهم، مرکز تحقیقات نظر، تهران.
12. Barton, Hugh, et al (2003), Shaping Neighbourhoods: A guide for health, sustainability and vitality, SponrPess, London and New York.
13. Carmona, M; Heath T; Oc, and Tiesdell S. (2003). Public places urban spaces. New York: Architectural press.
14. Cratan, F. (2008). Side Walk in Urban Planning. London.
15. Huffman, R. (2006). The Value of Urban Open Space. Urban Land, 65(1):108-111.
17. Carmona, T. Heath, T. Oc, S. Tiesdell (2006), Public Spaces- Uarban Spaces, Architectural press, UK.
18. CC, Sarkissian W (1986). Housing as if People Mattered, Berkeley, University of California Press.
19. Perry, Clarence (1927), The Neighbourhood Unit Formula, Reprinted in William L. C. Wheaton et al., eds. (1939), Housing for Machine Age, Russell Sage Foundation, New York.

نقش دلبستگی به مکان در هویت بخشی به رودخانه‌های درون شهرها نمونه موردی (رودخانه کارون)

امیر نوری مکرم

داوطلب اخذ درجه دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

Amino_3330@yahoo.com

چکیده

شهرها به عنوان مکان زندگی و فعالیت انسان، نه تنها بخش مهمی از محیط می باشند بلکه علاوه بر تاثیر گذاری بر محیط زیست، باعث بهبود کیفیت زندگی، احساسات و ایجاد حس دلبستگی به مکان می گردند و از آنجا که ادراک مکانی نتیجه تعامل انسان با عناصر درون محیط است، وجود رودخانه هم می تواند به عنوان یک عنصر طبیعی در شهر، در هویت مندی آن تاثیر به سزایی داشته باشد. این پژوهش با انگیزه توجه به اهمیت دلبستگی و ابعاد آن با تبیین شاخص های دلبستگی به مکان، نقش آن را در ایجاد مطلوبیت و هویت رودخانه کارون بررسی می کند. پژوهش مذکور با روش مطالعه نمونه موردی و مطالعات میدانی و مصاحبه حضوری با شهروندان اهوازی و گردشگران و بازدیدکنندگان از پارک ساحلی رودخانه کارون و تحلیل آن با استفاده از آمارهای توصیفی و استنباطی انجام شده است. امید است نتایج تحقیق بتواند عوامل موثر بر ایجاد دلبستگی به رودخانه به عنوان یک مکان هویت مند برای ساکنین و گردشگران این شهر را تبیین نماید.

واژگان کلیدی: ادراک مکانی، رودخانه کارون، شهر، محیط زیست، هویت.

مقدمه

تضعیف حس مکان و دلبستگی به آن موجب تغییر در احساس و تصور مردم از مکان شده است. تاریخ نشان می دهد که انسان هر چه بر توانایی های علمی خود افزوده از تنش و واکنش های هماهنگ و بی واسطه بین خود و طبیعت کاسته است حال آنکه دوری فیزیکی از طبیعت، عدم دلبستگی و فقدان تاثیرات روحی-روانی را به دنبال داشته است. منطقی نیست که منافع مستقیم تماس خود با طبیعت را تشخیص دهیم ولی به بقای آن اهمیت ندهیم (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۰). از آنجا که معنا و دلبستگی و ایجاد یک تصویر ذهنی منطبق با عینیت، از خواص مکان است هر گونه آسیب به آن مکان موجب مخدوش شدن هویت آن منطقه می شود، در این راستا رودخانه کارون در شهر اهواز که دارای ویژگیهای اکولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی و فعالیتی با ارزش بوده انتخاب شده تا ضمن بررسی شاخص های دلبستگی به مکان و ارزیابی آنها بتوان مفاهیم گوناگونی در رابطه با پیوند میان انسان و طبیعت مورد توجه قرار داد که مبین چگونگی عمق حضور انسان در مکان و به تبع آن دستیابی به سطوح مختلفی از دلبستگی و هویت مندی آن مکان باشد. مقاله حاضر در پی بررسی روابط درونی میان مفاهیم مذکور می باشد.

بررسی مفهوم مکان از دیدگاه های گوناگون

بررسی مفهوم مکان بر اساس دیدگاه پدیدارشناسی مبین این است که مکان چیزی بیش از یک محل انتزاعی بوده و مجموعه ای از عناصری است که در کنار یکدیگر کاراکتر محیطی را تعریف می کنند؛ چیزی که در واقع ماهیت مکان محسوب می شود. (Norberg schulz, 1975, 431). ماهیتی که بر اساس نوعی آگاهی و ادراک قرار دارد و مکان ها را مرکزی پر محتوا و عمیق از هستی وجود بشری تعریف می کند. (Relph, 1976)

دیدگاه انتقادی نیز در خصوص مکان تاکید خود را بر وجود تعاملات اجتماعی پویا و جاری و همچنین ارتباط و آمیزه ای از درون و برون قرار داده و ویژگی هایی نظیر جهانی شدن، اقتصاد، فرهنگ، روابط و ارتباطات اجتماعی و... که به طور مستمر در مکان در حال بازتولید می باشند را دلیلی بر منحصر به فرد بودن مکان ها می داند (Messy, 1994, 146- 157).

از سویی دیگر دیدگاه اثبات گرایی، تفاوت میان ارزیابی مردم از مکان ها را ناشی از تفاوت میان انسانها دانسته آن را بیانگر محور اصلی و نقطه ثقل " سامانه مفهومی " مردم در ارتباط با یک مکان مشخص قلمداد می کند (Canter, 1977, 113- 105). بر این اساس مکانها مرتبط با انسان بوده و نتیجه روابط متقابل میان سه عامل « رفتار انسانی»، «مفاهیم» و «ویژگی کالبدی» مربوط به آن می باشند که با تاکید به هر یک از مولفه های مذکور، هر مکان خاص، ساختارهای مفهومی متفاوتی را برای افراد گوناگون می پذیرد.

علاوه بر مباحث فوق، یکی دیگر از موضوعات عمده درخصوص مکان، بحث ساختار مکان و دیالکتیک درون و برون است که عامل اصلی در چگونگی حضور انسان در مکان و تجربه مکان می باشد. بر این اساس، رلف مجموعه ای از این روابط را در سلسله مراتبی هفت گانه از تجربه حضور فرد در یک مکان به شرح زیر می توان طبقه بندی کرد:

- برون بودن وجود
- برون بودن عینی
- برون بودن اتفاقی
- درون بودن با واسطه
- درون بودن رفتاری
- درون بودن عاطفی
- درون بودن وجودی

دلبستگی به مکان

در لغت نامه دهخدا از دلبستگی به معنای محبت، رغبت، دوستی، مودت، عشق و گرایش خاطر، یاد می شود. دلبستگی به مکان به عنوان یک مفهوم، رابطه و نقطه اتصال بین مردم و مکان ها، نقش مهمی را در مطالعات روانشناسی محیط بازی می کند. (Giuliani, ferrara, & Barabotti, 2003; Altman & Low, 1992)

در اثر این رابطه، مکان به لنگرگاهی روانی (Psychological Anchor) بدل می شود. اغلب این دلبستگی مکانی از سطح تجربه های احساسی - شناختی فردی می گذرد و با احساس مشترک جمعی در محدوده فضایی وسیع تر گره می خورد (رضازاده، ۷: ۱۳۸۰). در تأیید این نکته می توان به گفته الکساندر در کتاب « زبان الگو» اشاره کرد: «مردم به فضاهای هویت مند نیاز دارند تا به آنها تعلق و دلبستگی داشته باشند.» (Alexander & Ishikava, 1977: 81) نیاز به این دلبستگی مکانی چنان است که حتی اگر کسی درصدد نفی تعلق خود به یک مکان خاص باشد، این کار را از طریق منتسب کردن خویش به یک مکان دیگر انجام می دهد. نمونه بارز آن برخی از مهاجران شهرستانی در شهرهای بزرگی چون تهران هستند. آنها با تلاشی برای تهرانی جلوه دادن خود، سعی پنهان نمودن یا نفی شهرستانی بودنشان دارند، اما هرچقدر هم در این زمینه موفق باشند و بتوانند هویت جدید شان را به بقیه بقبولانند، در برابر یک امر درونی توان مقابله ندارند و آن خاطره و تداعی است.

خاطره عامل تشدید تعلق مکانی است و حتی می تواند این تعلق را به تعلق خاطر بدل نماید. انسان می تواند به جایی تعلق داشته باشد بدون آنکه آنجا را دوست داشته باشد یا از آن متنفر باشد اما به محض این که خاطرات مطرح می شوند، وی به موضع گیری احساسی در برابر مکان می پردازد. خاطره همیشه در ذهن باقی می ماند و فرد نمی تواند از آنها دور شود. پس خاطره یک منبع ذهنی خودجوش است، البته با نظامی ضد موزه ای. خاطره بیش از آنکه منوط به زمان باشد، در بند مکان است. (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۰، ۷۵). به همین دلیل از نظر گاستون بشلار، خاطرات مجموعه های ساکنی هستند که موجودیت شان به کم و کیف جای گیریشان در فضا بستگی دارد، و فضا به واسطه زنده شدن خاطره ای رنگ و بوی خاصی به خود می گیرد.

برقراری این تعامل عاطفی، موجب پیوند انسان با فضا و معنا بخشی به فضا را فراهم می‌کند و باعث علاقه بیشتر به مکان می‌شود. همچنین دلبستگی به مکان با تأثیر و تأثر متقابل کنش‌ها، اعتقادات، خاطرات و تعلق مکان مرتبط است (Proshansky, Fabian & Kaminoff, 1983:59).

بررسی هویت، هویت مکان و دلبستگی به آن

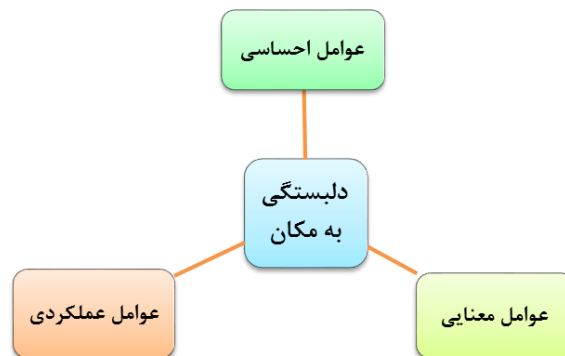
در این مقاله معنی هویت معادل کلمه Identity در زبان انگلیسی به معنای پاسخی به پرسش در خصوص چستی یا کیستی موجودات است. تنها پدیده‌ای که دغدغه هویت دارد انسان است. زیرا به گفته سارتر در مورد انسان «وجود بر ماهیت تقدم دارد». این سخن بدان معناست که برخلاف سایر موجودات انسان بدلیل داشتن اختیار به طریق مختلف به کیستی خود می‌اندیشد و به این ترتیب نظم زیستی وی به مبارزه آگاهانه یا نا آگاهانه اش برای تأمین هویت شخصی می‌انجامد (افروغ، ۸۰: ۱۳۷۷). انسان بودن به معنای زیستن در دنیایی سرشار از مکان‌های با اهمیت است. انسان بودن به معنای برخورداری از مکان و شناخت نسبت به این برخورداری است. به تعبیر مارتین هایدگر «مکان جنبه عمیق و پیچیده تجربه انسان از دنیاست» (افروغ، ۵۰-۱: ۱۳۷۷). رابطه میان انسان و مکان دو طرفه است، زیرا کنش و خواست انسانی معنی را به فضا مترتب می‌سازد و فضای خالی را به یک مکان تجربه شده تبدیل می‌کند و به همین ترتیب مکان می‌تواند بر انسان تأثیر متقابل گذارد. چرا که به واسطه معنایش به ارزشها و کنش‌های انسان خط می‌دهد. به همین خاطر هویت مکان، بخشی از هویت شخصی است. هویت مکان در اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی رشد می‌یابد. بنابراین بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی مکان است. در عین حال در غنای شخصیت فردی نقش محوری دارد (سجاد زاده، ۳: ۱۳۹۲). «بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می‌سازد، مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند. هنگامی که راجع به خود فکر می‌کند، خود را متصل به آن مکان می‌داند و آن مکان را بخشی از خود می‌شمارد. میان فرد و آن مکان رابطه عمیق وجود دارد، رابطه‌ای عمیق تر از صرف بودن یا تجربه کردن آن مکان» (رضازاده، ۵: ۱۳۸۰).

به نظر گابریل مارسل یک فرد جدای از مکان خود نیست، او همان مکان است و اگر معتقد است که زمان، مکان، انسان و عمل، هویت غیر قابل تفکیکی را می‌سازند. بنابراین معنا و عمل عناصری درهم تنیده اند که در فهم هویت مکان باید در نظر گرفته شود. در مجموع هویت مکان به نحوی به عناصر سه گانه محیط فیزیکی (فرم)، فعالیت (عملکرد) و معنا بر می‌گردد. سه عنصر مزبور غیر قابل تبدیل به یکدیگر بوده، اما بطور غیر قابل تفکیکی در فهم ما از مکانها پیوند خورده اند. هویت مکان در عین آنکه وابسته به فرد، تجارب خاص و نحوه اجتماع پذیری اوست، انعکاس دهنده افراد و گروههایی است که در آن مکان خاص زندگی می‌کنند (Proshansky, 1978:155). دلبستگی به مکان در نحوه ادراک هویتی فردی و جمعی تأثیر گذار بوده و مبتنی بر فعالیت هایی است که افراد در غالب مقتضیات فرهنگی خود انجام می‌دهند (Altman & Low, 1992). حس مکان به توانایی مکان در برانگیختن احساسات انسانی بواسطه کیفیاتی بستگی دارد که آن را از سایر مکانها متمایز می‌کند (Lynch, 1960) و هویت مکان تشکیل شده از تصویر ذهنی، تولید تجارب، تفکرات، خاطرات و احساسات بی واسطه و تفسیر هدفمند از آنچه هست و آنچه باید باشد (Relph, 1976:56). در عین حال هویت مکان نوعی دلبستگی عاطفی با مکان بر پایه اهمیت نمادین مکان، به عنوان ظرف عواطف و احساسات نیز هست که به زندگی فرد، هدف و معنا می‌بخشد (Willams & Vaske, 2003:830). حس مکان نیز وابسته به احساس و تصور افرادی است که کاملاً مکان را تجربه کرده و مربوط به نیاز هویت بخشی محیط شخصی و نیاز به بودن یک مکان با هویت برای افراد است.

شاخص‌های دلبستگی به مکان

دلبستگی به مکان از مجموع ویژگی‌های محیطی و الگوی ذهنی افراد تشکیل شده است. این مفهوم از خصوصیات محیط فیزیکی و ارزیابی آنها توسط بهره برداران ایجاد می‌شود و از فردی به فرد دیگر متفاوت است (Riley, 1992). دلبستگی به یک محیط خاص متأثر از کیفیات و ویژگی‌های مکان است. ویژگی‌های هر مکان نیز نمودار و پتانسیل‌ها و خصوصیات منحصر به فرد آن مکان است. همچنین رلف "درون مکان بودن" را به معنی تعلق داشتن و به آن وابسته بودن می‌داند و حضور می‌داند هر چه حس درون بودن عمیق تر باشد، حس هویت با مکان نیز قوی تر خواهد بود. بنابراین دلبستگی به مکان ناشی از تعامل افراد با

مکان، معانی و ویژگی‌های مرتبط محیطی است که فرد را راغب به ماندن در آن مکان می‌کند و بواسطه حس فضایی آن مکان میسر می‌شود. بر این اساس مولفه‌ها و شاخص‌های مهم در دل‌بستگی به مکان را می‌توان بصورت نمودار ۱ نشان داد.



نمودار ۱: چهارچوب مفهومی دل‌بستگی به مکان. مأخذ: نگارنده

عوامل معنایی

مفهوم دل‌بستگی به مکان در قلمرو تداعی معنایی محیط تعریف می‌شود. معنا مربوط به جنبه روانشناسی و ادراکی تجربه محیط است و در این محدوده دل‌بستگی به مکان به عنوان نقطه اتصال فرد و محیط تعریف می‌شود (Hernandez, 2001; 121). مطالعات نشان می‌دهد که معانی نمادین مکان نقش مهمی در دل‌بستگی به مکان ایجاد می‌کند لذا اهمیت ارتباطات اجتماعی در مکان، نباید مورد غفلت واقع شود.

عوامل عملکردی

این عوامل بر کیفیت مکان در پاسخگویی به نیازهای کاربران در مقایسه با سایر مکانهای مشابه موجود اشاره دارد وابسته به تجارب قبلی فرد، نحوه دسترسی به مکان و الگوهای فعالیتی موجود در آن است (Willams & Vaske, 2003:18).

عوامل احساسی

یکی از ویژگی‌های اصلی دل‌بستگی به مکان، روابط احساسی نزدیک با مکان است. به این ترتیب دل‌بستگی به مکان پیوندی مؤثر و ماندگار را با مکان‌هایی که مردم از آن استفاده می‌کنند برقرار کرده و در آنجاست که آنها احساس آسایش و آرامش بیشتری دارند.

آشنایی با نمونه مورد مطالعه

رودخانه کارون

کارون بزرگ، رودی که در سنگ نوشته‌های باستانی کرن، کرنک و کوهرنگ نامیده شده و اولین تمدن‌های بشری سرچشمه خود در ارتفاعات زاگرس میانی تا بستر پهن و گسترده در مصب، جریان یافته و بزرگترین و طویل‌ترین رود ایران و خاورمیانه است. رودخانه ابتدا در جهت عمومی شمال غرب و سپس در جهت جنوبی از میان بلندی و پستی‌های زاگرس به سمت جلگه خوزستان حرکت کرده و پس از خروج از کوهستان و اتصال تعداد زیادی رود به آن، در شمال شوشتر به دو شعبه تقسیم می‌شود. شعبه خاوری گرگر یا دودانگه و شعبه باختری که بزرگتر است شطیط یا چهاردانگه نامیده می‌شود.

دو رود شطیط و گرگر و رودخانه دز که بزرگترین ریز آب‌های کارون هستند در حوالی محلی به نام بند قیر در نزدیکی شوشتر بهم متصل می‌شوند و کارون بزرگ و حیات بخش را با طول حدود ۸۵۰ کیلومتر و عرضی متفاوت، از دره‌های تنگ و عمیق می‌سازند. پس از آن رودخانه وارد اهواز می‌شود و با مشروب ساختن نواحی حاشیه‌ای شهر که در کنار آن شکل گرفته است، از وسط

آن عبور کرده و از سمت جنوب شهرستان به سمت خرمشهر جریان می یابد. در شرق شهر خرمشهر به دو شاخه تقسیم می شود. شاخه غربی به نام بهمنشیر به جنوب غربی جریان یافته و از طریق خورموسی به خلیج فارس راه می یابد و شاخه شرقی از جنوب خرمشهر گذشته و به اروندرود می ریزد.



نقشه رودخانه کارون در اهواز



رودخانه کارون مأخذ : نگارنده

روش شناسی پژوهش

در این مقاله مبتنی بر مطالعات اسنادی و با استخراج از شاخص های دلبستگی به مکان روش پیمایشی، توصیفی و مشاهده ای با استفاده از تحلیل آماری به ارزیابی آن در نمونه موردی می پردازیم. جامعه آماری، گروه سنی، شغلی، اجتماعی، جنسی، مدت سکونت،... می باشد. بدین منظور ۱۰۰ پرسشنامه با ده سؤال متنوع طرح شد که مجموع اهداف تحقیق را تأمین کند. مصاحبه شوندگان به طور تصادفی از میان بازدیدکنندگان پارک ساحلی حاشیه کارون و صرف نظر از موقعیت اجتماعی یا زمینه شغلی و درآمدشان انتخاب شدند. ابتدا به افرادی که در ساحل کارون بودند درباره هدف تحقیق و روند پاسخگویی اطلاعاتی داده و سپس پرسشنامه ها در اختیار افراد علاقمند قرار می گرفت و از آنها خواسته می شد که در طی اقامتشان در آنجا به این سوال ها پاسخ داده شود.

پرسشنامه ها طی هفته و آخر هفته و در ساعات مختلفی از روز و بخش های متفاوتی در پارک ساحلی پارک ساحلی حاشیه کارون پخش گردیدند، پرسشنامه ها مباحث مختلفی را در بر گرفته (کلا ۱۰ سؤال و شامل : مشخصات فردی، تفریحات مورد علاقه، امکانات و زمان مراجعه به ساحل کارون، عوامل موثر در ارتقاء کیفیت محیط بوده که با هدف کمک به طراحی سایت حاشیه کارون بوده، در قالب سه بخش و در موضوعات شاخص های دلبستگی مرتب و تدوین گردید که در این تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. سه پرسش اصلی مطرح شده عبارت بودند از :

- ۱- انگیزه شما از حضور در طبیعت چیست؟ (چرا مردم به ساحل کارون می آیند؟ چه فعالیت هایی نیازمند چه امکاناتی است؟)
- ۲- ابعاد حسی و میزان دلبستگی و علاقه شما به کارون تا چه اندازه می باشد؟
- ۳- رضایت عمومی شما از امکانات پارک ساحلی حاشیه کارون تا چه حد تأمین می شود؟

لازم به ذکر است که این تحقیق به طور کلی واجد یک ویژگی پژوهشی بوده و نتایج آن، اطلاعات قابل توجهی درباره نقش و میزان دل‌بستگی در رضایت شهروندان و کیفیت زندگی شان در بر داشت. در مجموع با توجه به وسعت منطقه مورد مطالعه، در پارک ساحلی حاشیه کارون و به منظور ایجاد خطای کمتر در نتایج حاصله از جامعه آماری تعداد ۲۰۰ پرسشنامه پخش شد که به آنها درصد نسبتاً بالایی (۸۵/۴٪) پاسخ جامع داده شد. در نهایت از هر دو روش تحلیل کمی (روش SPSS برای یافتن داده‌ها برای تحلیل و تفسیر اطلاعات جمع‌آوری شده) استفاده گردید. سوالات چند گزینه‌ای نیز براساس آمار توصیفی پایه، متغیرهای تحلیل و عوامل تحلیل مورد مطالعه قرار گرفتند.

ارزیابی شاخص‌های دل‌بستگی در نمونه مورد مطالعه:

به منظور ارزیابی تأثیر دل‌بستگی به مکان در ایجاد فضایی با هویت از منظر استفاده‌کنندگان، پرسش‌ها در غالب سه شاخص احساسی، عملکردی و معنایی طراحی شد و براساس آن، آزمون‌های مورد نظر به عمل آمد. ابتدا با روش آماری، میزان تبیین متغیرها توسط مولفه‌های آنها مشخص برخی از مؤلفه‌هایی که ضریب پایینی داشتند، حذف شد.

جدول ۱. ارزیابی شاخص‌های احساسی عملکردی - کالبدی و معنایی دل‌بستگی به مکان در رودخانه کارون مأخذ: نگارنده

احساس (حس مثبت، علاقه، ...)	عملکردی (وابستگی، رضایتمندی، ...)	معنایی (فرهنگ، اعتقاد، سنت، ...)
- حس مباحثات نسبت به رودخانه - حس مثبت نسبت به محیط رودخانه - تمایل به ماندن بیشتر در کنار رودخانه - خو گرفتن و عادت به وجود رودخانه - احساس خوب در ماندن کنار رودخانه - علاقه به گپ و گفت در کنار رودخانه - حساس بودن نسبت به تغییر شرایط رودخانه	- قادر به توصیف رودخانه - تصور فضایی بالا نسبت به رودخانه - قادر به توصیف تعبیرات کالبدی - تصورات عملکردی و کالبدی - مناسب بودن کنار رودخانه برای استراحت	- تناسبت فرهنگی افراد در کنار رودخانه - آشنا شدن افراد با همدیگر - تناسبات اخلاقی و انتقادی افراد - وجود عوامل خاطرانگیز در کنار رودخانه

جدول ۲. ارزیابی میزان دل‌بستگی احساسی عملکردی - کالبدی و معنایی در رودخانه کارون مأخذ: نگارنده

میزان دل‌بستگی احساسی	میزان دل‌بستگی عملکردی	میزان دل‌بستگی معنایی
- نسبت به کارون بسیار علاقه دارم - خاطرات زیادی دارم - احساس مباحثات دارم - حس لذت ماندن در کنار رودخانه را دارم - احساس آرامش و امنیت دارم	- بهترین مکان برای فعالیت و خرید - کارون برای من اهمیت زیادی دارد - احساس آسایش و راحتی دارم	- بهترین مکان برای استراحت - رودخانه هویت اهواز است - کنار رودخانه مکانی مناسب برای آشنایی افراد - مکان ملاقات و تعامل افراد

تأثیر میزان دلبستگی احساسی مردم اهواز به رودخانه کارون

یافته های مطالعاتی نشان داد رابطه نزدیکی میان تمایزات مکانها و دلبستگی های احساسی برای رودخانه کارون وجود دارد؛ پربابی این رودخانه از جمله عامل تمایز این رود با سایر رودخانه ها در کشور شده است. عواملی که پرسش شونده ها و ساکنان در ارتباط با دلبستگی احساسی به کارون بیان کردند، بیشتر شامل احساسات و عواطف نسبت به کارون بود و میزان این عوامل در دلبستگی مکان با طول دوره زندگی در شهر اهواز رابطه مستقیمی داشت و همچنین بین حس مباهات و آرامش و لذت بردن کارون رابطه زیادی وجود داشت.

دلبستگی احساسی	دقت معناداری
حس مباهات	٪۴۳
حس آرامش در کنار کارون	٪۶۴
حس لذت ماندن در کنار کارون	٪۹۶

تأثیر میزان دلبستگی عملکردی مردم اهواز به رودخانه کارون

کیفیت فضایی و عملکردی متنوع استمرار بازدیدکنندگان را در خود تحقیق می بخشد احساس دلبستگی به مکان به طور مؤثر و قوی با احساس مثبت و رضایتمندی از مکان نسبت داشته، طوری که شهروندان و بازدیدکنندگان، کارون را بعنوان مکانی لذت بخش برای خود تصور می کنند آرامش و احساس امنیت نقش بسزایی در رضایتمندی شهروندان نسبت به کارون دارد.

دلبستگی معنایی	دقت معناداری
عملکرد متنوع	٪۷۴
امکان مکث و نشستن	٪۱۰۰
دسترسی مناسب	٪۶۶

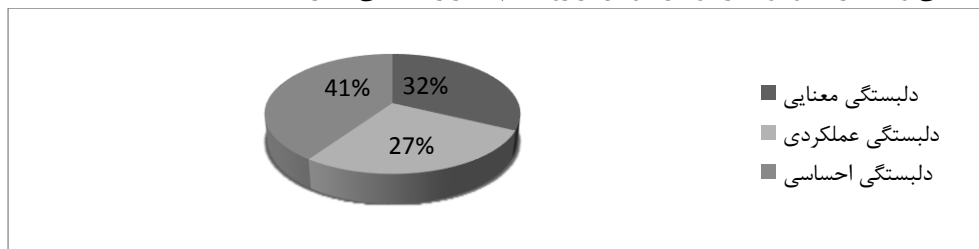
تأثیر میزان دلبستگی معنایی مردم اهواز به رودخانه کارون

کارون بعنوان فضایی معنادار جهت ملاقات افراد از جمله ویژگی های مؤثر در دلبستگی به آن می باشد و نتیجه تحقیقات میدانی در نمودار ۱ نشان می دهد گزینه مکان ملاقات بیشترین درصد را دارد که مؤید مطلب فوق است.

دلبستگی معنایی	دقت معناداری
آشنایی افراد	٪۹۶
امکان ملاقات	٪۹۸
هویت مکانی	٪۳۷

رابطه ابعاد مختلف دلبستگی به کارون برای مردم شهر اهواز

نکته قابل طرح آن است که طبق آمارها بررسی شاخص ها و مؤلفه های دلبستگی به کارون رابطه معناداری بین دلبستگی احساسی، معنایی و عملکردی وجود دارد و این عوامل بر روی هم تأثیر زیادی می گذارند.



روابط بین دلبستگی های احساسی، معنایی و عملکردی کارون

نتیجه گیری

نتیجه حاضر نشان می‌دهد ضمن آنکه مولفه های احساسی - عملکردی - معنایی در ایجاد دلبستگی به رودخانه و در نهایت هویت مندی رودخانه کارون در عین حال رابطه مستقیم بین مولفه های مذکور وجود دارد. در ارتباط با مولفه احساسی و نقش آن در دلبستگی به رودخانه کارون می‌توان گفت حس آرامش و آسایش ساکنین در جداره ساحلی رودخانه و تداعی خاطره های فردی و جمعی به واسطه حضور در فضا از یک سو و احساس تعلق خاطر و این همانی؛ نقش موثری در دلبستگی و در نهایت هویت مند شدن چنین فضاهایی را داراست. همچنین حس مردم واری رودخانه که ناشی از عوامل مختلفی نظیر حضور اقشار متفاوت جامعه و ایجاد خاطره های جمعی در تعاملات آنها در فضاست موجب ارتقاء حس این همانی و تعلق خاطر شهروندان نسبت به رودخانه می‌شود.

در مورد ویژگیهای عملکردی و فعالیتی رودخانه و تاثیر آن در ارتقاء دلبستگی به رودخانه های درون شهرها می‌توان گفت برآورده نکردن برخی از نیازهای فیزیولوژیکی و اقتصادی شهروندان از عوامل مهم در ایجاد حس دلبستگی است. و همچنین در مورد دلبستگی معنایی نیز می‌توان گفت معانی و مفاهیم در ساحل رودخانه کارون تا حد زیادی به تجربیات شخصی و گروهی افراد وابسته است که این موضوع هم به حس هویت مکان مرتبط می‌باشد.

منابع

- افروغ، عماد (۱۳۷۷). فضا و نابرابری اجتماعی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- رضا زاده، راضیه (۱۳۸۰). بحران ادراکی - رفتاری در فضای شهری، مجله شهرداری ها، ویژه نامه شماره ۵، طراحی شهری، سازمان شهرداری های کشور.
- سجاذ زاده، حسن (۱۳۹۲). نقش دلبستگی به مکان در هویت بخشی به میدان های شهری. نشریه باغ نظر. شماره ۲۵، صص ۶۹-۷۸.
- قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۹۰). اهل کجا هستیم: هویت بخشی به بافت های مسکونی. تهران: انتشارات روزنه.
- Alexander, Christopher & Sara Ishikara & Murray Silverstein, (1977). A pattern Language, oxford university Press.
- Altman, I & Low, S. (1992). Place Attachment. New York: Plenum Press.
- Canter, D. (1977). A Psychology of place. Architectural Press, London.
- Giuliani, M. Ferrara, F. & Barabotti, S. (2003). One Attachment or More? Ashland, OH: Hogrefe & Huber.
- Messy, D. (1994). Space, place and Gender. University of Minnesota Press. Minnesota.
- Norberg Schulz, C. (1975). Meaning in Western Architecture. Rizzoli, New York.
- Relph, E. (1976). Place and Placelessness. Pion. London.
- Williams, D.R., & Vaske, J.J. (2003). The measurement of Place Attachment: validity and generalizability of a psychometric approach.
- Hernandez, B. (2001). Place attachment: Conceptual and empirical questions. Journal of Environmental Psychology, 18(1): 5-29.
- Riley, R. (1992). Attachment to the Ordinary Landscape. In *Place Attachment*. Edited by Altman, I. & Low, S.M., New York: Plenum Press.
- Lynch, K. (1960). The image of the city. Cambridge, MA: MIT Press.
- Proshansky, H.M., Fabian, A.K. & Kaminoff, R. (1983). Place - Identity: physical world socialization of the self. Journal of Environment psychology, 3(3): 57-83.

ارائه مدلی یکپارچه از تعریف و ابعاد هویت مکان و تعیین شاخص‌های سازنده هویت؛ نمونه مورد مطالعه: ساکنین شهر شیراز

مرجان قنبرپور^{۱*}، علی اکبر حیدری^۲، علی قنبرپور^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج

۲- دکترای معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه یاسوج

۳- کارشناسی ارشد معماری

m.ghanbarpour1987@yahoo.com

چکیده

مساله هویت از موضوعات مهم و چالش برانگیزی است که نه تنها تک تک افراد در دوران حیات خود با آن مواجه می‌شوند، بلکه از جمله موضوعاتی است که طیف وسیعی از متفکران به انحای مختلف با آن درگیرند. صورت مساله هویت و ضمايم مربوط به آن، همواره در کانون توجه علوم مختلفی همچون جامعه شناسی، فلسفه، روان‌شناسی و... قرار گرفته است. نکته‌ای که در تلاش‌های صورت گرفته در این حیطه به چشم می‌خورد این است که پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی هویت مکانی، به واسطه اغتشاش در تعریف مفهوم هویت مکانی و نبود یک شرح یکپارچه از فرایندهای اجتماعی و تعریف مردم از مکان‌ها، دچار اختلال شده است. در پژوهش حاضر که در شهر شیراز بر روی تعداد ۱۳۸ نفر شرکت کننده با استفاده از پرسشنامه باز و بسته درباره مکان‌هایی که از دیدگاهشان باعث هویت بخشیدن به خود آنان و شهر شیراز می‌شود انجام گرفته است، سعی شده است با حذف شخصی سازی‌های صورت گرفته پیشین^۱، یک الگوی یکپارچه از تعریف هویت مکان ارائه شود. این پژوهش در دو سطح کیفی و کمی انجام گرفته و در آن از مدلسازی چند سطحی استفاده شده تا به کیفیت ابعادی و بیان تفاوت‌های درون فردی تعریف هویت مکان، در حوزه ادبیات انسان شناسی و روان‌شناسی بر اساس مطالعات و تحلیل‌ها و آنالیزهای انجام شده دست یابد. در راستای این هدف با مطالعه پژوهش‌های پیشین و یافته‌های محققان چهار بعد مشترک از میان نظریه‌ها در مورد هویت مکان استخراج و دامنه این ابعاد با مطرح کردن دو گروه از شاخص‌هایی که از لحاظ نظری برای تعیین هویت مردم از مکان‌ها ارائه گردیده بود بسط داده شد و به صورت سوالات سنجش پذیر؛ مطرح گردید و در اختیار مردم قرار گرفت. علاوه بر در نظر داشتن این شاخص‌ها، آیتم‌های دیگری نیز که می‌توانستند به عنوان شاخص در نظر گرفته شوند-که در گذشته لحاظ نشده بودند- آزموده شد و در پایان در مورد اثر بخشی هر یک با انجام تحلیل‌های آماری معتبر، نتیجه گیری گردید و شاخص‌هایی که روابط معناداری داشتند در یک دیاگرام کلی بیان شدند. در دیاگرام ارائه شده چهار بعد اصلی به سه بعد بهینه گردید و شاخص‌های جدیدی به مدل‌های پیشین اضافه گردید و دیاگرامی فراگیرتر در این راستا حاصل گردید.

واژگان کلیدی: هویت مکان، شاخص‌های هویت، شهر شیراز، پیوندهای اجتماعی، تناسب محیطی، نیازها، انگیزش

۱- پژوهش‌های صورت گرفته در گذشته عمدتاً با تعیین مکان‌های خاص و ارائه پرسش در مورد این مکان‌ها انجام شده است اما در این پژوهش هر فرد مکان مورد نظر خود را بیان داشته است.

۱- مقدمه

چه زمانی یک مکان از سوی فرد یا افراد هویت‌دار شناخته می‌شود؟ چه عناصری است که یک مکان را از نظر هویت بخشی از سوی افراد واجد شرایط یا فاقد شرایط می‌سازد؟ آن چه چیزی است که مردم را به هویت دادن یک مکان خاص، حتی دیدن این مکان‌ها به عنوان "بخشی از خودشان" می‌رساند؟ (Orestis Droseltis, Vivian L. Vignoles, 2010)

مکان مفهومی پیچیده و مرکب است. اطلاعاتی که از محیط کسب می‌شود، نمادین و معنابخش است. تجربیات گذشته در مکان، مبنای درک شرایط جدید است لذا آنچه مکان را متفاوت کرده، هویت مکان است (Ariel Windsong, Elena, 2010)

هویت یابی انسان با یک مکان این فرض را به وجود می‌آورد که مکان واجد شخصیت است، به این معنا که ویژگی‌هایی وجود دارد که یک مکان را از سایر مکان‌ها متمایز می‌سازد و به مکان، وجودی یکتا یا روح می‌بخشد (ابلی، ۱۳۸۷). بخشی از هویت افراد از طریق مکان بازیابی می‌شود و فضای بنای ساخته شده، باید با توجه به بستر و زمینه فرهنگی جامعه، شکل گرفته باشد. معماری فضا و مسکن باید با فرهنگ هر جامعه هم خوانی داشته باشد و این امر از طریق شناخت سلیقه‌های زیبایی شناختی مردم امکان پذیر است. چراکه مردم عناصر اصلی هستند که در فضا و معماری زندگی می‌کنند. (آنترمن، ۱۹۷۷) هویت مکانی بخشی از زیرساخت هویت فردی انسان و نتیجه شناخت‌های عمومی او درباره جهان فیزیکی است که در آن زندگی می‌کند؛ بنابراین رابطه متعادلی که بین هویت مکانی فرد و ویژگی‌های محیط پیرامون او شکل می‌گیرد، بسیار حائز اهمیت است (بهزاد فر، ۱۳۸۶)

از این رومی‌توان گفت، هویت مکانی یک ساختار مرکزی برای روانشناسان محیطی است، و پژوهش‌های انجام شده در طول دو دهه گذشته به سبب نبود رضایت و موافقت عمومی در مورد بنا کردن این ساختار و فرایندهای مربوط به آن، هنوز مختل شده است. (Manzo, 2003) این نکته امری است که پژوهش در این زمینه را تاحدی مشکل ساخته است. (در پژوهش‌های مختلف عناصر متعددی برای ساختار هویت در نظر گرفته شده و موضوع بحث بر روی این عناصر بسط یافته است، این عناصرگاهی در پژوهش‌ها مشترک بوده و بعضاً دچار افتراق فراوانی می‌باشد). در ضمن، پژوهش در دیگر زمینه‌های هویت به طور پیوسته و با تلاش رشد یافته است و یکپارچه‌تر شده است (Vignoles, V. L., Regalia, C., Manzi, C., Golledge, J., & Scabini, E, 2006 و (McLaughlin-Volpe, T, 2004 & Ashmore, R. D., Deaux, K) این مقاله بر آن است تا به یک یکپارچگی بهتر در ادبیات هویت مکانی دست یابد. اول، به طور خلاصه به کیفیت ابعادی تعریف مکان و بررسی ابعاد و زیر ساخت‌های هویت ساز پرداخته؛ هر چند، هدف اصلی، آزمایش شاخص‌های تعریف کننده مردم از عوامل هویت ساز در حوزه ادبیات انسان‌شناسی و روان‌شناسی است. و سپس به ارائه یک مدل فضایی یکپارچه در ادبیات انسان‌شناسی و روان‌شناسی از عوامل سازنده هویت پرداخته خواهد شد.

۲- ادبیات موضوع

به منظور دستیابی به چشم اندازی موثر در خصوص موضوع مورد بحث ابتدا لازم است تا برخی از اصطلاحات اساسی موجود در این حیطه را معناشکافی نماییم. اصطلاحاتی مانند هویت، مکان، هویت مکانی و....

۳- تعاریف

۳-۱- هویت

« فرهنگ معین واژه هویت را چنین تعریف کرده است: (ه و ی) [ع. هویت] شخصیت، ذات، حقیقت چیز. آنچه موجب شناسایی شخص باشد و باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد. دو چیز که در حقیقت و ذات یکی باشند هر چند در بعضی موارد بایکدیگر متفاوت باشند. حقیقت شی یا فرد که شامل صفات ذاتی اوست. » (معین، ۱۳۸۴). هویت مجموعه باورهای ذهنی است که سبب تفاوت گذاری میان خود و دیگری می‌شود و به عمل فردی یا اجتماعی بر اساس آن و با هدف حفظ تداوم و تقویت آن و یا در جهت تخریب و تضعیف هویت‌های دیگر دامن می‌زند. (فکوهی، ۱۳۸۰). علی رغم این واقعیت که هویت در "مشابهت" ریشه دارد، اما همواره به تفاوت

نیز

می‌شود (Alsayyad, 2001) کاترین وودوارد نیز تعبیر مشابهی دارد "هویت از طریق تشابه معین می‌شود، یعنی از طریق تشابه با انسان‌هایی مثل ما، و از طریق تفاوت با آن‌هایی که مثل ما نیستند (Woodward, 2000) به نظر گیدنز هویت عبارت است از آنطوری که شخص از خودش تعریف می‌کند. انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می‌کند و در جریان زندگی پیوسته آن را تغییر می‌دهد؛ هویت امر پایداری نیست، بلکه یک پدیده‌ی پویا و سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن می‌باشد (گیدنز، ۱۳۸۷) هویت به مثابه امری احساسی یا آگاهانه، واقعی یا خیالی، موجود یا جعلی معطوف به پاسخ به چیستی و کیستی انسان‌ها به صورت انفرادی و جمعی است. «خودشناسی» و «دیگر شناسی» به منزله دو محور عمده در بحث هویت با معیارهای مختلفی اعم از علمی یا غیر علمی، بی طرفانه یا مغرضانه، احساسی و سطحی یا آگاهانه و عمیق مورد سنجش قرار می‌گیرد. هویت مفهومی است که روان شناسی فردی و اجتماعی، جامعه شناسی، علم سیاست و دیگر علوم انسانی داعیه نسخه پیچی برای توصیف و تبیین آن دارند (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۹)

۳-۲- مکان

از آن جا که موضوع اصلی بحث این نوشتار را هویت مکان و هویت مکانی تشکیل می‌دهد، از این رو به درکی از چیستی مکان به عنوان عنصر اصلی تأثیرگذار در این مقوله از هویت نیاز است. مکان، فضایی است که به واسطه ادراکی که نسبت به آن ایجاد می‌شود؛ دارای هویت و معنا می‌گردد. از این رو مفهوم مکان رابطه‌ای جدانشدنی با هویت داراست. مکان عنصر اصلی هویت ساکنان آن است. انسان با شناخت مکان می‌تواند به شناخت خود نائل شود. یکی از علل سرگردانی انسان امروز نپرداختن به مفهوم مکان و پی نبردن به مفهوم هویت مکانی است. مکان جایی است که ما ادراک کاملی از هستی و بودن خود داشته باشیم. انسان از مکان‌های متفاوت تصاویر متفاوتی را در ذهن دارد. احساسات او می‌تواند بر روی ادراکاتش از محیط و شکل‌گیری تصویر ذهنی از مکان تأثیرگذار باشد. همین تصاویر ذهنی انسان‌هاست که به مکان هویت می‌دهد. (شکوفه میرزایی؛ سیاوش تیموری؛ سعیده نژادستاری، ۱۳۹۱) مکان به معنی داشتن یک نقطه امن است که می‌توان از آنجا به دنیا نگریست، یک اتصال قوی که انسان را در موضعش با سایر اشیاء مرتبط می‌سازد، و دستیابی و یا ارتباط روحی و روانی با یک نقطه مشخص است. (Relf, 1976). راپاپورت مکان را یکی از چهار عنصر تعریف‌کننده‌ی فضا معرفی می‌کند، که در ترکیب با معنی، زمان و ارتباطات، محیط انسان ساخت را شکل می‌دهد. دلمشغولی فرد یا گروه با فضا به آن معنای مکان می‌دهد، دست کم تا اندازه‌ای که آن را از سایر مکان‌ها جدا سازد. (راپاپورت، ۱۳۸۴) مکان مرکز ارزش محسوس است، که همواره با امنیت و پایداری نیازهای زیستی انسان را برآورده می‌کند. از دیدگاه شولتز، مکان فضایی است که احساس می‌شود، درک می‌شود و سپس با خاطره عجین می‌شود، بنابراین در حالات روحی و خاطرات هستمند بشری است که، "احساس نسبت به مکان" شکل می‌گیرد. در نتیجه چنین دیدگاهی است که شولتز مکان را فضایی می‌داند که انسان به حضور و وجود خود در آن ادراک و شناخت دارد. (شولتز، ۱۳۸۲) مکانی که شخص پیوندی تعاملی با آن دارد در شناخت وی از خود و نحوه معرفی خود به دیگران نقش دارد. یکی از ویژگی‌های ضروری این همانی با فضا (هویت مکانی) استمرار ارتباط با فضا در زندگی فرد است (پاکزاد، ۱۳۸۶) فرد در آن فضا احساس آسودگی میکند و اگر به دلایلی از آن فضا دور شود، احساس دل‌تنگی می‌کند. (ناصر فکوهی، مریم حسین یزدی، ۱۳۹۲) در حالت کلی مکان به دو صورت با هویت پیوند می‌خورد؛ هویت مکان و هویت مکانی. (فکوهی، انسان شناسی شهری، ۱۳۸۳)

۳-۳- هویت مکانی

هویت مکانی، شناخت و تشخیصی است که یک فرد در ارتباط/تعامل/حضور در یک مکان خاص برای خود قائل می‌شود. در اصطلاح هویت مکانی سه مفهوم نهفته است. مکان، هویت و قلمروهای (settings) مقوم و برساننده این دو مفهوم. مردم همواره خود را به شهر منطقه، و یا کشوری که در آن زندگی می‌کنند ارجاع می‌دهند. در واقع مردم خود را بیشتر به محیط‌های فیزیکی به مثابه مکان ارجاع می‌دهند تا محیط‌های اجتماعی. مکانهای زیست، خود ویژگی‌های انسانی رفتاری را تا حدودی مشخص می‌کنند. بر عکسش هم صادق است، مکان‌ها بوسیله‌ی هویت‌های انسانی تحت تأثیر قرار می‌گیرند (Nasar, J. L. & Kang, J., 1999) هویت مکانی به سبب درهم تنیدگی محیط و انسان بوجود می‌آید. ما بخشی از محیط اطرافمان هستیم. همه چیز قسمتی از یک کل است و دنیاها انسانی و طبیعی همگی بخشی از یک تسلسل‌اند. (بل، ۱۳۸۶). هویت مکانی به این دلیل به کار گرفته شد که جریانهای

اصلی و عمده مطالعات هویت، روانشناختی فردی و اجتماعی محیط‌های فیزیکی طبیعی و ساخته شده را به عنوان یک فاکتور مهم و پس زمینه نادیده گرفتند. بدین سان هویت مکانی برای تأکید بر اثرات محیط‌های فیزیکی بر هویت و درجه بالای وابستگی مکانی انسان توسط پروشانسکی و همکاران به کار گرفته شد. (Kaminoff, R., 1983 & Proshansky, H.M., Fabian, A.K.)

۳-۴- هویت مکان

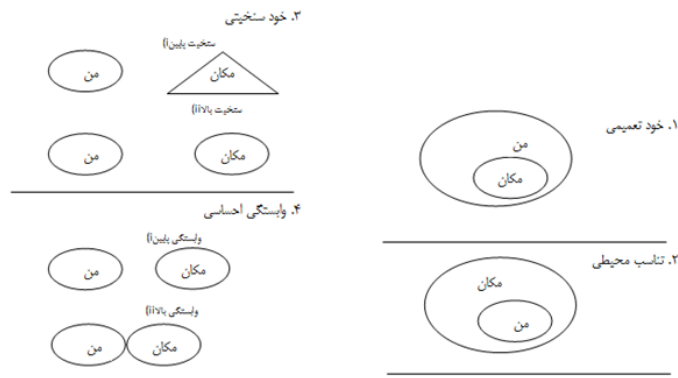
هویت مکان پنداری از مکان است که در فرد یا افراد در خصوص یک فضا/جای خاص شکل می‌گیرد. این پندار یا تشخیص هم می‌تواند از سوی فرد شکل بگیرد و هم اینکه جمعی از افراد هویتی را در مورد یک مکان قائل شوند. هویت مکان داخل مفهوم بزرگتری از خود (self) به صورت یک کل منسجم صورت می‌پذیرد (Proshansky, H.M., Fabian, A.K., & Kaminoff, R., 1983) و به وسیله‌ی آمیزه و ترکیبی از خاطرات، (memories) مفاهیم (conceptions) تفاسیر (interpretation) عقاید (ideas) و احساسات شکل گرفته در چارچوب قلمروهای فیزیکی خاص تعریف و تعیین می‌گردد (Altman, I. & Low, S.M., 1992) و از ارزش‌های فردی و جمعی نشأت می‌گیرد و با گذر زمان عمق، گسترش و تغییر می‌یابد (Relph, 1976).

۴- چارچوب نظری تحقیق

۴-۱- ابعاد تعیین هویت مکان

تعاریف هویت مکان بسیار متغیر است برای مثال، «لو و آلمن» هویت مکانی را یک ساختمان یکتا تعریف کردند: "مفهومی یکپارچه... نه ترکیبی از بخش‌ها، اجزاء، ابعاد یا عوامل جداگانه یا مستقل (Low, S. M. & Altman, I., 1992) و «پروشانسکی» آن را به عنوان یک مجموعه و ساختمان چندبعدی تعریف می‌کند؛ که آن ساختار شامل: "آن ابعاد خویش است که هویت فردی شخص را در ارتباط با محیط فیزیکی؛ که توسط الگویی پیچیده از ایده‌های آگاهانه و ناخودآگاه، باورها، اولویت‌ها، احساسات، ارزش‌ها، اهداف [...] تمایلات رفتاری و مهارت‌ها است تعریف می‌کنند" (Proshansky, 1978). با مرور تعاریف بسیار و گاهی تار از هویت مکان در ادبیات، ما چهار تصور اصلی که باور داریم ارزش تمیز دادن در زمینه تئوری را دارند تعریف کرده ایم. (شکل ۱).^۱ اولین محور در ادبیات، تصور «خود توسعه یافته» بوده است - ایده‌ای که در آن مکان‌ها به عنوان شناخت "بخشی از خود" تجربه می‌شوند (Belk, 2000) (Proshansky, H. M., Fabian, A. K., & Kaminoff, R., 1983). می‌توان گفت که از نظر تجربی، اعتبار این تصور تقویت می‌شود. برای مثال، مردمی که قلمرو فضایی اشان توسط دزدی نقض شده است، از نظر کیفی برداشت مشابهی از پریشانی روانی را گزارش کرده‌اند، اگرچه با مقداری شدت کمتر، در مقایسه با مردمی که تجاوزهای بدنی مانند هتک ناموس و تجاوز را تجربه کرده‌اند. (Wirtz, P. W. & Harrell, A. V., 1987) و همچنین (Rempel, & Burris, C. T., 2004). هر چند، پروشانسکی و همکارانش (Proshansky, H. M., Fabian, A. K., & Kaminoff, R., 1983) از نظر تئوری ادعا کردند "... که آنچه در مورد خودشناسی صادق است، در زیرساخت آن نیز صادق است"، هویت مکان هنوز باید به طور کامل بررسی شود. در اینجا ما از اصطلاح خود تعمیمی برای اشاره به حس معنا شناختی از یک مکان به عنوان بخشی از مفهوم خود توسعه یافته استفاده می‌کنیم. (Orestis Droseltis, Vivian L. Vignoles, 2010)

۱- آنچه این چهار تصور در اشتراک با هم دارند این است که هر کدام از آنها به حسی نسبت داده می‌شوند که در آن یک شخص می‌تواند بگوید که با یک مکان مشخص هویت دارد. به طور دقیق‌تر، یک فرد می‌تواند با این‌ها به عنوان ابعاد "هویت مکانی" نسبت داده شود. ما می‌دانیم که اصطلاح هویت مکان ممکن است کاملاً به گونه‌ای متفاوت از آنچه به هویت یک مکان نسبت داده می‌شود تصور شود- برای آگاهی، ویژگی‌های کیفی معنایی نمادین آن برای مردمی که با آن در ارتباط هستند. در اصل هویت مکان ممکن است بازتاب هر تعداد از ابعاد معنا باشد و دلیل خاصی وجود ندارد که تصور شود که این ابعاد باید با هم دسته‌بندی شوند، و اینکه یک مجموعه عمومی از ابعاد برای توصیف هویت‌های انواع مختلف از مکان‌ها مناسب خواهد بود. در مقاله حاضر، تمرکز ما پیش‌بینی تعیین هویت با مکان هاست: با این وجود، تصدیق می‌کنیم که تعدادی از پیش‌بینی‌کننده‌ها در مطالعه ما ممکن است به عنوان اجزاء تعیین هویت مکان‌ها درک شوند.



شکل ۱- چهار بعد نظری تعیین هویت مکان

محور دوم پیرامون اندیشه «خویش بوم شناختی» می‌گردد. (Bragg, 1996)، که از مفهوم «هویت محیطی» (Clayton, S., & Opatow, S., 2003) برگرفته شده، که به وسیله آن در تک افراد احساسی ذهنی از مناسب بودن، یا بخشی از محیط فیزیکی اطرافشان بودن (خواه «طبیعی» باشد یا به شکلی دیگر) ایجاد می‌کند. بنابراین اگر بعد پیشین به احساس مکان به عنوان مناسب بودن در آن، یا تعلق به خود، نسبت داده شود، در این بعد از اصطلاح تناسب محیطی برای مشخص کردن حس بوم شناختی/محیطی از خویش، یا **تعلق به مکان** استفاده می‌کنیم. (Orestis Droseltis, Vivian L. Vignoles, 2010)

محور سوم اندیشه سنجیت بین خویشستن و مکان است، و بازتاب کننده این ایده است که مکان به گونه ای شبیه یا همتای، ارزش ها و شخصیت منحصر به فرد است (Sirgy, M. J., & Su, C., 2000). خود سنجیتی مکان نسبت به گزینه هایی چون مقصد مسافرت (Beerli, A., Meneses, G. D., & Gil, S. M., 2007)، وابستگی های ساکنین به ناحیه جغرافیایی اشان (Twigger-Ross, C. L., & Uzzell, D. L., 1996)، بافت طراحی معماری (Hull, 1992) قبلاً آزموده شده است. این بعد گاهی اوقات به عنوان یک همبستگی یا مرتبط کننده دیده شده است تا به عنوان بخشی از هویت مکان. با این حال، سنجیت، معنای حس تعادل بین خویش و مکان را می‌رساند، و شایسته آن است که به عنوان بخشی از تعریف مردم از مکان ها دیده شود، همانگونه که پژوهشگران هویت اجتماعی به همین شکل به تصور قالب بودن گروه به عنوان یک بعد مهم از تعریف مردم از گروه ها نگاه می‌کنند (مانند، لیچ ایت آل، ۲۰۰۸). از اینرو ما خود سنجیتی مکان را به عنوان حس تصور یک فرد از مکانی که آن را شبیه یا سازگار با تصویری که فرد از شخصیتش به عنوان یک شخص دارد، معرفی می‌کنیم^۱ (Orestis Droseltis, Vivian L. Vignoles, 2010) چهارمین و آخرین رویکرد هویت مکان را برحسب وابستگی‌ها تصور کرده است (Twigger-Ross, C. L., & Uzzell, D. L., 1996) در ادامه کار اولیه جغرافی دانان بشری (Relph, 1976) و متخصصین انسان شناسی اجتماعی (Altman, I. & Low, S.M., 1992)، همانگونه که توسط ادبیات بر روی «وابستگی مکان» نشان داده شده اند، پیوندهای احساسی به مکان ها به عنوان یکی از تعیین کننده ترین جنبه های تضمین کننده مردم-مکان، تلقی شده اند. (Orestis Droseltis, Vivian L. Vignoles, 2010) با این حال، ارتباط بین هویت مکان و وابستگی بحث بر انگیز تر است. برای مثال، درباره این موضوعات که وابستگی های موثر و هویت مکان ساختارهای متمایزی هستند (Hernández, B., Hidalgo, M. C., Salazar-Laplace, M., 2010) و نیز اینکه وابستگی های موثر به مکان، شامل هویت مکان می‌شوند (Hinds, J., & Sparks, P., 2008) و همچنین این که هم هویت مکان و هم وابستگی های موثر به مکان، شامل ساختار دیگری مانند حس مکان می‌شوند (Jorgensen, B. S., & Stedman, R. C., 2001) و (Pretty, G. H., Bramston, P., 2003 & Chipuer, H. M., 2003) بحث هایی صورت گرفته است. به علاوه، تیرگی تفکیک معنایی بین وابستگی های احساسی و هویت مکان به میزان تیرگی این ساختارها (مانند، فلاو، ۲۰۰۴) به روشن نمودن ارتباط، تفسیر این دو اصطلاح تقریباً متبادل پذیر در عمل کمک نکرده است. ما در اینجا از اصطلاح وابستگی احساسی استفاده می‌کنیم تا انحصاراً به قیدهای نیرومند

۱- با توجه به این که خود سنجیتی مکان به گونه ای که در اینجا تعریف شد، کاملاً متمایز از مفهوم یکسان آوایی یا تجانس یا سازگاری محیط فرد است، آن را به عنوان میزانی که محیط در آن از عهده خرسندی نیازها و هدف های فردی بر می‌آید تعریف شده است (مانند، گیرنبرگ، استینبرگ و واکس، ۱۹۸۲؛ کاپلان، ۱۹۸۳؛ میر و ملامد، ۲۰۰۷). این مطلب ممکن است یک پیشگوی مهم از بهزیستی روانشناختی باشد، اما بعد تعیین هویت مکان نیست.

احساسی یا اثر مثبت به سوی مکان‌ها ارجاع دهیم، با وجود ازدیاد تعریف‌های متفاوت یا معنی‌هایی که به «وابستگی مکان» در ادبیات (ببینید هیدالگو و هرناندز، ۲۰۰۱) پیوست شده‌اند.

۴-۲- شاخص‌های تعیین هویت مکان

فراتر از نگرانی‌ها در مورد کیفیت ابعادی، هدف اصلی ما آزمون این امر بود که آیا پیشرفت‌های اخیر در فرایندهای مدل‌سازی متضمن ساخت دیگر حوزه‌های هویت (مانند، ویگنولز ات آل. در حال آماده‌سازی؛ ویگنولز ات آل، ۲۰۰۶) می‌توانست با موفقیت به حوزه هویت مکان ترانواده شود. ما در اینجا دامنه شاخص‌هایی را که در مطالعات گذشته مطرح شده‌اند، با مطرح کردن دو گروه پهن‌آور از شاخص‌هایی که از لحاظ نظری برای تعیین هویت مردم از مکان‌ها ممکن است به حساب آیند را بسط می‌دهیم: (۱) انگیزه‌ها و نیازهای فردی، و (۲) پیوندهای نمادین و اجتماعی مکان‌ها (ببینید جدول ۱ را). (Orestis Droseltis, Vivian L. Vignoles, 2010)

جدول ۱- آیتم‌های مورد استفاده در درجه‌بندی هویت مکان

ساختار	آیتم
ابعاد تعیین هویت	
خود گستردگی	من حس می‌کنم این مکان بخشی است از چیزی که من هستم. اگر این مکان دیگر وجود نداشته باشد، من حس می‌کنم بخشی از وجودم را از دست داده‌ام.
تناسب محیطی	من حس می‌کنم این مکانی است که من شایسته آن هستم. این مکان به من امکان می‌دهد تا با خودم ارتباط پیدا کنم.
خود سنخیتی مکان	این مکان نوع شخصی که من هستم را بازتاب می‌دهد. این مکان ارزش‌های فردی من را بازتاب می‌دهد.
وابستگی‌های احساسی	من احساس وابستگی احساسی به این مکان را دارم.
انگیزه‌ها و نیازهای روانشناختی	
احترام به نفس (احترام به خود)	این مکان باعث می‌شود احساس مثبتی نسبت به خودم داشته باشم.
پیوستگی	این مکان حس پیوستگی بین گذشته، حال و آینده در زندگی من را به من می‌دهد.
خود سودمندی	این مکان باعث می‌شود احساس سودمندی و شایستگی داشته باشم.
معنی داری	این مکان حس «معناداری» در زندگی را به من می‌دهد.
تمایز	پیوند داشتن با این مکان من را از دیگر مردم متمایز می‌سازد.
تعلق پذیری	این مکان به من احساس نزدیک شدن، یا پذیرفته شدن توسط دیگر مردم را می‌دهد.
کنترل	این مکان این حس را به من می‌دهد که من کنترل دارم.
امنیت	این مکان حس امنیت به من می‌دهد.
خشنودی مربوط به زیبایی شناسی	من این مکان را زیبا یافته‌ام.
پیوندهای اجتماعی به مکان‌ها	
پیوندهای نسبی	خاستگاه‌های من در این مکان است.
پیوندهای اقتصادی	این مکان اهمیت اقتصادی برای من دارد.
حس فقدان/جابجا شدگی	یک حس فقدان وجود دارد وقتی به این مکان فکر می‌کنم.
پیوندهای روایی	من داستان‌های فراوانی در مورد این مکان می‌دانم.
اهمیت‌های معنوی	این مکان اهمیت‌های معنوی برای من دارد.
پیوند‌های به وقایع خاص	این مکانی است برای رفتن در موقعیت‌های خاص.
توجه: تمام گفته‌ها در مقیاس ۵-نقطه ارزیابی شد. لنگرهای مقیاس ۰= به هیچ وجه در مورد این مکان صحیح نیستند؛ و ۵= کاملاً برای این مکان صحیح هستند.	

۴-۳- انگیزه‌ها و نیازهای شخصی

اولین گروه، از شاخص‌های روانشناسی شخصیتی و اجتماعی مشتق می‌شود و بر ساخت انگیزه‌های هویت (Breakwell, 1988) و نیازهای اساسی انسان (Maslow, A. H., 1970) تمرکز دارد.

تئوری فرآیند هویت (Breakwell, 1988) بیان می‌کند که فرایندهای هویت توسط چهار اصل هدایت می‌شوند: مردم هویتشان را می‌سازند و از آن دفاع می‌کنند به گونه‌ای که وضعیت‌های نهایی مطلوب احترام به نفس، پیوستگی، تمایز بخشی و سودمندی، را حفظ نمایند. بر طبق این نظریه، این «قوائد هویت» یک ویژگی احساسی یا نیازمانند دارند: در هنگامی که احساس احترام به نفس، پیوستگی، تمایز یا سودمندی قابل دستیابی نیست، یک «تهدید» برای هویت بوجود می‌آید و ممکن است مردم یک طیف گسترده از استراتژی‌های سازشکارانه را به منظور بازگرداندن رضایت بپذیرند. حتی در نبود چنین تهدیدی، می‌توان گفت مردم آن جنبه‌های مرکزی و خود تعریف هویتشان را که چهاراصل هویت را راضی می‌کند درک خواهند کرد. (Vignoles, V. L., Chrysoschoou, X., & Breakwell, G. M., 2002)

این چهار اصل هویت در دو مطالعه پیشین در مورد هویت مکان و وابستگی‌ها آزموده شده است، با اینکه هیچ یک به ویژگی‌های انگیزشی‌اشان توجهی نکرده‌اند، و با آنها بیشتر به عنوان اجزاء تا پیشگوه‌های هویت مکانی رفتار کرده‌اند. در مصاحبه‌ای در مقیاس کوچک، مطالعه در مورد وابستگی‌های منطقه داکلند لندن، این نکته یافت شد که شرکت کنندگانی که وابستگی‌های با میزان بالا را به منطقه گزارش می‌کنند بیشتر علاقه دارند تا در منطقه با احساس‌های احترام به نفس، پیوستگی، تمایز و سودمندی شریک شوند. (Twigger-Ross, C. L., & Uzzell, D. L., 1996). کنز (Knez, 2005) نتایج مشابهی را در بررسی در مقیاس بزرگ در مورد وابستگی به شهر گوتنبرگ یافت. در مطالعه او، احساس‌های احترام به نفس، پیوستگی، تمایز و سودمندی به گونه‌ای معنی دار با وابستگی مکان مشترک بودند، اما او اینکه هر انگیزه به گونه‌ای یکتا در شاخص‌های وابستگی به مکان شرکت دارد را نیازموند.^۱ پس از آن، ویگنولز ات آل (Vignoles, V. L., Regalia, C., Manzi, C., Gollledge, J., & Scabini, E, 2006) با پیشنهاد اینکه انگیزه‌ها برای احترام به نفس، پیوستگی، تمایز، سودمندی، تعلقات^۲ و معناداری مستلزم ساخت هویت‌های فردی، خویشاوندی و جمعی است تئوری فرآیند هویت را بسط داده است. در یک سری از مطالعات با استفاده از روش‌های طول همبستگی و احتمال، نشان داده شد که هر شش انگیزه در ساختار هویت شرکت دارند؛ هر چند، هر انگیزه یک نمایه متفاوت از اثرات در کلیت ابعاد ساختار هویت و اثر مربوط به هویت را نمایش می‌دهد. مطالعات بیشتر تأثیرات این شش محرک هویت بر ساختار خویشی‌های محتمل ترسان یا مطلوب (ویگنولز، مانزی، رگالیا، جمولو، و اسکابینی، ۲۰۰۸) همانند شناسایی مردم از مالکیت‌های کالا (ویگنولز ات آل، در حال آماده سازی) و برندهای مصرفی (کروزبائر، ویگنولز، و چو، ۲۰۰۸) را کاوش نموده است.

با وجود کاربرد آن در سرتاسر حوزه‌های متنوع هویت، در گذشته هیچ پژوهشی به صورت مستقیم «مدل بسط یافته ساختار هویت انگیزشی» ویگنولز و همکاران را در پیش بینی شناخت مردم از مکان‌ها به کار نبرده است. با تکیه بر نقش بالقوه محرک تعلق در فرایندهای هویت مکان، پژوهش نشان داده است که کیفیت ارتباط با همسایگان یکی از قویترین شاخص‌ها از وابستگی مردم به مکانی که در آن زندگی می‌کنند؛ می‌باشد (Bonaiuto, M., Aiello, A., Perugini, M., Bonnes, M., & Ercolani, A. P., 1999). با اینکه بر عدم وجود مدرک تجربی برای این موضوع آگاهیم، از راه درک مستقیم احتمالی به نظر می‌رسد که مردم به ویژه با مکان‌هایی که به آنها حس معناداری در زندگیشان را می‌دهند، قویاً احراز هویت خواهند کرد. علاوه بر این، ویگنولز (Vignoles, V. L., Regalia, C., Manzi, C., Gollledge, J., & Scabini, E, 2006) بحث می‌کند که لیست انگیزه‌های هویت آنان الزاماً فراگیر نبوده است. ما سه انگیزه ممکن برای هویت مکان را در اینجا مطرح کرده ایم، منتج شده از نظریه پردازی روانشناسی درباره نیازهای اساسی و بالاتر انسان، همچنین مطالعات در مورد مزایای تجدیدپذیر ارتباط مردم-مکان.

ما احساس کردیم که مکان‌ها از این نظر که نیازهای اساسی انسان چون امنیت و کنترل را بر آورده می‌کنند ممکن است مهم باشند (Deci, E. L., & Ryan, R. M., 2000) (Maslow, A. H., 1970)، که در مدل انگیزش هویت ویگنولز و همکاران

^۱ در تقابل با چشم انداز ما، (Knez, 2005) صریحاً این چهار بعد را به عنوان نتایج بیش از پیش گوه‌های وابستگی مکان، نظریه پردازی کرده است. در تمامی این احتمالات، اثرات واقعی دو سویه هستند، اما این فرایندهای پیچیده با استفاده از رویکردهای همبستگی کنزو یا در مطالعه پیش رو نمی‌توانند حل شوند.

^۲ توجه شود که تعلق در اینجا به شمول و پذیرش اجتماعی و نه به احساس «تعلق به مکان»، که بخشی از تعریف ما از شایستگی محیطی است، نسبت داده می‌شود.

پوشش داده نشده بود. برخی مدارک اظهار می‌کند که مردم احساسات امنیت و کنترل را به عنوان پی‌آمد تماسشان با محیط طبیعی و مکان‌های مطلوب، و احساسات ناامنی و نبود کنترل را به عنوان پی‌آمد تماس با مکان‌هایی که ترجیح می‌دهند از آنها اجتناب کنند بیان می‌دارند (Korpela, 1989) (Korpela, K. M., Hartig, T., Kaiser, F. G., & Fuhrer, U., 2001) (Hartig, T., Mang, M., & Evans, G., 1991)

ما همچنین به این نکته توجه داشتیم که چون مکان‌ها نیازهای زیبایی‌شناسانه مردم را برآورده می‌کنند ممکن است برای آنها مهم باشند (Maslow, 1996) و (Averill, J. R., Stanat, P., & More, T. A., 1998). اگر چه به مفهوم نیازهای زیبایی‌شناسانه توجه تجربی یا نظری نظام مند بسیار کمی در پژوهش‌های روانشناسی شده است (به استثناء Sirgy, M. J., Efraty, D., Siegel, P., & Lee, D.-J., 2001) (Wikstroöm, 2002)، از این لحاظ حس می‌شود که معقول‌تر است تا نیازهای زیبایی‌شناسانه را نیز در لیست انگیزه‌های ممکن متضمن تعیین هویت مکان قرار دهیم، و اهمیت بدیهی تعیین شده‌ی بعد زیبایی‌شناسانه را هم به عنوان اصل مرکزی طراحی معماری و هم به عنوان یک بخش کلیدی از واکنش‌های مردم به محیط‌های طبیعی و مصنوع را مشمول نماییم. (Orestis Droseltis, Vivian L. Vignoles, 2010). *یونایوتوات آل* (Bonaiuto, M., Aiello, A., Perugini, M., Bonnes, M., & Ercolani, A. P., 1999) در مطالعه‌ای در مورد وابستگی مکان در میان ساکنان شهر رم دریافت که خوشایندی زیبایی‌شناسانه درک شده، یک شاخص منحصر به فرد معنادار و معتبر از وابستگی به همسایگی محلی یک فرد، حتی پس از کنترل تأثیرات متنوع دیگر خصیصه‌های زمینه‌ای و اجتماعی می‌باشد.

۴-۴- پیوندهای اجتماعی و نمادین به مکان‌ها

دومین گروه شاخص‌های آزموده شده در زمینه هویت مکان، از ادبیات انسان‌شناسی اجتماعی نشأت می‌گیرد. با بازبینی این ادبیات، "لو" شش راه متفاوت که در آنها افراد و اجتماع ممکن است به صورت اجتماعی و/یا نمادین با مکان‌های قابل توجه، پیوند یابند را مشخص کرد. پیوندهای نسب‌شناسانه‌ای (مانند، پیوند به خانواده، مکان‌ها و خاستگاه)؛ نبود یا ویرانی اجتماع (مانند، مکان‌هایی که به سبب مهاجرت یا بلایا از بین رفته‌اند)؛ پیوندهای اقتصادی (مانند، دارا بودن مایملک، فضای کاری)؛ پیوندهای کیهان‌شناسی از طریق ارتباط مذهبی، معنوی و اساطیری (مانند، مکان‌های مقدس از قبیل ماچو پیچو، پرستشگاه‌های مذهبی، یا استونهنج)؛ رویدادهای فرهنگی جشنواره‌ای یا زیارتی (مانند، مکه و یا حتی استادیوم‌ها و تالارهای کنسرت از قبیل بارگاه ارل یا میدان ویملی در لندن)؛ و در پایان پیوندهای روایی از طریق داستان‌گویی، برنامه‌گذاری مکان (مانند، داستان‌های میانه درباره شهر نیویورک، در میانه زمین تولکین و از این دست) (Low, S. M., & Altman, I., 1992).

هر یک از پیوندهای اجتماعی و نمادین - به استثناء بحث «فقدان یا ویرانی» - ممکن است برای پرورش حسی روانشناختی از تعیین هویت با مکان در موضوع بحث مورد انتظار باشد. (Orestis Droseltis, Vivian L. Vignoles, 2010) با این حال، مطالعات تجربی مربوط به گونه‌شناسی لو (Low, S. M. & Altman, I., 1992) در ادبیات روانشناسی بسیار کمیاب می‌باشند و تمایل دارند که حول نقش معنویت تمرکز یابند. برای مثال، *مازومدار* و *مازومدار* (Mazumdar, S., & Mazumdar, S., 1993)، نقش معنویت در وابستگی مکان را مطرح می‌کند و بحث می‌کند که مکان‌های مقدس، بیان و رشد هویت را آسان می‌کنند. به همین شکل، وست (West, 2003) نشان می‌دهد که چگونه تجربه آگاهانه از مکان‌ها می‌تواند به کیهان‌شناسی مکان و بهزیستی در فرهنگ سنتی بومیان آمریکایی مربوط باشد. از این رو، یک شکاف قابل ملاحظه در ادبیات گذشته برای کاوش نظام مند ارتباط این شش نوع مختلف از قیده‌های نمادین و اجتماعی مردم-مکان با تعیین هویت مکان وجود دارد.

۵- مطالعه حاضر

با توجه به تعداد و تنوع شرح‌های مختلف در باره هویت مکان، فرض شده است که بزرگترین چالش در پژوهش هویت مکان، یکپارچه‌سازی موفقیت‌آمیز تمامی دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای گذشته خواهد بود (Giuliani, M. V., & Feldman, R., 1993) و (Lalli, 1992). بنابراین، ما تلاشی تازه را برای یکپارچه‌سازی زوایای پژوهش‌های گذشته در مورد پژوهش هویت مکان، آغاز نمودیم.

بیشتر مطالعات موجود در مورد هویت مکان بر روی تحلیل در سطح فردی تمرکز دارند. با آزمودن تفاوت های بین تعیین هویت کننده های قوی تر و ضعیف تر و یا بین شرکت کنندگان کم یا بسیار وابسته. این پژوهش ها عموماً در ارتباط با یک مکان خاص که توسط پژوهشگران تعیین شده، انجام گرفته است. با وجود سازگاری با رویه معمول در پژوهش روانشناسی، پی بردن از این مطالعات به هر چیز جامع درباره فرایندهای هویت مکان به چند دلیل، می تواند مشکل ساز باشد. اولاً، نتیجه ممکن است توسط ویژگی های خاص مکان های انتخاب شده برای مطالعه رنگین^۱ شده باشد. دوم اینکه، تمرکز بر روی تفاوت های فردی با توضیح اصول روانشناسی قانونی، عمومی به خوبی تطبیق داده نشده است: برای مثال، آیا تعیین کننده های پایین تر در یک مطالعه معین، مردمی هستند که به طور کلی قویاً با مکان تعیین هویت نکرده اند، یا اینکه آنها تعیین هویت کرده بودند اگر پژوهشگران، مطالعه را بر روی مکانی متفاوت که بیشتر برای آنها آشنا بود متمرکز می کردند؟

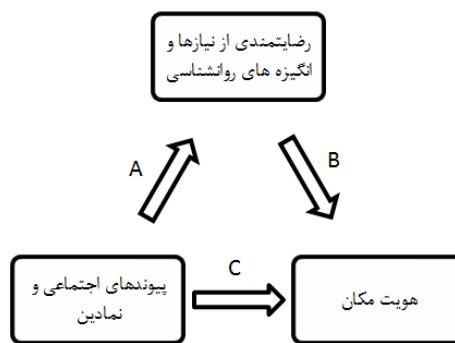
در اینجا ما یک رویکرد بسیار متفاوت، با تمرکز بر روی اختلافات درون فردی در تعیین هویت با مکان های مختلف، که توسط خود شرکت کنندگان انتخاب شده اند را به کار برده ایم. از این رو، تمرکز مطالعه ما بر روی پیشگویی اینکه چه کسی شدیدتر یا ضعیف تر با یک مکان معین، تعیین هویت خواهد کرد نبوده، بلکه بر روی پیشگویی اینکه برای تعیین هویت یک فرد چه مکان هایی را، در میان مکان هایی که برای او در دسترس و مناسب هستند قوی تر یا ضعیف تر جستجو خواهد کرد بوده است. ما از شرکت کنندگان خواستیم که نمونه مکان های مورد نظر خود را از تمام مکان های شهر شیراز در یک شکل بی انتها مشخص کنند، از این رو نمونه برداری گسترده ای را از میان تنوع مکان هایی که مردم ممکن است یا ممکن نیست که با آنها تعیین هویت نمایند، انجام دادیم. با تمرکز بر روی اختلاف درون فردی، ما قادر بودیم که تمایلات آماری که ممکن است شرکت کنندگان در کل داشته باشند را بیازماییم. از این رو اولویت های تعیین هویت مکان مردم را مشخص ساختیم.

اولین هدف ما این بود که به دقت آیت های ساختاری را برای اندازه گیری چهار جزء هویت مکان که به صورت نظری تعیین کرده بودیم را توسعه دهیم، به این منظور که ببینیم، آیا آن ها از نظر تجربی می توانند به عنوان منظرهای مجزای ساخت هویت مکان تشخیص داده شوند. سپس برای تعیین بهترین شاخص ها از هر منظر بر اساس ادبیات روانشناسی و انسان شناسی که شامل خصیصه های گونه شناسی تهیه شده توسط (Low, S. M., & Altman, I., 1992)، انگیزه های نظریه پردازی شده هویت توسط (Vignoles, V. L., Regalia, C., Manzi, C., Golledge, J., & Scabini, E., 2006)، و نیاز به امنیت، کنترل و خشنودی زیبایی شناسانه (Deci, E. L., & Ryan, R. M., 2000)، (Korpela, K. M., Hartig, T., Kaiser, F. G., & Fuhrer, U., 2001)، (Maslow, A. H., 1970)، شروع به جستجو کردیم.

دو مدل ممکن از الگوی اصلی ارتباط بین این ساخت های مختلف را مورد ملاحظه قرار دهیم (شکل ۲). یک امکان این بود که نیاز روانشناسی خشنودی ها به میزان زیادی اثرات پیوندهای اجتماعی بر هویت مکان را مورد مداخله قرار خواهد داد: به گفته ای دیگر، راه های خاص نسبت دادن به مکان ها، رضایتمندی نیازهای روانشناسی خاص را خواهد پذیرفت، که در عوض منجر به نمودهایی از تعیین هویت مکان خواهد شد (مسیر A و B در شکل). یک امکان دیگر این بود که پیشگوهای انسان شناسی و روان شناسی، تا حد زیادی هم بخشی های مستقل و مجزا برای هویت مکان خواهند داشت (مسیر B و C در شکل).^۲

^۱ منظور از رنگین شدن در اینجا یعنی ایجاد جهت دهی در نگرش و نظریات فرد یا افراد

^۲ ما همچنین موقعیت زمانی مکان ها را سنجیدیم، که گذشته، حال و آینده خواهد بود، و اینکه مکان های خواسته شده واقعی یا تخیلی بودند. ما این ارتباط زمانی و کیفیت ابعادی حقیقت در برابر خیال را بر اساس آنچه پروشانسکی ات آل (۱۹۸۳) بحث کرده بود که وضعیتی است با ملاحظه به «محیط گذشته» (ص. ۵۹) به عنوان سازه اصلی ادراکات مربوط به مکان (همچنین ببینید کایل ات آل، ۲۰۰۴). این همچنین مرتبط است به بحث لو (۱۹۹۲) که «وابستگی مکان می تواند در مورد مکان های اساطیری به کار برده شود که فرد هیچ گاه تجربه نمی کند» (ص. ۶۶؛ همچنین ببینید کایل ات آل، ۲۰۰۵) و فرضیه میلیگان (۱۹۹۸) که وابستگی مکان یک کارکرد هم گذشته تعاملی و هم پتانسیل تعاملی است که با مکان ها هم پیوند است.



شکل ۲- ارتباطات جامع ممکن بین سه گروه درجه بندی های هویت مکان، پیوندهای اجتماعی و نمادین، و نیازها و انگیزه‌ها

۶- شیوه پژوهش

برخلاف پژوهش‌های دیگر انجام شده در زمینه هویت مکان که مکانی خاص را از منظر هویت مندی و ایجاد هویت بررسی می‌کردند و شرکت کنندگان را وادار به پاسخ دادن در خصوص میزان هویت‌مندی و شاخص‌های آن در این مکان‌های ثابت می‌نمودند - که ممکن بود برای برخی از افراد این مکان‌ها حتی ناشناخته باشد و یا شناخت کمی از آن داشته باشند و یا خود در آن حضور پیدا نکرده باشند- در پرسشنامه‌های ارائه شده در این پژوهش از شرکت کنندگان خواسته شد تا فاکتورهای تعیین شده را در مورد مکان‌هایی که خود تعیین می‌کنند امتیاز دهی نمایند. با این روش میزان تسلط هر شرکت کننده نسبت به مکانی که در مورد آن اظهار نظر می‌نماید به حداکثر افزایش می‌یابد و این احتمال نیز که شخصی در مورد مکانی که آن را نمی‌شناسد مجبور به بیان فاکتورهایی گردد که اطلاع دقیقی از آن ندارد، از بین خواهد رفت.

این پژوهش از طریق بررسی و تحلیل متون نوشتاری در زمین ادبیات هویت مکان و مدل‌های مختلف موجود در این زمینه و همچنین انجام مصاحبه‌های حضوری و پرسشنامه‌های نوشتاری و الکترونیکی در بین ۱۳۸ تن از افراد مختلف، به یکپارچه سازی و به روز سازی این مدل‌ها پرداخته و عوامل بدست آمده از این موارد را در تحلیل‌های کیفی و کمی بررسی نموده است. در پرسشنامه‌ها از افراد خواسته شد تا ابتدا ۷ مورد از مکان‌هایی را از نظر آنان باعث ایجاد هویت در خودشان و یا شهرشان (شیراز) می‌گردد را تعیین نمایند. سپس از آنان خواسته شد تا در مورد هر یک از این مکان‌ها به فاکتورهای ارائه شده که به صورت پرسش‌هایی ساده‌سازی شده بودند که هر یک معرف شاخصی از شاخص‌های تعیین هویت مکان بود؛ میزانی را نسبت دهند (خیلی کم، کم، گاهی، زیاد، خیلی زیاد). سپس این اطلاعات به همراه فرضیات مطرح شده؛ در بسته نرم افزاری SPSS مورد تحلیل قرار گرفت تا میزان معناداری این فرضیات تعیین گردد.

۶-۱- مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها

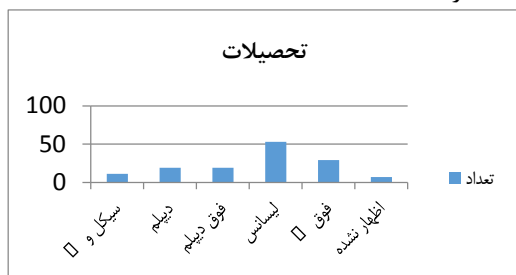
پرسشنامه‌ها به دو صورت کتبی و دیجیتال در اختیار شرکت کنندگان قرار داده شد. در مرحله اول، سؤالاتی مطرح و در اختیار تعداد معدودی از شرکت کنندگان قرار گرفت تا کیفیت سؤالات و نقایص و کاستی‌های آن بررسی گردد. سپس نسبت به رفع این کاستی‌ها و ایجاد پرسشنامه‌های جدید اقدام گردید و این پرسشنامه‌ها در اختیار کل شرکت کنندگان قرار داده شد.^۱

۶-۲- شرکت کنندگان و روش کار

از شرکت کنندگان (تعداد= ۱۳۸) پرسشنامه در قالب باز و بسته از طریق حضوری و تاکتیک اسنوبال [بیشتر شدن با سرعت تساعدی] جمع آوری شد (از دریافت کنندگان ایمیل خواسته شده بود که پرسشنامه‌ها را برای افراد موجود در لیست مخاطبینشان ارسال کنند). در ابتدای پرسشنامه، از شرکت کنندگان خواسته شد که برخی جزئیات فردی مربوط به سن، جنسیت، شغل، مدت

۱ - در مورد تعدادی نیز که در ابتدا با پرسشنامه‌های ابتدایی مورد سوال قرار گرفتند سؤالات تکمیلی یا ارسال گردید و یا به صورت شفاهی (تلفنی و یا حضوری) مطرح و اطلاعات استخراج گردید تا این پرسشنامه‌ها نیز قابلیت تحلیل در یک کلیت واحد را با دیگر پرسشنامه‌ها دارا شوند.

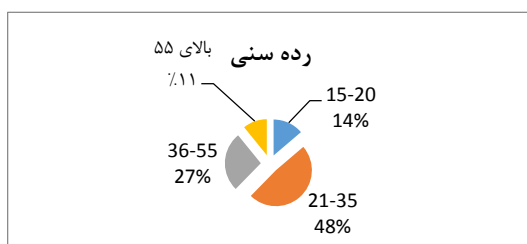
اقامت و میزان تحصیلات^۱ خود را را بیان دارند. از ۱۳۸ نفر مصاحبه شونده، ۸۷ نفر را زنان و ۵۱ نفر را مردان تشکیل می دادند. دامنه رده سنی افراد مورد مصاحبه را افراد از ۱۵ تا بالای ۵۵ سال تشکیل می داد.^۲ که عموماً در رده سنی بین ۲۱ تا ۳۵ سال (۶۷ نفر ۴۸/۵ درصد) قرار داشتند.^۳ از نظر سطح تحصیلات، شرکت کنندگان را افراد دارای مدرک سیکل تا دکترا تشکیل می دادند که اکثریت این افراد دارای مدرک لیسانس و فوق لیسانس (۸۲ نفر ۵۹/۴ درصد) بودند.^۴ از نظر وضعیت شغلی، ۴۱ تن از شرکت کنندگان خود را به عنوان دانشجو معرفی کرده اند، ۲۵ تن عنوان کردند که شغل آزاد دارند و اکثریت شرکت کنندگان (۷۲ نفر، ۵۲ درصد) خود را کارمند معرفی کرده اند. از نظر مدت اقامت در شهر شیراز، ۸۷ شرکت کننده مدت اقامت خود را بیش از ۱۵ سال معرفی کرده اند (۶۳ درصد)، ۳۱ نفر مدت اقامت خود را ۵-۱۰ سال اعلام کردند (۲۲/۴۶ درصد)، ۹ نفر ۱۰-۱۵ سال (۶ درصد) و بقیه (۱۱ نفر ۷/۹ درصد) بین ۲ تا ۵ سال در شیراز اقامت داشتند (۲۸/۷ درصد).



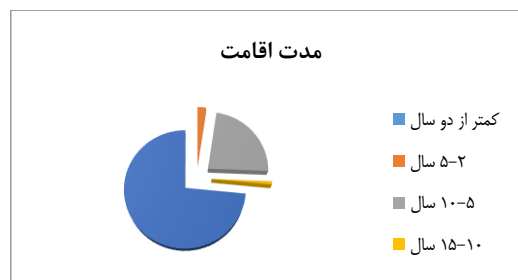
شکل ۴- نسبت شرکت کنندگان به تفکیک تحصیلات



شکل ۳- نسبت شرکت کنندگان به تفکیک جنسیت



شکل ۶- نسبت سنی شرکت کنندگان در پژوهش



شکل ۵- نسبت مدت اقامت در شهر شرکت کنندگان

۳-۶ لیست کردن مکان های خود-وابسته

سپس از شرکت کنندگان خواسته شد که آزادانه ۷ مکان در شهر شیراز که در نظرشان نسبت به آن مکان ها، احساس هویت دارند را مشخص کنند. تمامی سنجش های متعاقب در ارتباط با این ۷ مکان انجام گرفت. پاسخ های شرکت کنندگان بسیار متنوع بود، و پاسخ ها شامل: خیابان ها، کافی شاپ ها و رستوران ها، باشگاه های ورزشی، خانه های سنتی، دانشگاه ها، مکان های تاریخی و حتی خانه های شخصی خودشان و ایستگاه های اتوبوس و بسیاری دیگر می شد.

۴-۶ درجه بندی مکان ها

سپس از شرکت کنندگان خواسته شد که هر کدام از مکان های لیست شده خود را در برابر ۲۲ توضیحی که بازتاب کننده ساختار نظری تعیین هویت مکان، خشنودی از نیازها و انگیزه ها، و پیوندهای اجتماعی/نمادین به مکان ها است درجه بندی کنند، و تمامی درجه بندی ها از طریق استفاده از مقیاسی از ۰ (به هیچ وجه درباره این مکان صحیح نیست) تا ۵ (کاملاً در مورد این مکان صحیح است) انجام گرفت. به این ترتیب هر شرکت کننده به تعداد ۱۵۴ سوال پاسخ دادند (۲۲*۷).

۱- این عوامل، آیتم هایی بودند که گمان می رفت ممکن است رابطه معناداری با پاسخ های ارائه شده داشته باشند.

۲- از انجام مصاحبه با افراد کمتر از این رده سنی به علت عدم درک کافی از مقوله هویت و فهم تعریف آن صرف نظر گردید.

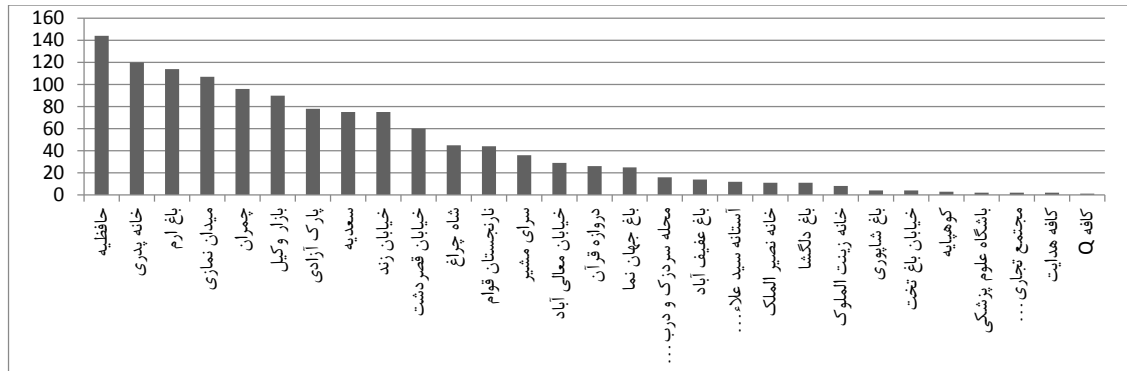
۳- ۱۵ تا ۲۰ سال ۱۹ نفر، ۲۱ تا ۳۵ سال ۶۷ نفر، ۳۶ تا ۵۵ سال ۳۷ نفر، بالاتر از ۵۵ سال ۱۵ نفر

۴- ۷ نفر نیز میزان تحصیلات خود را اظهار نداشتند.

۵- ساختار بندی دقیق این عبارات در جدول ۱ دیده می شود

۷- تحلیل

در ابتدا فاکتورهای موجود در پرسشنامه ها استخراج و دسته بندی گردید و سپس به منظور تحلیل آماری در نرم افزار spss وارد گردید.^۱ با توجه به رویه پیش گرفته شده در این مقاله^۲ دامنه مکان‌های ارائه شده از سوی شرکت کنندگان بسیار وسیع تر از نمونه‌های مشابه در پژوهش های پیشین شکل گرفت. در ادامه به بررسی کیفی و کمی داده های پژوهش پرداخته خواهد شد.



شکل ۷- فراوانی مکان های مطرح شده از سوی شرکت کنندگان در پژوهش

نکاتی که در مورد این نمودار در نگاه اول به نظر می‌رسد تنوع مکان‌های بیان شده است و این که در این لیست مکان‌هایی به چشم می‌خورد که پیش از انجام تحقیق مورد انتظار نبود. مکان‌هایی مانند کافه، خانه پدری، باشگاه و... نکته جالب توجه دیگر این نکته بود که عموماً افرادی در مورد خانه پدری به عنوان یک مکان هویت بخش برای شهر نام می‌بردند که سن بالاتری داشته و مدت اقامت طولانی تری در شیراز داشتند. علت این امر می‌تواند به دلیل گستردگی کمتر شهر در دوران کودکی این افراد و شاخص تر بودن محله ها و خانه های شاخص قدیمی باشد. چرا که عموماً این افراد علاوه بر نام بردن خانه پدری آنان از محله های قدیمی محل زندگی خود نیز نام برده اند. افرادی نیز که مدت اقامت کمتری در شهر داشته اند، عموماً مکانهای شاخص و شناخته شده شهر در سطح کشوری را بیان می‌کنند. این نکته می‌تواند به علت عدم شناخت کامل شهر توسط آنان به دلیل مدت زمان کوتاه سکونت در شهر و یا نداشتن خاطره جمعی از محلات و گذرهای شهری باشد. افراد کم سن و سال تر نیز در لیست خود گرایشی به بیان نام مکان های جدیدتر و دارای شور و سرزندگی داشته اند. مکان هایی مانند مجتمع های تجاری شاخص، کافه های شاخص و... گویی این افراد هویت خود را در این مکان ها که عموماً دارای قشری از هم سن و سالانشان است؛ جستجو می‌کنند. در قشر تحصیلکرده عمده مکان های بیان شده را ساختمان های تاریخی شاخص شهر و محلات قدیمی موجود در بافت تاریخی تشکیل می‌دهد. این امر می‌تواند به علت آشنایی بیشتر این قشر با ساختار شهری و ارزش های تاریخی در زمان تحصیلات عالی باشد.

در مورد تاثیر جنسیت در مورد مکان های ارائه شده نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد که زنان عمدتاً از مکان هایی به عنوان مکانهای هویت بخش نام برده اند که فعالیت های تفریحی و خرید را در بر می‌گیرد (سرای مشیر، بازار وکیل، خیابان چمران که یک فضای تفریحی و تعاملی است، باغ ارم، مجتمع تجاری و...) و مردان عمدتاً مکان های قدیمی با حس نوستالژیک را نام برده اند. محلات قدیمی، محلات قدیمی زندگی خودشان، خانه پدری و... این امر می‌تواند ریشه در تفاوت نگرش در دو جنس نسبت به مطلوبیت فضای زندگی، خواسته ها و اولویت بندی میان دو مقوله آسایش و آرامش در بین دو جنس داشته باشد. محدوده امتیاز دهی زنان به آیتم های ردیف های ۱۱ تا ۲۰ که در بردارنده شاخص های وابستگی و انگیزه ها و نیازهای روانشناسی است بیشتر و در مردان نیز این موضوع در مورد آیتم های ردیف های ۲۱ تا ۲۶ صادق است.

در تحلیل انجام شده با نرم افزار spss نیز رابطه معناداری میان نوع جنسیت و اهمیت شاخص های تعیین هویت مکان مشاهده گردید که فرضیه مطرح شده را قوت می‌بخشد. به این معنی که زنان درصد بالاتری از ایجاد هویت را از طریق شاخص های

^۱ در این پژوهش از نرم افزار 19 spss statistics استفاده شده است.

^۲ هر فرد مکان مورد پرسش را خود انتخاب می‌نماید.

خودتعمیمی، وابستگی احساسی و انگیزه ها و نیازهای روانشناسی در مورد یک مکان دریافت می دارند و مردان بیشتر این هویت را از طریق شاخص های ارزش های اجتماعی و نمادین درک می کنند.

در بررسی انجام شده و تحلیل آماری صورت گرفته با نرم افزار SPSS رابطه معناداری میان شغل افراد و نوع مکان های ارائه شده و میزان هویت مند سازی در سطوح مختلف آن مشاهده نگردید. نکته مورد توجه دیگری که در این پاسخ ها به چشم می خورد این است که عموماً افرادی که میزان بالایی از هویت مندی را در آیتام های ردیف ۵ و ۶ جدول که در بردارنده فاکتورهای خودتعمیمی است بیان کرده اند، در مورد آیتام ۱۱ که مربوط به وابستگی احساسی به مکان است نیز همین میزان را ذکر کرده اند و به گفته دیگر این دو آیتام از دید شرکت کنندگان یک موضوع واحد دیده شده اند.

۸- نتایج تحلیل

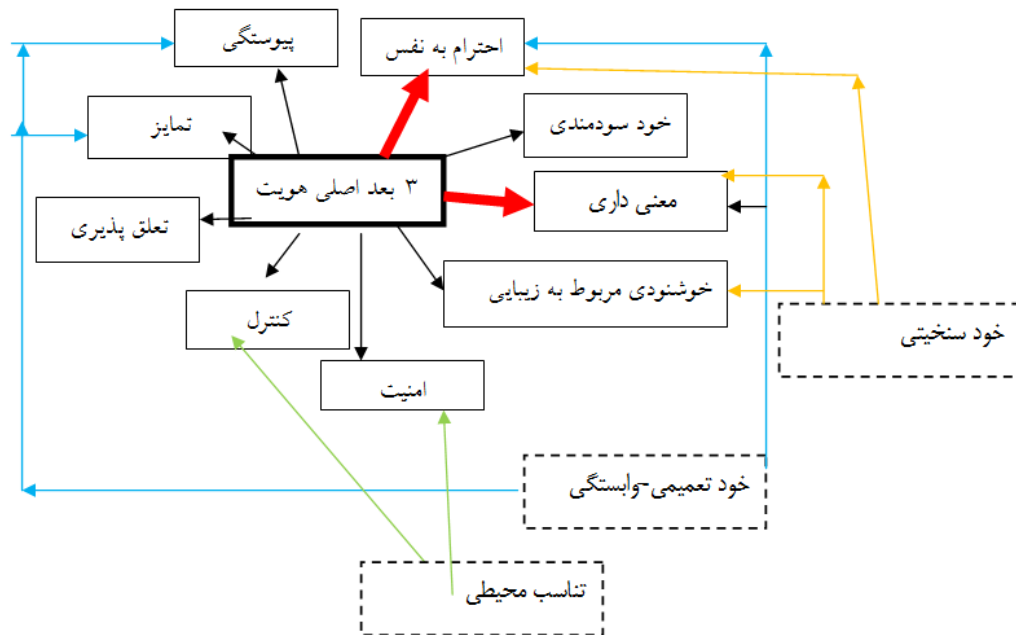
در این مقاله برای آزمودن اینکه آیا درجه بندی های ما با موفقیت بین چهار بعد هویت مکان که در زمینه های نظری تشخیص داده بودیم، انجام شده است یا نه، یک سری از عوامل تأییدی چند سطحی را با استفاده از بسته نرم افزاری (Muthén, Mplus) (L. K., & Muthén, B. O.) و همچنین به کمک نرم افزار SPSS به اجرا در آوردیم. از آنجا که تمرکز تجربی ما در مطالعه حاضر بر روی مدل سازی اختلاف درون فردی در میان مکان های مختلف می باشد، ما مدل های ساختاری را در سطح درونی با هم مقایسه کردیم. بر اساس ابعاد نظری تعریف شده در شکل ۱ (خودتعمیمی، تناسب محیطی، سنخیت و وابستگی احساسی) ابتدا یک مدل با این ۴ عامل مجزا را در سطح فردی آزمودیم. بر اساس این آزمون تخمین زده شد که بین دو عامل وابستگی احساسی و خودتعمیمی همبستگی وجود دارد که نمی توان این دو عامل را از هم متمایز کرد. بنابراین، مدلی تجدید نظر شده را با سه عامل نهفته مجزا خودتعمیمی/وابستگی، تناسب محیطی و خود سنخیتی مکان ارائه دادیم. (شکل ۸)



شکل (۱): مدل تجدید نظر شده از ۴ بعد اصلی هویت مکان

شکل (۲): بسط ابعاد اصلی هویت با دو مدل پیوندهای اجتماعی و نیازها و انگیزه های روانشناختی

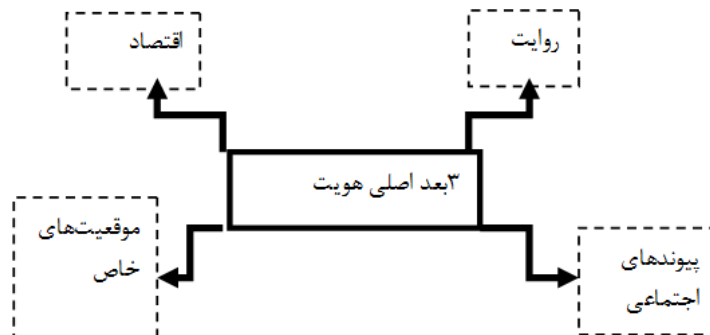
در سنجش ابعاد اصلی هویت با مدل نیازها و انگیزه های روانشناختی این نتایج حاصل شد: در هر سه بعد اصلی هویت مکان، شرکت کنندگان با آن مکان هایی که مقدار بیشتری حس احترام به خود و معناداری را احساس کرده بودند، تعیین هویت کردند.



شکل ۱۰- سنجش ابعاد اصلی هویت با نیازها و انگیزه های روانشناختی

همچنین به طور انحصاری بعد خود تعمیمی/وابستگی با عواملی چون احساس احترام به نفس، پیوستگی، تمایز، و معناداری پیوند خورد. بعد خود سنجی مکان توسط احترام به نفس، معناداری و خوشنودی زیبایی شناسانه هویتمند تر و معنا دار تر شد. و بعد تناسب محیطی توسط احساس های کنترل و خوشنودی زیبایی شناسانه، اما نه توسط تمایز، معنامند شد و ارتباط پیدا کرد. این بار سه بعد اصلی هویت را با مدل پیوندهای اجتماعی/ نمادین سنجیدیم و نتیجه زیر حاصل شد:

تعیین هویت با آن مکان‌هایی که توسط شرکت کنندگان با اقتصاد، روایت و پیوندهای اجتماعی، و موقعیت های خاص پیوند داده شده بودند بالاتر بود.



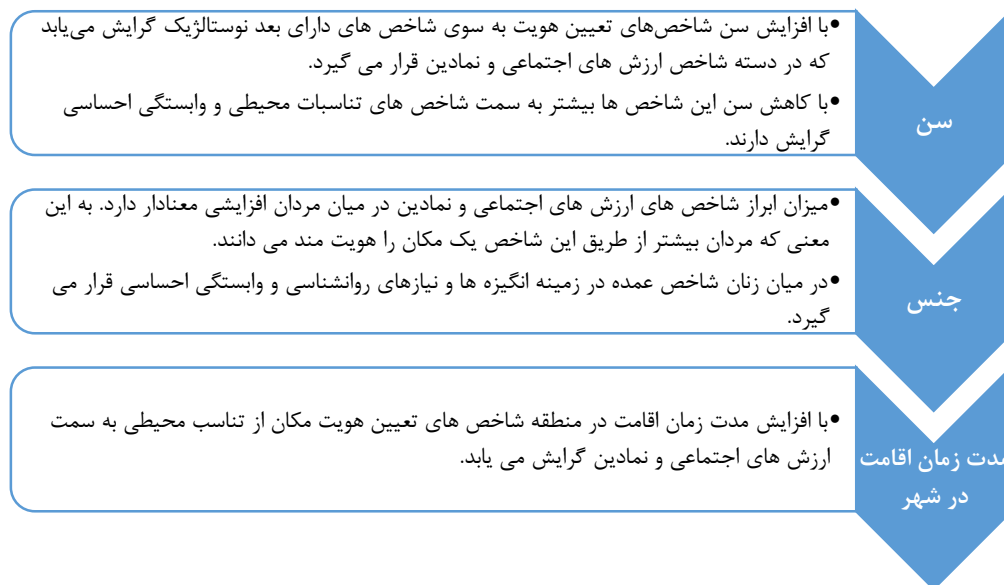
شکل ۱۱- مدل برگرفته از تطابق ابعاد اصلی هویت با مدل پیوندهای اجتماعی-نمادین

در ادامه بعد از سنجش این دو مدل ارایه شده با سه بعد اصلی هویت مکان و مقایسه و سنجش این دو مدل با یکدیگر بر اساس پاسخ شرکت کنندگان یک مدل ترکیبی ارایه دادیم.

درون این مدل، تمامی اثرات مدل نیازها و انگیزه ها معنادار باقی ماند، که این گفته نشان دهنده این نکته است که نیازها و انگیزه های روانشناسی یک هم بخشی مستقیم قابل توجه و معنا دار در پیشگویی تعیین هویت مکان را دارند، حتی اگر پیوندهای اجتماعی به مکان ها کمرنگ شوند. در مقابل، بیشتر تاثیرات مدل پیوندهای اجتماعی در مدل ترکیبی دیگر معنی دار نبودند.

۹- نتیجه گیری نهایی

در تحلیل های انجام شده روابط معناداری میان شاخص های فردی مورد تحقیق مانند سن، جنس و مدت زمان اقامت در شهر با شاخص های تعیین کننده هویت مکان مشاهده گردید. از این رو می توان از این شاخص های فردی به عنوان عوامل تاثیرگذار بر تعیین هویت مکان نام برد.



شکل (۳): تاثیر شاخص های فردی بر شاخص های تعیین کننده هویت مکان

در مورد شاخص فردی تحصیلات، رابطه معناداری مشاهده نگردید^۱، از این رو این عامل نمی تواند یک شاخص فردی تاثیرگذار بر تعیین هویت مکان باشد. در مدل ترکیبی حاصل شده از تحلیل مدل های پیشین، تمامی اثرات مدل نیازها و انگیزه ها معنادار باقی ماند، که این گفته نشان دهنده این نکته است که نیازها و انگیزه های روانشناسی یک هم بخشی مستقیم قابل توجه و معنا دار در پیشگویی تعیین هویت مکان را دارند؛ حتی اگر پیوندهای اجتماعی به مکان ها کمرنگ شوند. در مقابل، بیشتر تاثیرات مدل پیوندهای اجتماعی در مدل ترکیبی دیگر معنی دار نبودند.

۱۰- ارتباط بین پیشگوه های روانشناسی و انسان شناسی

هدف اصلی پژوهش ما، کاوش ارتباط بین، شاخص های انسان شناسی و روان شناسی ابعاد تعیین هویت مکان بود. در ابتدا، هدف ما کاوش دو سناریوی نظری ممکن بود: آیا نیازها و انگیزه های روانشناسی، اثرات روی تعیین هویت مکان از پیوندهای نمادین و اجتماعی که مردم با مکان ها دارند را میانجی گری خواهند کرد یا پیوندهای نمادین/اجتماعی با مکان ها و نیازها و انگیزه های روانشناسی، تاثیرات نسبتاً مستقلاً بر تعیین هویت مکان نشان خواهند داد. در واقع، به نظر می رسد نتیجه در جایی بین این دو احتمال اصلی قرار گیرد. به نظر می رسد که تاثیرات پیوند اجتماعی و وقایع خاص بر روی تعیین هویت مکان کاملاً پاسخگو باشد تا حدی که این نوع پیوندها با رضایتمندی از تنوعی از انگیزه ها و نیازهای روانشناختی مربوط گردند. به نظر می رسد که پیوندهای روایی، معنادار معنوی و نسبی، نیز تعیین هویت مکان را از طریق انگیزه ها و نیازهای روانشناسی تحت تاثیر قرار دهند، اما تاثیرات مستقیم بر روی برخی ابعاد تعیین هویت مکان هنوز پس از نیازهای روانشناسی به حساب می آیند. در پایان، مردم با مکان هایی که با آنها از طریق حسی از فقدان مرتبط هستند، قوی تر تعیین هویت کرده اند، صرف نظر از خشنودی از انگیزه ها و نیازهای روانشناختی - یا حداقل کسانی که ما در اینجا سنجیده ایم.

^۱ براساس تحلیل های انجام گرفته با نرم افزار spss

جدول (۲) مسیرهای غیرمستقیم معنادار از پیوندهای اجتماعی/نمادین تعیین هویت مکان

منظر هویت		انگیزه/نیاز	پیوندهای اجتماعی/نمادین
خود تعمیمی/وابستگی	→	پیوستگی	نسبی
خود تعمیمی/وابستگی	→	پیوستگی	اقتصادی
خود تعمیمی/وابستگی	→	پیوستگی	روایی
خود تعمیمی/وابستگی	→	پیوستگی	معنوی
خود تعمیمی/وابستگی	→	معناداری	اقتصادی
خود تعمیمی/وابستگی	→	معناداری	معنوی
خود تعمیمی/وابستگی	→	معناداری	وقایع خاص
خود تعمیمی/وابستگی	→	تعلق	اقتصادی
خود تعمیمی/وابستگی	→	تعلق	روایی
خود تعمیمی/وابستگی	→	تعلق	معنوی
خود تعمیمی/وابستگی	→	تمایز	معنوی
تناسب محیطی	→	امنیت	نسبی
تناسب محیطی	→	امنیت	اقتصادی
تناسب محیطی	→	امنیت	روایی
تناسب محیطی	→	امنیت	معنوی
تناسب محیطی	→	کنترل	اقتصادی
تناسب محیطی	→	کنترل	معنوی
تناسب محیطی	→	معناداری	اقتصادی
تناسب محیطی	→	معناداری	معنوی
تناسب محیطی	→	احترام	اقتصادی
تناسب محیطی	→	احترام	معنوی
تناسب محیطی	→	احترام	وقایع خاص
تناسب محیطی	→	تعلق	اقتصادی
تناسب محیطی	→	تعلق	روایی
تناسب محیطی	→	تعلق	معنوی
تناسب محیطی	→	زیبایی شناسی	معنوی
تناسب محیطی	→	زیبایی شناسی	وقایع خاص
خود سنخیتی مکان	→	احترام	اقتصادی
خود سنخیتی مکان	→	احترام	معنوی
خود سنخیتی مکان	→	احترام	وقایع خاص
خود سنخیتی مکان	→	معناداری	اقتصادی
خود سنخیتی مکان	→	معناداری	معنوی

منابع

- ۱- ابل، ک. (۱۳۸۷). معماری و هویت. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، مترجم: فرح حبیب.
- ۲- احمدی پور، ز. و همکاران. (۱۳۸۹). تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران؛ جهت امنیت پایدار. فصلنامه علمی- پژوهشی انتظام اجتماعی، ۳۵-۶۹.
- ۳- بل، س. (۱۳۸۶). منظر؛ ادراک، الگو، فرایند. انتشارات دانشگاه تهران، ترجمه ی بهناز امین زاده، چاپ دوم.
- ۴- بهزاد فر، م. (۱۳۸۶). هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران). تهران: موسسه نشر شهر.

- ۵- پاکزاد، ج. (۱۳۸۶). سیر اندیشه ها در شهرسازی (از آرمان تا واقعیت). تهران: شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۰۴.
- ۶- راپاپورت، ا. (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیر کلامی. (ف. حبیب، مترجم) تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- ۷- شکوفه میرزایی، سیاوش تیموری، سعیده نژادستاری. (۱۳۹۱). معنا در مکان و آفرینش هویت؛ فصلنامه مطالعات ملی؛ ۵۰، سال سیزدهم، شماره ۲.
- ۸- شولتز، ن. ک. (۱۳۸۲). معماری: معنا و. (و. نوروز برزجانی، مترجم) تهران: نشر جان جهان.
- ۹- شولتز، ن. ک. (۱۳۸۱). معماری: حضور، زبان و مکان. موسسه معمار نشر.
- ۱۰- فکوهی، ن. (۱۳۸۳). انسان شناسی شهری. تهران: نی.
- ۱۱- فکوهی، ن. (۱۳۸۰). بررسی رابطه میان الگوهای جهانی ملی و قومی و پیامدهای اجتماعی و راهکارهای مقابله اش با اثرات سوء آن در لرستان. نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳.
- ۱۲- گیدنز، آ. (۱۳۸۷). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. (ت. ن. موفقیان، مترجم) تهران: تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- ۱۳- معین، م. (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات ساحل، چاپ دوم.
- ۱۴- ناصر فکوهی، مریم حسین یزدی. (۱۳۹۲). هویت مکانمند و بی‌هویتی در فضای شهری: مطالعه موردی دو مجتمع مسکونی در شهر تهران. پژوهش‌های انسان شناسی ایران دوره ۳، شماره ۲، ۷-۲۴.
- 15- Alsayyad, N. (2001). Hybrid culture/ Hybrid urbanism: pandora's box of the third place in: Nezar Alsayyad (Ed) Hybrid urbanism on the identity discourse and the built environment. praeger publishers.
- 16- Altman, I & Low, S.M. (1992). place attachment, USA. Plenum Press.
- 17- Ariel Windsong, Elena. (2010). There is no Place Like Home: Complexities in Exploring Home and place Attachment. The Social Science Journal, No. 47, USA, 200-215.
- 18- Ashmore, R. D., Deaux, K & McLaughlin-Volpe, T. (2004). An organizing framework for collective identity: articulation and significance of multidimensionality. Psychological Bulletin, 130, 80-114.
- 19- Averill, J. R., Stanat, P., & More, T. A. (1998). Aesthetics and the environment. Review of General Psychology, 2, 153-174.
- 20- Beerli, A., Meneses, G. D., & Gil, S. M. (2007). Self-congruity and destination choice. Annals of Tourism Research, 34, 571-587.
- 21- Belk, R. (2000). Arewewhat we own? In A. Benson (Ed.), I shop therefore I am: Compulsive buying and the search for self. London/New York: Jason Aronson, 76-104.
- 22- Bonaiuto, M., Aiello, A., Perugini, M., Bonnes, M., & Ercolani, A. P. (1999). Multidimensional perception of residential environment quality and neighborhood attachment in the urban environment. Journal of Environmental Psychology, 19, 332-352.
- 23- Bragg, E. A. (1996). Towards ecological self: deep ecology meets constructionist self theory. Journal of Environmental Psychology, 16, 93-108.
- 24- Breakwell, G. M. (1988). Strategies adopted when identity is threaten. Revue Internationale de Psychologie Social, 189-203.
- 25- Burris, C. T & Rempel, J. K. (2004). It's the end of the world as we know it: threat and the spatial-symbolic self. Journal of Personality and Social Psychology, 86, 19-42.
- 26- Clayton, S., & Opatow, S. (2003). Introduction: identity and the natural environment. In S. Clayton, & S. Opatow (Eds.), Identity and the natural environment: The psychological significance of nature. Cambridge, MA: MIT Press, 1-24.
- 27- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: human needs and the self-determination of behavior. Psychological Inquiry, 11, 227-268.
- 28- Giuliani, M. V., & Feldman, R. (1993). Place attachment in a developmental and cultural context. Journal of Environmental Psychology, 13, 267-274.
- 29- Hartig, T., Mang, M., & Evans, G. (1991). Restorative effects of natural environmental experiences. Environment and Behavior, 23, 3-26.

- 30- Herna ´ndez, B., Hidalgo, M. C., Salazar-Laplace, M. E & ,Hess, S.(2010) place attachment and place identity in natives and non-natives .Journal of Environmental Psychology, 27 , 310-319
- 31- Hinds, J., & Sparks, P.(2008). Engaging with the natural environment: the role of affective connection and identity. Journal of Environmental Psychology, 28 , 109-120.
- 32- Hull, R. B .(۱۹۹۲).Image congruity, place attachment and community design .Journal of Architectural and Planning Research, 9, ۱۹۲-۱۸۱ , ,
- 33- Jorgensen, B. S.,&Stedman, R. C.(2001). Sense of place as an attitude: lakeshoreowners attitudes toward their properties. Journal of Environmental Psychology, 21 , 233-248.
- 34- Knez, I .(۲۰۰۵).Attachment and identity as related to place and its perceived climate .Journal of Environmental Psychology, 25, ۲۱۸-۲۰۷۷ , ,
- 35- Korpela, K. M.(1989). Place-identity as a product of environmental self-regulation. Journal of Environmental Psychology, 9 , , 241-256.
- 36- Korpela, K. M., Hartig, T., Kaiser, F. G., & Fuhrer, U.(2001). Restorative experience and self-regulation in favorite places. Environment and Behavior, 33 , , 572-589.
- 37- Kyle, G., Graefe, A., & Manning, R.(2005). Testing the dimensionality of place attachment in recreational settings. Environment and Behavior, 37 , 153-177.
- 38- Lalli, M.(1992). Urban-related identity: theory, measurement, and empirical findings. Journal of Environmental Psychology, 12 , 285-303.
- 39- Low, S. M & ,Altman, I .(۱۹۹۲).Place attachment: a conceptual inquiry. In I. Altman &S. M. Low(Eds.), Place attachment .New York: Plenum Press. ۱۲-۱ , ,
- 40- Low, S. M., & Altman, I.(1992). Place attachment: a conceptual inquiry. In I. Altman,& S. M. Low(Eds.), Place attachment. New York: New York: Plenum Press.
- 41- Manzo, L. C .(۲۰۰۳).Beyond house and haven: toward a revisioning of emotional relationships with places .Journal of Environmental Psychology, 23, ۶۱-۴۷ , ,
- 42- Maslow, A. H .(۱۹۷۰).Motivation and personality(2nd ed .(New York: New York: Harper &Row.[Original work published 1954.]
- 43- Maslow, A. H.(1996). Our aesthetic needs: exploratory notes. In E. Hoffman(Ed.),Future visions: The unpublished papers of Abraham Maslow. Thousand Oaks, CA: Sage. , 42-44.
- 44- Mazumdar, S & ,Mazumdar, S .(۱۹۹۳).Sacred space and place attachment .Journal of Environmental Psychology, 13, ۲۴۲-۲۳۱ , ,
- 45- Muthé´ n, L. K., & Muthé´ n, B. O.(n.d.). Mplus user's guide. Los Angeles: Author.
- 46- Nasar, J. L & .Kang, J .(۱۹۹۹).House style preference and meaning across taste cultures, Landscape and urban Planning,vol. ۴۲-۳۳ .
- 47- Orestis Droseltis, Vivian L. Vignoles .(۲۰۱۰).Towards an integrative model of place identification: Dimensionality and predictors of intrapersonal-level place preferences . Journal of Environmental Psychology 30, ۳۴-۲۳ , ,
- 48- Pretty, G. H., Chipuer, H. M & ,Bramston, P .(۲۰۰۳).Sense of place amongst adolescents and adults in two rural Australian towns: the discriminating features of place attachment, sense of community and place dependence in relation to place identity .Journal of Environmental Psychology, 23, ۲۸۷-۲۷۳ , ,
- 49- Proshansky, H. M .(۱۹۷۸).The city and self-identity. Environment and Behavior, 10-۱۴۷ , , ۱۶۹
- 50- Proshansky, H. M., Fabian, A. K., & Kaminoff, R.(1983). Place-identity:physical world socialization of the self. Journal of Environmental Psychology, 3 , , 57-83.
- 51- proshansky, H.M., Fabian,A.K & ,Kaminoff,R .(۱۹۸۳).place-identity: physical world socialization of the self .environmental psychology, 3, ۸۳-۵۷ , ,
- 52- Relf, E .(۱۹۷۶).place and pacelessness .pion: London.
- 53- Relph, E .(۱۹۷۶).place and placelessness, pion .london.
- 54- Sirgy, M. J., & Su, C.(2000). Destination image, self-congruity, and travel behavior:toward an integrative model. Journal of Travel Research, 38 , 340-352.

- 55- Sirgy, M. J., Efraty, D., Siegel, P., & Lee, D.-J.(2001). A new measure of quality of work life(QWL) based on need satisfaction and spillover theories. *Social Indicators Research*, 55, 241-302.
- 56- Twigger-Ross, C. L., & Uzzell, D. L..(1996). Place and identity processes. *Journal of Environmental Psychology*, 16 , 205-220.
- 57- Vignoles, V. L., Chryssochoou, X & ,Breakwell, G. M .(۲۰۰۲).Evaluating models of identity motivation: self-esteem is not the whole story .*Self and Identity*, 1, ۲۱۸-۲۰۱ , ,
- 58- Vignoles, V. L., Regalia, C., Manzi, C., Golledge, J., & Scabini, E.(2006). Beyond selfesteem:influence of multiple motives on identity construction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 17 , 251-268.
- 59- West, R. A .(۲۰۰۳).Place psychological experience: a native American perspective . *Dissertation Abstracts International*, 63. ۱۳-۱۰ ,
- 60- Wikstrom, B.-M.(2002). Nurses' strategies when providing for patients' aesthetic needs: personal experiences of aesthetic means of expression. *Clinical Nursing Research*, 11 , 22-33.
- 61- Wirtz, P. W & ,Harrell, A. V .(۱۹۸۷).Assaultive versus nonassaultive victimization:a profile analysis of psychological response .*Journal of Interpersonal Violence*, 2, ۲۷۷-۲۶۴ , ,
- 62- Woodward, K.(2000) .Questions of identity in: Kath Woodward(Ed) *Questioning identity, gender, class,nation*.Routledge.

**Journal of
Urban Design Studies
and Urban Research**

ISSN: 2645-4424

www.UDSJ.ir

مطالعات طراحی شهری
و پژوهش‌های شهری

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷



۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴